

اطلاعات

شاهنامه و مرجعیت فرضی غرب

| | |
|-----------------------------|------------------|
| دکتر محمود امیدسالار | بخش چهارم |
|-----------------------------|------------------|



توحش ژومنی یا **فرسودگی رومی** برای اینکه مبدا تصور شود که چنین ارزیابی از اروپای قرون وسطی به آرای کنتور محدود می‌شود، کنابدزاد از رابرت لوپز مورخ ایتالیایی قرون وسطی، و استاد دانشگاه ییل مطبی نقل کند، وی این دوره را دوران «آمیزش توحش ژومنی با فرسودگی رومی» تعریف می‌کند.

واقعیت هرچه باشد، مقایسه بین اروپای قرون وسطی و غرب آسیای امروزی در مورد تولید، ترویج و استفاده اساسا با اروپای قرون وسطی متفاوت بوده است. در حقیقت اختلاف کمی در این حوزه به قدری زیاد است که نوعی اختلاف کیفی را در میان این دو تمدن القا می‌کند. به همین ترتیب، تکوین اندیشه علمی و نظری در این دو منطقه فرهنگی، باهم تفاوت‌های اساسی دارد.

برسی آماری متون مربوط به علم ریاضی که بین قرون سوم تا یازدهم هجری‌نهم تا مقدمه میلادی درجهان اسلام تألیف شدند، می‌تواند اوضاع را به صورت عینی‌تر نشان دهد.

ابن تحقیق مختصرا معطوف بر آثار در زمینه ریاضیات است که بین قرون سوم تا یازدهم هجری/نهم تا مقدمه میلادی درکشورهای مسلمان تدوین شدند و رساله‌های مذهبی، فلسفی و گونه‌های دیگر را ممکن است سنجش تولید علمی صرف را در جامعه اسلامی مختل کند، به حساب نمی‌آورد. در این جدول تعداد چنین تألیفاتی در هریک از قرون این دوران مورد مطالعه، فهرست شده است:

دوران حیات فردوسی همزمان با اوج این فعالیت خردورزانه دوره اسلامی بوده است در همین دوران زیر اورپایی فقط به این خاطر که از شاعر مسلمان اندلس کمی جبر و مقابله آموخته بود، شعرت «ساحر» کسب کرده بود! معانی ضمنی مطالبی که نقل کردیم باید بر همه کس روشن باشد.

| کتاب ریاضی در دوره اسلامی | | |
|---------------------------|-----------|--|
| سال میلادی | تعداد کتب | |

| | |
|------------------|------------|
| ۸۰۰–۹۰۰ | ۱۱۰ |
| ۹۰۰–۱۰۰۰ | ۹۱ |
| ۱۰۰۰–۱۱۰۰ | ۲۳۵ |
| ۱۱۰۰–۱۲۰۰ | ۱۶ |
| ۱۲۰۰–۱۳۰۰ | ۲۴ |
| ۱۳۰۰–۱۴۰۰ | ۸ |
| ۱۴۰۰–۱۵۰۰ | ۸ |
| ۱۵۰۰–۱۶۰۰ | ۸ |
| ۱۶۰۰–۱۷۰۰ | ۳ |

در مقایسه با جهان اسلام، دانش در اروپای قرون وسطی اساسا منحصر به آموزه‌های مذهبی بود. کتابخانه‌های غربی مجموعه‌هایی مذهبی بودند که در درجه اول برای مقاصد دینی به کار می‌رفتند. به جای اینکه از آنها به عنوان وسیله‌ای برای کسب دانش به معنی اخص استفاده شود، از این مجموعه‌ها به عنوان ابزارهای مجادله و بحث با بی دینان استفاده می‌شد. این مطلب از *حجراتی نامه‌ی مورخ ۱۷۰۰م* (۱۵۶۵ق که از طرف راهبی به نام جفری از خدمه کلیسای سن بارب در نورماندی، خطاب به پتر مانگوت راهبی از بوگرسسی در اسقف‌نشین تورس نوشته شده مستفاد می‌گردد: «بر بدین کتابخانه، مانند قلعه است بدون زرادخانه، کتابخانه ما زردخانه ماست. از آنجاست که ما احکام خدایی را مانند پیکان‌های تیز برای حمله به دشمنانمان بیرون می‌آوریم. از آنجاست که ما زره تقوا بر تن می‌پوشیم، و کلاهخود رستگاری بر سر می‌نهم، سیر ایمان به دست می‌گیریم، و شمشیری روحانی که همان کلام الهی باشد بر کمر می‌بندیم.»

بر عکس، کتابخانه‌های مسلمانان آن زمان عمدتا غی‌ردینی بود. کتابخانه‌های مسلمان حاوی منابع زیادی در باب موضوعات علمی، ادبی، نجوم، ریاضیات و تعداد زیادی از دیگر موضوعات غی‌ردینی بود. شاید بگویند که شاهد تاریخی در باب رواج یا استفاده از کتابخانه‌ها در غرب آسیا مبین شیوه زندگی طبقات فرهیخته در آن منطقه است و نه همه مردم، و نباید این شواهد را بر تمام جامعه تعمیم داد؛ اما دقیقا به این خاطر که فردوسی از طبقه عوام نبود و به طبقه نخبگان خرمند زمان خود متعلق بود، این شواهد قطعا به اثر وی مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، شواهد مربوط به ماهیت منابع ادبی که در دسترس نخبگان فرهیخته زمان فردوسی بود بدون هیچ تردیدی به بررسی فعالیت‌های ادبی وی نیز مربوط می‌شود.

دیوان‌نوشته‌ها

اتکای فراوان جامعه اسلامی بر سواد در دوران قرون وسطی از طریق شاهد دیگری نیز تأیید می‌شود، یعنی از طریق «دیوار نوشته‌ها»، یعنی مطالبی که بر در و دیوار نوشته می‌شد. گزارش‌هایی در باب فراوانی دیوار نوشته‌ها در ایران و در قیقه مناطق غرب آسیا در متون ادبی کلاسیک فارسی و عربی به صورت پراکنده موجود است. این گزارش‌ها نشان می‌دهند که اُسُت کتابت در میان عوام مسلمانان بسیار رایج‌تر از اروپاییان بوده است. چنین دیوارنوشته‌هایی حتی در مورد ایران قبل از اسلام هم گزارش شده‌اند. اِبسن قتیبه (وفات:۳۷۸/۸۹۷م) در ترجمهٔ متنی از دورهٔ قبل از اسلام نقل می‌کند که یکی از درباریان ایرانی پسرش را از نوشتن روی دیوارها یا دروازه‌ها نهی می‌کند. در حقایق همین مطلب و به عنوان یک جملهٔ معترضه قابل ذکر است که این دیدگاه در بسیاری از مطالعات شاهنامه وجود دارد که آنچه از ادبیات ایرانیان قبل از اسلام به استثنای آثار اصیل دینی و ما رسیده، به طور شفاهی انتقال یافته است. من این دیدگاه را غیر محتمل می‌دانم. حکومتی به وسعت و پیچیدگی ساسانی نمی‌توانست به لحاظ اداری تنها با اتکا بر «سُت شفاهی» باقی بماند، چنان‌که تنها رقیب آن، یعنی امپراتوری روم نیز بر شفاهیات متکی نبود. مقدار چشم‌گیری سند و مدرک پراکنده در متون کهن عربی وجود دارد که سطح بالای سواد را در جامعهٔ ایران قبل از اسلام ثابت می‌کند. به هر حال این اطلاعات و شواهد وسیع، بررسی نشده باقی مانده‌اند. اما بازگردیم به اصل مطلب خودمان؛ این قضیه قابل اثبات است که در زمانی که بیشتر اروپایی‌ها از جمله اشراف و اشراف اروپا یا سواد یا مهارتی مرتبط کم‌سواد بودند، تنها بیشتر طبقات پیشهور، اشرافی بلکه شاید عدهٔ معدنیابی از عامه مردم و سپاهیان در غرب آسیا سواد خواندن داشتند و احتمالا بر کتابت نیز قادر بودند. ابوالرحم صفهانی(۲۸۹/۹۳۵م-۹۶۷/۸۷۹م) که شهرتش از مدیون تألیف کتاب *الانانی* است، نه تنها یک مجلد کامل را به ذکر «نیکزان شاعر» اختصاص داده که ثابت می‌کند سواد محدود به «نخبگان و سرامدان» نبوده، بلکه رسالهٔ کوتاه‌ای شامل تعداد زیادی از دیوارنوشته‌های جالب همت تدوین کرده است. وی نام این کتاب را «ادب الغریاء» گذاشته است. دیوارنوشته‌های این کتاب از مساجد، مهمانخانه‌ها، استحکامات، سنگ قبرها، تخته سنگها و دروازه‌ها گردآوری شده بوده است. یکی از روایان وی، یک صوفی به نام علی بن عبدالله واسطی، از فراوانی گیج کنندهٔ دیوارنوشته‌های یافت‌شده روی دیوارهای داخلی منارهٔ مسجد اصلی سامرا در عراق متعجب شده بوده. این نشان می‌دهد که افراد باسواد در میان عامه مردم زمان او کم نبودند. نیازی به گفتن نیست که چنین شرایطی در اروپای قرون وسطی وجود نداشته است.

استان وجود یک ذهنیت متن‌مدارانه را حتی در میان اعضای اصفاف دون‌پایه‌تر در ایران دورهٔ قرون وسطی احساس می‌کند؛ مثلا حتی پیشگویی‌ای که در دورهٔ فردوسی زندگی می‌کردند، مجبور بودند که برای انجام حرفه خود بر متن کتب متکی باشند. منوجهری (وفات:۴۲۲/۱۰۴۱م) می‌گوید:

به سان فالگونی‌در مرغان بر درختان بر

نهاده پیش خویش‌انرا، پر از تصویر دفترا

حداقل مطلبی که از این بیت به دست می‌آید، این است که نوعی تمایل به متون کتبی در بین فالگیران و پیشگویی‌ها شایع بوده است. اکثر مسلمانان غرب آسیا به نظام آموزشی دسترس‌ی داشتند و این نظام به هیچ‌وجه محدود به اولاد نخبگان و سرامدان نبود. زمخشری(۴۶۶/۱۰۷۴-۱۱۳۲/۱۱۳۳م)، حکایتی نقل می‌کند که نشانان می‌دهد چگونه معلمی در یک مدرسهٔ فرزندان اشراف و اولاد اقلر از دیگر مردم یاد گرفت. از ابوحیان توحیدی (وفات:۴۱۴/۱۰۲۲م) نقل می‌کند که وقتی ابن‌کیسان (وفات:۲۹۹/۹۱۷م) یکی از متون دستوری لعلم را تعلیم می‌داد، بیش از صد نفر از اشراف و ابدیان و تعداد زیادی از دیگر مردم در مجلس درسش حضور داشتندو اضافه می‌کند که ابن‌کیسان با فقر و نجیبانی که به محضر وی می‌آمدند، متینا مثل هم رفتار می‌کرد:

ترجمه فرهاد اصلانی و معصومه پورتنی

1-Baugercy.

افسارده: آنچه درپی می‌آید، سخنرانی استاد کزازی در بیستمین نشست از مجموعه *درس‌گفتارهایی دربارهٔ خواجهی کرمانی* است با موضوع «سنجش خواجه و خواجه در شیوه سخنوری» که در مرکز فرهنگی شهر کتاب ایراد شد.

در این گفتار کزاز است دو بزگردگ سخن فارسی یعنی خواجه و خواجه را یک‌دیگر با سنجش نخست از دید نامشسان، سپس نگاهی به سخنوری آن دو می‌افکنیم. خواجه و خواجه تاگفته پیداست دو ریخت از یک واژه‌اند. بخش نخستین واژه یعنی «خواجه» بخش بنیادین است و «ا» و «او» پساوندهایی هستند که به آن افزوده شده‌اند. این پساوندها در زبان پارسی مانند زبان پهلوی، پساوندهای بازخوانی‌اند. به سخن دیگر به باری آن می‌توان از نام یا اسم، فروزه یا صفت ساخت. آن «ا» در خواجه در پهلوی «آک» بوده و «او» در خواجه «اوک» بوده است. مانند «آک» که در پارسی به «ا» فروگاسته شده است یا «ایک» پساوندی که کاربردی سترده‌تر دارد، در پارسی و به «ای» دیگرگون شده است.

دو واژه خواجه و خواجه از واژه بسیار آشنای «خدای» در زبان پارسی که در پهلوی «خوتای» بوده است. خوتای، بعد خدای و سرانجام خدا، این واژه در بُن به معنی سرور، سالار و پادشاه به کار می‌رفته است. از همین روست که نام کهن شاهنامه، «خدای‌نامه» یا «خوتای‌نامک» بوده است. در این ترکیب خدای به معنای شاه است. خدایگان هنوز این معنا را در خود دارد، چون خدایسنگان به معنی فرمانروای، فرمند و بزرگ است. هنگامی که این واژه از پهلوی به پارسی می‌رسد، کاربرد و معنای دیگری می‌یابد و یکی از نامه‌ای آفریدگار می‌شود. از همین روی نام خداینامه‌ها هم به شاهنامه دیگرگونی می‌یابد و واژه همسنگ و مهم‌معنی آن که شاه شاه، جای خدای را می‌گیرد.

اسما واژه خدای در کاربرد و معنای کهن در ریخت‌های پساوندی واژه همچنان در زبان پارسی پایدار می‌ماند یا در دیگر آمیغ (ترکیب‌هایی که با واژه خدای ساخته می‌شوند. آشناترین نمونه آن خداوند است که در زبان پارسی دو کاربرد و معنی دارد. همچنان یکی از نامه‌ای یزدان پاک است اما در کنار آن به معنای بزرگ، سرور و پادشاه هم به کار می‌رود که در پی آن در معنی دارنده و مالک است. نمونه را در بیت آغازین شاهنامه که می‌توانم گفت پراوازه‌ترین و شناخته‌ترین بیت در پهنه سخن پارسی است:

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

در اینجا خداوند در معنی دارا، دارنده و مالک

است.

در آمیغ‌هایی مانند دهخدای، کدخدای، ایران‌خدای و توران‌خدای همچنان خدای در کاربرد و معنای دیرین خویش به کار برده می‌شود. در واگانی دیگر ما ریختی دیگر از این واژه را می‌توانیم یافت. ششاید در آخوند. اگر «ا» را پس‌ساوند بدانیم، نشانه‌ای که این انگاره را نیرو می‌بخشد، آن است که پاره دوم واژه را با «او» می‌نویسیم؛ یعنی آخوند می‌نویسم و «ا» خدای می‌خوانیم. آن هم از این رو که آخوند پیشگوی دین است، در قلمرو خود سرور است و سالار. همین ریخت را در «میرخوانده» یا در ریخت وارونهٔ آن «خواندمیر» می‌توانیم یافت که نام تاریخ‌نگاری پراوازه هم هست. هنوز در گفتاری محسوس شده است. چون خاوان را بی «او» و سالار به کار می‌رود: «خاوان» که ریخت کوتاه‌شدهٔ «خاوند» می‌یابد بود. آنجا ریخت نوشتاری را ریخت گفتاری محسوس شده است. چون خاوان را بی «او» می‌نویسند. در میرخوانده و خواندمیر هنوز آن «او» نوشته می‌شود.

ریخت دیگری از این خوتای و خدای می‌یابد «خواجه» ششده باشد که در ریخت «خواجه» هم به‌کار رفته است که ریشه واژه‌ای که در معنی کاربرد در زبان فارسی به نام «خواجه» به معنای تاج خروس است. شاید بر پایهٔ این ریخت‌ها، ریختی از خوتای، «خواگ»

شیوه سخنوری خواجه به بیشه‌ای می‌ماند که هنوز درختان در آن نثکاند و کوتاه، سایه می‌افکنند، اما این سایه سبتر و فراگیر نیست. و اگر چندی در این بیشه بمانیم، کمابیش آشنایی آن می‌شویم. اما بیشه‌ای که غزل حافظ است همواره ناشناخته می‌ماند

بوده است که این خواگ به خواج یا خواج و سرانجام به «خاخج» یا «خاخ» دیگرگونی یافته است. پس خواجه از همین ریخت برآمده است. کسی که با سروری، سالاری، ارجمندی و بزرگی درپویند است، به همان‌سان خواجه. این انگاره را هم می‌توان در پیش نهاد که شاید خواجه ریختی باشد به یادگارمانده از ریخت کهنهٔ خوتا. «خوتای چک» که در پارسی شناخته‌تر «خدای‌جه» می‌تواند بود. شده است خواجه.

به هر روی خواجه و خواجه رو دو از یک بن آمده‌اند. هنوز این پساوند «او» در پارهای از واژگان پارسی کاربرد دارد. سنجش‌تئترین واژه «گردو» به معنای آینه گرد است که ریخت دیگر آن گردو است که هنوز در کردی و لری کاربرد دارد. به هر روی پیوند خواجه و خواجه در نام چنین پیشینه‌ای می‌تواند داشت.

رها ز قید علایق

ملک‌الشعراي بهار
هر که **سحرخیز گشت و فکر کندنه**
راحت مخلوق جوش و رحمت خالق
چون گل خندان، بگاه روی کردی
شعری نبی مردم بودی
از مرض دق محضر درس امام گشت مقوی
شربت لطف امام گشت معرف
خود نشنیدی مگر که بود به عهدش
دورهٔ ضعف کتاب و نشر زنداق
وز طرفی خلق صوفیان اباهی
بسته ز هر سو به هدم شرع مناطق
مُرجنه و ناصبیه نیز ز سوبی
در ره دین خدا نهاده عواقق
تیرگی جهل شکر بیکسره زل
در دین علم قدیمش
چهر مُشرش چو گشت لامع و شارق
ساخت بنای متین ز سنت و تقصیر
کان نه ز پای افتد از هجوم طوارق
در ره ارشاد خلق توسن عزمش
فزون به نکت ز سابق و لاحق
خود نشنیدی که «بودواق» ملعون
خواست که خون‌ریزدش به خنجربارق
هیبتش آن سان گرفت دیدهٔ منصور
کش ز سر صدیق جت و گشت معائن

سلطان ملت مصطفوی (ع)

عطار

آن سلطان ملت مصطفوی، آن برهان حجت نبوی، آن عامل صدیق، آن عالم تحقیق، آن میوه دل اولیاء، آن چکرگوشه انبیا، آن نعلی اقل، آن وارث نبی، آن عارف عاشق، جعفر الصادق رضی الله عنه.

اگر سر ذنبا و مصاحبه و اهل بیت کنیم، کتابی جداگانه باید ساخت، این کتاب شرح اولیاست که پس از ایشان بوده‌اند؛ اما به سبب تریک به یادداشت ابتدا کنیم که از نیز بعد از ایشان بود، و چون از اهل بیت بود و سخن طریقت او بیشتر گفته است و روایت را یوی بیشتر آمده است، کلمه‌ای چند از آن او باوریم که ایشان همه یکی‌اند. چون ذکر او کرده شود، از آن همه بود نبینی که قومی که مذهب او دارند، مذهب دوازده

سخنور پراوازه

خواجه سخنوری است توانمند، پراوازه که در روزگار خویش هم نامدار بوده است به همان سان در روزگارن سپسین. ناموری خواجه در ادب پارسی تا بدلتجا بوده است که سخنوران دیگر که خواجه نامیده می‌شده‌اند، آنچنان در سایه او مانده‌اند که سروده‌ایشان را به سه خواجهی کرمانی بازخوانده‌اند. من تنها به یک نمونه بسنده می‌کنم؛ نمونه‌ای که بی‌گمان برای شما آشناست.

یکی از درپوسته‌های پراوازه و بازخوانده به دانشگاه می‌توان در این بازخوانی به گمان افتاد و در آن چند و چون کرد؛ زیرا سه‌نامه نه از دید یک‌دیگر پهلوی، پساوندهای بازخوانی‌اند. به سخن دیگر به یکسره و زیسان، و نه از دید اندرونه و پیام، چندان با یادگاری‌های که از خواجه برجای مانده است، همساز و هماهنگ نیست.

خواجه به پیروی از نظامی «پنج گنجی» سروده است:
همای و همایسون، گل و نورو، کمال‌نامه، گوهرنامه، روضه‌الانسوار، همای و همایون، گل و نورو یزنامه‌ها، روضه‌الانوار به شیوه گنجینهٔ رازها یا «مخزن‌الاسرار» نظامی در ادب مouxترای و راهنمون

است.
همای و همایسون، گل و نورو، کمال‌نامه، گوهرنامه، روضه‌الانسوار، همای و همایون، گل و نورو یزنامه‌ها، روضه‌الانوار به شیوه گنجینهٔ رازها یا «مخزن‌الاسرار» نظامی در ادب مouxترای و راهنمون

سنجش خواجه و خواجه

بوده است که این خواگ به خواج یا خواج و سرانجام به «خاخج» یا «خاخ» دیگرگونی یافته است. پس خواجه از همین ریخت برآمده است. کسی که با سروری، سالاری، ارجمندی و بزرگی درپویند است، به همان‌سان خواجه. این انگاره را هم می‌توان در پیش نهاد که شاید خواجه ریختی باشد به یادگارمانده از ریخت کهنهٔ خوتا. «خوتای چک» که در پارسی شناخته‌تر «خدای‌جه» می‌تواند بود. شده است خواجه.

به هر روی خواجه و خواجه رو دو از یک بن آمده‌اند. هنوز این پساوند «او» در پارهای از واژگان پارسی کاربرد دارد. سنجش‌تئترین واژه «گردو» به معنای آینه گرد است که ریخت دیگر آن گردو است که هنوز در کردی و لری کاربرد دارد. به هر روی پیوند خواجه و خواجه در نام چنین پیشینه‌ای می‌تواند داشت.

اندازدین سروده شده است. کمال‌نامه هم با سیرالعباد الی المعاد از سنایی سنجیدنی است. گوهرنامه که در گونه خود بی‌همتااست. درپوسته‌ای است که زمینه‌ای نواین و بی‌پیشینه دارد و تبارنامه است. به بهانه یکی از مستشرقان (وزیران) نامدار روزگار خود که ستودهٔ خواجه بوده است و تِسار آن وزیر که به خواجه نظام‌الملک طوسی می‌رسیده است، در این درپوسته بوده و بازهمه و ستوده شده است. از همین روی آن را گوهرنامه نامیده است که گوهر در آنجا در معنی تبار، دودمان و نژاد است.

هیچ یک از این درپوسته‌ها، رزنامه نیست و پیوندی با جهان حماسه ندارد. پس سامنامه از کیست؟ پارهای از پژوهندگان ادب در پاسخ به این پرسش، انگاره‌ای هوشمندانه دارند. آنسان بر آن رفته‌اند که سیراینده سامنامه سخنوری از سده دهم به نام خواجه شاهنامه‌خوان کراتی بوده است که شاید از «کرات» که نام شهرکی در نخبهای شمالی ایران امروز است، بوده باشد. او بر پایه همای و همایون خواجه با دیگرکرد نامه‌ای این رزنامه‌را سروده است. چون نام خویش را که خواجه‌گوست، در بیتی از این رزنامه آورده است، همه زیست‌نامه‌نویسان سامنامه را به خواجهی کرمانی بازخوانده‌اند. سخنوران بزرگ بر دیگر سخنوران که نام و آوازه‌ای بلند ندارند، سایه‌ای ستبر می‌افکنند.

نمونه‌ای دیگر خیام است که هر کس چارانه (رباعی) نغز، نغاب و نواین از کسی شنیده یا در جایى خوانده باشد، آن را به خیام بازگردانیده است! پارهای از سروده‌های سخنورانی دیگر که همانا خواجه بوده‌اند،

رها ز قید علایق

ملک‌الشعراي بهار
هر که **سحرخیز گشت و فکر کندنه**
راحت مخلوق جوش و رحمت خالق
چون گل خندان، بگاه روی کردی
شعری نبی مردم بودی
از مرض دق محضر درس امام گشت مقوی
شربت لطف امام گشت معرف
خود نشنیدی مگر که بود به عهدش
دورهٔ ضعف کتاب و نشر زنداق
وز طرفی خلق صوفیان اباهی
بسته ز هر سو به هدم شرع مناطق
مُرجنه و ناصبیه نیز ز سوبی
در ره دین خدا نهاده عواقق
تیرگی جهل شکر بیکسره زل
در دین علم قدیمش
چهر مُشرش چو گشت لامع و شارق
ساخت بنای متین ز سنت و تقصیر
کان نه ز پای افتد از هجوم طوارق
در ره ارشاد خلق توسن عزمش
فزون به نکت ز سابق و لاحق
خود نشنیدی که «بودواق» ملعون
خواست که خون‌ریزدش به خنجربارق
هیبتش آن سان گرفت دیدهٔ منصور
کش ز سر صدیق جت و گشت معائن

اما دارند؛ یعنی یکی دوازده است و دوازده یکی.

اگر سر تنها صفت او گویم، به زبان و عبارت من رااست نباید که در جمله علوم و اشارات و عبارات می‌تکلف به کمال بود، و قدوة جمله مشایخ بود، اعتماد همه بر وی بود، و مقدماتی مطلق بود. هم للهیان را شیخ بود، و هم محمدیان را امام، و هم اهل ذوق را پیشرو، و همه اهل عشق را پیشوا. هم عبّاد را مقدم، هم زاهد را مکرم. هم صاحب تصنیف حقایق، هم در لطایف تفسیر و اسرار تزییل بی‌نظیر بود.

عبارم از آن قوم که ایشان خیال بلندند که است و جوامع را با اهل بیت می‌چیز در راه است که اهل سنت و جماعت، اهل بیت را باید گفت به حقیقت. و آن نمی‌دانم که کسی در خیال باطل مانده است، آن می‌دانم که هر که به محمد ایمان دارد و فرزندانش ندارد، به محمد ایمان ندارد. تا به حدی که

به دیوان او راه جسته است.

چامه‌سرایی نگارین
خواجه چامه‌سراست. هرچند در دیگر کاربردهای سخن پارسی هم به کامرایی طبع آزموده است، برترین آفریده‌ها، چامه‌های اوست. یکی از چامه‌های خواجه آوازه‌ای بلند یافته است، چامه‌ای که آغازگر و بنیان‌گذار آن خود خواجه‌گوست. چامهٔ خواجه گونه‌ای از چامه‌سرایی نگارین، هنرورزانه یا فنی را پایه ریخته است. من این گونه از چامه را «شترجهره» می‌نامم. خاشاکه و انگوزه این نام هم این است که خواجه در این چامه همواره و در همه لختها کوشیده است که شتر و جهره را در کار برده و دو واژه‌ای که هیچ پیوندی با یکدیگر یکدیگر را ندارند شتر را در جهره‌ای ببیند بی‌گمان شگفت‌زده خواهد شد و خواهد پرسید که شتر در جهره به چه کار آمده است؟ خواجه از آن روی که چپرگی و استادی خود را در سخن پارسی بی چند و چون، آشکار بدمد، شترجهره سروده است، آغازینهٔ شتر جهره خواجه این است:

به نو روزی بیا بارا بار!
اشتر و جهره که آرایند از بهر تماشا،
اشتر و جهره سخنوری دیگر کم و بیش هم روزگار با خواجه،

سنجش خواجه و خواجه



کاتبی تئیزی شترجهره‌ای دیگر با این آغازینه سروده است:

مرا دمی است شتردارها به حجرهٔ تنگ
شترلدی نکنم، غم گنجا و جهره من؟
نامی‌ترین پیرو خواجه در شترجهره‌سرایی، جامی است:

نگار من شتر انگیزت رو به جهره من
پایره شترش رفت جان ز جهره تن
هلالی جغتایی هم شتر را در جهره تنگ استادانه جای داده است:
شتر کشیدی اگر بار دل ز جهره تن
شد این شتر نزار زیر بار جهره من
نویسنده و سخنوری کم‌نام‌تر، زین‌الدین محمود **واصفی** که تاریخ‌نامه‌ای شسک‌رین و شیوا به نام «بدایع الزوایع» نوشته است که پیش به داستانی دلکش می‌ماند تا به تاریخ، همچنان کوشیده است در چامه‌ای با جهره بیپوند:
آغازینهٔ چامهٔ او این است:
ببند بر شتر باد خاک جهره تن
شتر در آب فنا را شتر جهره آتش زد
واپسین پیرو خواجه در سرودن شترجهره، مولانا حسام‌الدین **خوسفی** است که می‌توانیم او را پایه‌گذار رزنامه‌مغای دیگری و رزنامه‌ای با نام **علی‌نامه** یافته شده و به چاپ رسیده است که پیشتر از رزنامه حسام‌الدین است، اما در تاریخ سرایش آن چند و چون بسیار است. نخستین رزنامه دینی که تاکنون یافته شده است، «خاوران‌نامه» این سخنور است. دیوانی است سستبر. او هم شترجهره دارد. در بینهای فرجامین این

شترجهره از خواجه به نام یاد کرده است.
تو بر شتر گذری کن بر حجره خاکم
که جهره از گذر آن شتر شود گلشن
شتر کند همی این حسام از این جهره
به جهره شترآرای ناظم این فن

اگر به جهره خواجه برم شترنامه
شتر به جهره خاکش درآورم
همین چامه‌سرای در چامه‌ای دیگر نیز لختی از خواجه گنجانیده است:
چامه‌ای که در بیماری «مرگ سایه» با طاعون که هرات را فروگرفت و رفت، در آن روزگار سروده است. به هر روی نمونه‌های آوردم در اینکه پراواگی و سایه‌افکنی خواجه را در پهنه سخن پارسی بازنامیم.

نگاره و انگاره‌ای پندارینه
اما اگر بخواهم خواجه و خواجه را در شیوه سخنوری با یکدیگر بسنجم، می‌انگارم که شباهت‌ترین شیوه در این سنجش آن است که آنچه را که سخنوری نشاناخته در بیتی درباره‌این دو بزرگ به نسام آید گفته است به زبان ببرم. این بیت بازخوانده می‌باشد، اما **حافظ** است، هرآینه از آن نیست، به گمان بسیاری، کسی این بیت را سروده است چون در آهنگ و قافیه با غزلی از حافظ همساز و هماهنگ است.

بوده است، به دیوان او راه جسته و این غزل آمده است، اما آنچه در این بیت آمده است، از دید سخن‌سنجی و ادب‌دانی بسیار باربرک و بهین و به‌این است:
استاد سخن غزل است نزد همه کس اما دارد غزل حافظ طرز غزل خواجه
در غزل‌سرایی نه می‌بایند در سخن پارسی که در گستره ادب کینتی، یعنی **سعدی** و حافظ، در این بیت با یکدیگر سنجیده شده‌اند؛ از سوی دیگر دو شیوه، دو سامانه و دو دبستان در غزل‌سرایی پارسی دبستان سعدی و دبستان حافظ با هم سنجیده شده‌اند.

چند سال پیش در سخنی دیگر که می‌راندم، از نگاره و انگاره‌ای پندارینه در سنجش این دو شیوه غزل‌سرایی بهره جستم و گفتم: غزل سعدی به مرغزای پنهانور، سرسبز، زیبا، چشم‌نواز و دل‌نگین می‌ماند که در پرتو خورشید دامان گسترده است. شما اگر بر پشته‌ای بایستید و این مرغزار را بنگرید، با همان نگاه نخستین همه آن را درخواهید یافت، خواهید شناسخت و فرو خواهید گرفت. به شگفت خواهید ماند از آن مایه زیبایی و دلاری! اما غزل حافظ به بیشه می‌ماند. هرگز هیچ نگرنده‌ای به هر پایه هم که تیزبین باشد و ژرف‌نگار و نهان‌کار، نمی‌تواند نه تنها در نگاه نخستین، در نگاه‌های گوناگون بی در پی، بیشتر را بدان‌سان که هست، ببیند و شناسد. بیشتر نهان‌خانه راز است. در هر گوشه‌ای از بیشه رازی در کمین است تا به‌ناگاه برجهد، سرآورد و به‌شگه‌رد را بهراساند و در شگفت بیندکند. راز بیشه هرگز به یکبارگی آشکار نخواهد شد. بیشه جایگاهی است آرمانی برای جویندگان و پویندگانی که بی‌اندک در قلمروهای ناشناخته، ناپسوده و ناپیموده را بشناسی زیرا هر زمان گام در بیشه بنهد به‌ناچار با قلمروی از این دست رویاروی خواهد بود.

از این دید می‌توانید غزل حافظ را با غزل خواجه بسنجنیم. اما غزل خواجه یا از نگاهی فراخ‌تر، شیوه سخنوری او به بیشه‌ای می‌ماند که هنوز درختان در آن تنکند و کوتاه. سایه می‌افکنند اما این سایه ستبر و فراگیر نیست. غزل حافظ بیشه‌ای است انبوه، دروسای در درختان تااور و بالابند، و خورشید به‌نیرو می‌گردد راهی به این بیشه بجوم، اما بیشتر ناگام می‌ماند. اگرش به بیشه رفته باشد، با پدیدهای شگفت در گیاه‌نمایی دیدار می‌توانستند؛ یک گیاهان خرد و بیشتر پشیمانی از گونه‌ش تاک را می‌بیند که به صلاها پیچ فرا رفته‌اند تا مگر از روزنی راه به آفتاب بیابند. درست است

خواجه سخنوری است توانمند، پراوازه که در روزگار خویش هم نامدار بوده است به همان‌سان در روزگارن سپسین. ناموری او تا بدلتجا بوده است که سخنوران دیگر که خواجه نامیده می‌شده‌اند، آنچنان در سایه او مانده‌اند که سروده‌هایشان را به خواجهی کرمانی بازخوانده‌اند

که غزل خواجه پیشه است، اگر چندی در این بیشه بمانیم، کمابیش آشنایی آن می‌شویم. اما بیشه‌ای که غزل حافظ است همواره ناشناخته می‌ماند. از همین روست که کشما پیتی از خواجه را می‌خوانید و معنایی از آن می‌ستایند. این بیت را می‌گذارید، دیگری همان بیت را می‌خواند، معنایی دیگر و گزارش دیگری از نام **علی‌نامه** می‌دهد، هر دو هم پای می‌فشارند که آنچه من یافته‌ام، درست است اما هنگامی که سخن‌سنج و هنرشناس بیت را می‌خواند، سرانجام هر دو به این باور می‌رسند که بیت هر دو گزارش را برمی‌تابد. شاید سومین بیت را بخواند و به گزارش دیگر برسد.

صادق آل رسول نامه فرو خواند
دید سخن با حقیقت است مطابق
نامهٔ بوسلمه را نداد جوابی
تا که نیندت به مشکلات و مضایق
او پیی تهذیب خلق آمد از آن رو
بود صبور و حلیم و سبیل و مراقق
خصم بر قدرت او چه پرسید؟
قدوةٔ کاهی به پیش ذروة شناسق
دولت مروائیان چو طی شد و آمد
جیش خراسان به جیش مروان فائق
قاصدی آمد بر اسام ز کوفه
گشت شبانگه به درگهش متعلق
داشت ز بوسلمه ضلالت کتابی
کای تو به شمع نبی، بزرگ محقق،
مهتر آل رسول جز تو کس امروز
نیت که گردد به ملک رائق و فائق
کار به دست من است و جز تو کس را
من نتننام به ملک، درخور و لایق
خیز و ی‌ثرب به کوفه آی از آن پیش
کایند از رملهٔ کسودکان مراحق
چشم من راهست اعالی‌اند و نگه دار
گوهر ایمان من ز پنجهٔ سارق

و گفت: «ای پسر رسول خدای، هر پلانی ده که دلم به رقصش نسبت کرده‌ام و مجوس کردند و او در آن معنی شعری سروده است و یک بیت این است:
لو کان رفضا حب آل محمد
لفیهد الفلآن انی رافضی
یعنی: اگر دوستی آل محمد رفض است، گو جمله رجس آنسو کوهی هدید به رفض من و اگر آل و اصحاب رسول دوستان از اصول ایمان نیست، بسی فضولی که به کار نمی‌آید می‌دانی.

اگر نیز بدانی زبان ندارد، بلکه انصاف آن است که چون پادشاه دنیا و آخرت محمد را در کتاب طبعیت او از اصل برهان را حجت، جدش رسول است و مادرش و فرزندان او را بدین جبرانی است. داو



برگزاری مجمع عمومی عادی سالانه صاحبان سهام برای عملکرد سال ۱۳۹۵
سود بیمه پاسارگاد به ازای هر سهم ۲۷۹/۴۰ ریال



مناسب در زمینه مسئولیت های اجتماعی، موفق به دریافت تقدیرنامه کنفرانس ملی فرهنگ سازمانی با رویکرد توسعه و جایزه مسئولیت اجتماعی مدیریت از سوی انجمن مدیریت ایران شده است.

اهداف کمی و رئوس برنامه ها در سال ۱۳۹۶

دستیابی به تولید حداقل ۱۴۰ میلیارد ریال حق بیمه درانواع رشته های بیمه زندگی و غیر زندگی بآنانچه برطراحی وعرضه محصولات جدید بیمه ای و ورود به بازارهای نوین ، افزایش ظرفیت و ارتقای کیفیت خدمات شعبه های فعلی و راه اندازی شعبه های جدید مورد نیاز برای رسیدن به حداقل ۸۴ شعبه فعال ، اعطای نمایندگی و اجازه فعالیت به حدود ۴۰۰۰ نماینده جدید در تهران و شهرستان ها، برگزاری دوره های آموزشی برای همکاران، نمایندگان و بازاریابان حداقل به میزان ۱۹۰۰۰ نفر ساعت ، ایجاد تنوع بیشتر و افزایش حجم سرمایه گذاری های شرکت و خرید دارایی های ثابت مورد نیاز حداقل به مبلغ ۵۵۰۰ میلیارد ریال درارپایه چارچوب آیین نامه های مربوط ، انجام اقدامات لازم به منظور طراحی نقشه های ساختمان مرکزی شرکت، کسب مجوزهای لازم و انتخاب پیمانکاران مربوطه، همچنین بررسی و طراحی سایت جامع آماری، ارتقاء و یکپارچه سازی سیستم های فنی شرکت و توسعه و تکمیل دیتا سنتر (اتاق سرورها) از اهداف کمی و ثنوی برنامه های شرکت در سال ۱۳۹۶ اعلام شد.

قدمات انجام شده در حوزه فناوری اطلاعات

هم اقدامات انجام شده در بخش فناوری اطلاعات طی سال ۱۳۹۵ به شرح زیر می باشد:

- پشتیبانی و نگهداری سیستم های موجود ؛
• تغییرات و توسعه سیستم های موجود (شامل تغییر سیستم وام های
کارکنان، نمایندگان و بیمه گذاران عمر و تأمین آتیه)؛
• هماهنگی و تبادل اطلاعات بر خط online با سیستم سنباه بیمه مرکزی .

ییمه پاسارگاد ، ییمه برتر

در نوزدهمین سال تدوین فهرست شرکت های برتر که توسط سازمان مدیریت صنعتی برای عملکرد در سال ۱۳۹۴ شرکت های سازگار ایران صورت گرفت، بیمه پاسارگاد رتبه ۱۰ را کسب نمود. همچنین این شرکت طبق ارزیابی صورت های مالی مصوب سال ۱۳۹۴ توسط بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، برای پنجمین سال متوالی موفق به کسب سطح یک توانگری مالی مؤسسات بیمه با نسبت توانگری ۱۱۸ درصد شده است.

با رفتن به بازار، می‌توانید به راحتی به این شرکت دسترسی پیدا کنید. این شرکت به شما کمک می‌کند تا به راحتی به این شرکت دسترسی پیدا کنید. این شرکت به شما کمک می‌کند تا به راحتی به این شرکت دسترسی پیدا کنید.

شرکت بیمه پاسارگاد (سهامی عام)
صورت سود و زیان
برای سال مالی منتهی به ۳۰ اسفندماه ۱۳۹۵

| یادداشت | | ۱۳۹۵/۱۲/۳۰ | ۱۳۹۴/۱۲/۲۹ |
|--|---------|---------------------|---------------------|
| | | ریال | ریال |
| حق بیمه صادره | ۲۸ | ۱۱,۳۸۸,۷۹۷,۷۳۳,۵۵۳ | ۸,۵۸۲,۰۲۱,۵۲۵,۱۶۲ |
| کاهش (افزایش) ذخایر حق بیمه | ۱۸ | (۴,۵۵۱,۴۲۸,۱۰۲,۴۴۷) | (۲,۵۹۲,۴۷۲,۵۱۶,۹۲۵) |
| درآمد حق بیمه | | ۶,۸۳۷,۳۶۹,۶۳۱,۱۰۶ | ۵,۹۸۹,۵۴۹,۰۰۸,۲۳۷ |
| حق بیمه اتکائی واگذاری | ۲۹ | ۲,۸۳۱,۵۹۳,۶۸۵,۴۳۴ | ۲,۱۳۵,۲۸۴,۸۱۵,۲۹۴ |
| کاهش (افزایش) ذخیره حق بیمه اتکائی واگذاری | ۱۸ | (۱,۵۰۶,۰۸۴,۰۲۶,۰۷۲) | (۸۲۰,۵۰۷,۵۶۹,۷۳۹) |
| هزینه حق بیمه اتکائی واگذاری | | ۱,۳۲۵,۵۰۹,۶۵۹,۳۶۲ | (۱,۳۰۴,۷۷۷,۲۴۵,۵۵۵) |
| درآمد حق بیمه سهم نگهداری | | ۵,۵۱۱,۸۵۹,۹۷۱,۷۴۴ | ۴,۶۸۴,۷۷۱,۷۶۲,۶۸۲ |
| خسارت پرداختی | ۳۰ | ۴,۶۴۳,۴۶۲,۶۵۶,۷۴۵ | ۳,۸۷۳,۶۲۲,۳۷۹,۹۳۱ |
| افزایش (کاهش) ذخایر خسارت | ۱۹ و ۲۰ | ۱۴۵,۴۷۷,۸۷۳,۴۵۴ | ۵۳۱,۴۸۵,۸۹۷,۳۳۸ |
| هزینه خسارت | | (۴,۷۸۸,۹۴۰,۵۳۰,۱۹۹) | (۴,۴۰۵,۱۰۸,۵۳۵,۲۹۹) |
| خسارت دریافتی از بیمه گران اتکائی | ۳۱ | ۸۴۷,۹۴۰,۶۹۷,۶۵۹ | ۸۴۶,۷۰۰,۵۳۵,۲۳۵ |
| افزایش (کاهش) ذخیره خسارت معوق بیمه اتکائی واگذاری | ۱۹ و ۲۰ | ۳۶,۲۷۳,۸۳۸,۱۴۲ | ۳,۲۲۲,۵۲۳,۳۶۸ |
| خسارت سهم بیمه گران اتکائی | | ۸۸۴,۲۱۴,۵۳۵,۸۰۱ | ۸۴۹,۹۲۲,۵۸۷,۶۰۳ |
| هزینه خسارت سهم نگهداری | | (۳,۹۰۴,۷۲۵,۹۹۴,۳۹۸) | (۳,۵۵۵,۱۸۵,۹۴۷,۶۶۶) |
| هزینه کارمزد و کارمزد منافع | ۳۲ | (۱,۵۲۸,۵۲۴,۷۶۳,۹۶۵) | (۱,۰۲۰,۲۶۶,۳۳۷,۳۲۰) |
| درآمد کارمزد و کارمزد منافع اتکائی | ۳۳ | ۴۳۲,۲۲۴,۹۶۰,۴۳۰ | ۳۱۰,۶۸۳,۲۷۶,۳۴۷ |
| هزینه کارمزد و کارمزد منافع سهم نگهداری | | (۱,۰۹۶,۲۹۹,۸۰۳,۵۳۵) | (۷۰۹,۵۸۳,۰۶۰,۹۷۳) |
| (افزایش) کاهش سایر ذخایر فنی | ۲۱ | (۲۵۵,۷۳۲,۷۷۰,۵۸۳) | (۱۸۱,۴۴۷,۱۵۴,۳۹۵) |
| هزینه سهم صندوق تامین خسارتهای بدنی | ۳۴ | (۱۶۴,۶۲۴,۲۲۷,۷۳۳) | (۱۰۱,۵۹۴,۷۶۸,۹۱۸) |
| سایر درآمدها و هزینه های بیمه ای | ۳۵ | (۳۶۰,۱۶۷,۵۱۵,۸۵۰) | (۳۹۳,۲۱۸,۷۳۸,۲۰۰) |
| خالص سایر هزینه های بیمه ای | | (۷۸۰,۵۳۶,۵۱۴,۱۶۶) | (۶۷۶,۳۶۰,۶۶۱,۵۱۳) |
| درآمد سرمایه گذاری از محل ذخایر فنی | ۳۶ | ۱,۱۹۶,۹۴۳,۰۵۰,۰۷۵ | ۸۰۸,۰۸۸,۵۳۳,۴۰۶ |
| سود ناخالص فعالیت بیمه ای | | ۹۲۷,۲۵۰,۷۰۹,۷۲۰ | ۵۵۱,۸۳۰,۶۲۵,۹۳۶ |
| درآمد سرمایه گذاری از محل سایر منابع | ۳۶ | ۴۳۶,۹۲۸,۶۲۹,۱۰۵ | ۳۱۴,۹۳۴,۷۷۴,۷۸۶ |
| هزینه های اداری، عمومی، پرستلی | ۳۷ | (۸۵۷,۴۵۳,۶۷۹,۰۸۱) | (۷۴۱,۳۸۳,۳۳۷,۱۶۵) |
| سود عملیاتی | | ۵۰۶,۷۲۵,۶۶۲,۷۴۴ | ۱۲۵,۳۸۲,۰۶۳,۵۵۷ |
| سایر درآمدها و هزینه های غیربیمه ای | ۳۸ | ۲۰۶,۱۶۷,۹۶۹,۰۰۹ | ۳۶۶,۱۰۲,۶۳۴,۱۱۴ |
| سود خالص قبل از کسر مالیات | | ۷۱۲,۸۹۳,۶۳۱,۸۱۳ | ۴۹۱,۴۸۴,۶۹۷,۶۷۱ |
| مالیات | ۸-۳-۵ | - | - |
| سود خالص سال | | ۷۱۲,۸۹۳,۶۳۱,۸۱۳ | ۴۹۱,۴۸۴,۶۹۷,۶۷۱ |
| سود خالص هر سهم با احتساب افزایش سرمایه در جریان | | ۲۷۹/۴۰ | ۲۴۰/۷۸ |

بخش جدایی ناپذیر صورت های مالی است.

مورد نیاز و انجام سرمایه گذاری در بخش های سوآور و درآمدساز، بربرگزاری بیش از ۱۷۴,۰۰۰ نفر ساعت دوره های آموزش عمومی و تخصصی برای همکاران و نمایندگان شرکت، انجام مرحله دوم افزایش سرمایه ثبت سرمایه به میزان ۵/۱۵۲۵ میلیارد ریال، عملکرد بسیار شفاف و پارساگرد و رضایت سهامداران این شرکت را نشان می دهد.

بیمه عمر و تأمین آتیہ

استقبال بسیار خوب آحاد مختلف جامعه از بیمه عمر و تامین آتیه پاسارگاد در سال مورد گزارش ادامه داشت و از رشد بسیار خوبی برخوردار بود، به نحوی که از تعداد ۱۳۳,۳۰۰ بیمه نامه صادره تا پایان سال ۱۳۹۴ به بیش از ۱,۷۲۵,۰۰۰ بیمه نامه صادره تا پایان سال ۱۳۹۵ بالغ گردیده است.

فعالیت های سرمایه گذاری

حفظ منافع بیمه گذاران ، پرهیز از سوداگری در سرمایه گذاری ها، استفاده مطلوب از ظرفیت های سرمایه گذاری در گروه مالی پاسارگاد، کسب سود متعارف با حداقل ریسک ممکن و حفظ منافع سهامداران از اولویت های بیمه پاسارگاد در امر سرمایه گذاری است که بر اساس این نامه شماره ۶۰ شورای عالی بیمه صورت می گیرد.

افزایش سرمایه

با عنایت به مصوبه مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۰۱ مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام در خصوص افزایش سرمایه شرکت از مبلغ ۱۲۴ هزار میلیارد ریال به ۲۰۸۲/۴ میلیارد ریال طی ۲ مرحله و موافقت با تدوین اجرایی نمودن مراحل آن به هیأت مدیره، در سال اول افزایش سرمایه مذکور از سوی مدیران به مبلغ ۴۱/۲ میلیارد ریال در شهریور ماه سال ۱۳۹۴ آغاز شد و با تکمیل عملیات مربوطه، در تیر ماه سال ۱۳۹۵ به ثبت رسید و مرحله دوم آن برای مدیران به مبلغ ۱۵/۵ هزار میلیارد ریال، در آبان ماه سال ۱۳۹۵ آغاز شد و در خرداد ماه سال ۱۳۹۶ به ثبت رسیده است.

نگاهی به اقدامات انجام شده در شبکه فروش

در سال ۱۳۹۵ نیز در ادامه اقدامات انجام شده در سال های قبل، به منظور توسعه و تکمیل شعب، شعبه ساوه، در ذوق، قائم مقام، سعادت آباد و چالوس (شخصی) افتتاح و راه اندازی شدند، در تعداد شعب شرکت در پایان سال ۱۳۹۵ به ۸۰ شعبه رسید. بدین ترتیب ساختمان های مورد استفاده به استثنای چند شعبه، در مالکیت شرکت قرار دارند.

در پایان سال مورد گزارش تعداد ۲,۱۹۹ نفر نماینده عمومی با شرکت همکاری داشته اند.

| ترکیب پرتفوی بیمه پاسارگاد و مقایسه آن با عملکرد کل بازار بیمه کشور | | |
|---|----------------------------------|------------------|
| رشته های بیمه | سهم هر رشته نسبت به تولید مستقیم | |
| | بازار در سال ۱۳۹۵ | شرکت در سال ۱۳۹۵ |
| آتش سوزی | ۴ | ۲/۱ |
| بدنه اتومبیل | ۵/۳ | ۳/۸ |
| شخص ثالث و حوادث راننده | ۴۳/۲ | ۲۶/۳ |
| باربری | ۰/۷ | ۱ |
| مهندسی، انرژی و سایر بیمه های اموال | ۳/۷ | ۱/۵ |
| مسئولیت | ۴/۸ | ۴/۱ |
| * اشخاص | ۳۸/۳ | ۶۱/۲ |
| جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

بیمه‌های اشخاص منظور شده است، حدود ۱۳/۴ درصد می باشد، در حالی
بد است.

نمایندگان عمومی به همراه ۱,۲۴۴ بازاریاب و متصدی نمایندگی، بخش قابل توجهی از خدمات شرکت را در ۳۱ استان و ۳۸۰ شهرستان به بیمه گذاران ارائه نموده اند.

به منظور آموزش نظری و عملی متقاضیان نمایندگی و نمایندگان عمومی و ارتقای دانش فنی آنان، بیش از ۵۳،۵۱۰ نفر ساعت آموزش، در سال ۱۳۹۵ ارائه گردیده است.

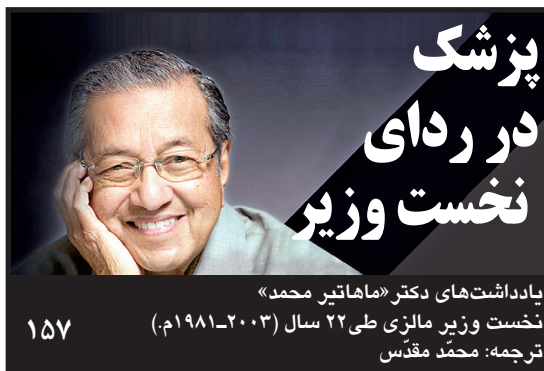
در پایان سال مورد گزارش تعداد ۹,۸۸۹ نماینده فروش بیمه عمر در تهران و شهرستان ها مشغول فعالیت بوده اند.

به استناد سالنامه آماری سال ۱۳۹۴ صنعت بیمه که توسط بیمه مرکزی

جمهوری اسلامی ایران منتشر شده است، بیمه پاسارگاد در نهمین سال فعالیت خود (۱۳۹۴) در بین ۲۹ شرکت فعال به لحاظ تعداد شعب و نمایندگان عمومی بعد از شرکت های بیمه ایران و آسیا، رتبه سوم و به لحاظ تعداد نمایندگان فروش بیمه های عمر، رتبه اول را کسب نموده است.

| ترکیب سرمایه گذاری ها در پایان سال ۱۳۹۵ (مبالغ به میلیون ریال) | | | | | |
|--|----------|------|----------|------|-----------------------|
| شرح | سال ۱۳۹۴ | | سال ۱۳۹۵ | | تفاوت نسبت به سال قبل |
| | مبلغ | درصد | مبلغ | درصد | |
| سپرده های بانکی - ریالی | ۳۵۱۲۱۰۰ | ۵۲/۱ | ۵۸۴۸۷۹۰ | ۵۴/۹ | ۲۳۳۳۶۹۶۰ |
| سپرده های بانکی - ارزی | ۳۶۷۹۴۴ | ۹/۵ | ۸۳۱۱۶۲ | ۷/۸ | ۱۹۳۲۲۰ |
| سهام شرکت های بورسی | ۶۰۲۲۹۳ | ۸/۹ | ۸۰۹۰۶۷ | ۷/۶ | ۲۰۶۷۷۴ |
| سهام شرکت های غیربورسی | ۷۲۴۹۲۷ | ۱۰/۸ | ۹۷۲۸۶۸ | ۹/۱ | ۲۴۷۹۴۱ |
| سایر سرمایه گذاری ها | ۱۲۵۹۹۰۳ | ۱۸/۷ | ۲۱۹۳۴۸۴ | ۲۰/۶ | ۹۳۳۳۵۸۱ |
| جمع | ۶۷۳۷۱۶۵ | ۱۰۰ | ۱۰۶۵۵۳۷۱ | ۱۰۰ | ۳۹۱۸۲۰۶ |

| در تاریخ ۳۰ اسفندماه ۱۳۹۵ | | تجدید ارائه شده | | تجدید ارائه شده | |
|---|---------|-------------------|-------------------|--------------------------------------|---------|
| دارایی ها | یادداشت | ۱۳۹۵/۱۲/۳۰ | ۱۳۹۴/۱۲/۲۹ | بدهی ها و حقوق صاحبان سهام | یادداشت |
| دارایی ها: | ریال | ریال | ریال | بدهی ها: | ریال |
| موجودی نقد | ۴ | ۲۲۲,۹۴۴,۱۸۰,۹۷۴ | ۲۲۱,۱۵۶,۱۶۳,۹۵۶ | بدهی به بیمه گذاران و نمایندگان | ۱۴ |
| سرمایه گذاری های کوتاه مدت | ۵ | ۷,۳۴۳,۵۱۰,۱۱۱,۵۵۲ | ۳,۶۷۱,۴۳۸,۶۰۸,۷۸۳ | بدهی به بیمه گران و بیمه گران اکتالی | ۱۵ |
| مطالبات از بیمه گذاران و نمایندگان | ۶ | ۲,۱۰۰,۱۸۴,۸۰۰,۸۴۹ | ۱,۸۰۲,۲۱۳,۸۲۷,۹۶۶ | سایر حساب ها و اسناد پرداختنی | ۱۶ |
| مطالبات از بیمه گران و بیمه گران اکتالی | ۷ | ۲۵,۵۷۶,۱۸۶,۱۳۷ | ۲۷,۸۱۳,۷۸۳,۳۳۵ | سود سهام پرداختنی | ۱۷ |
| سایر حسابها و اسناد دریافتنی | ۸ | ۱,۲۴۹,۵۷۱,۲۸۲,۳۳۰ | ۱,۲۵۷,۲۰۱,۱۷۵,۲۱۴ | ذخایر حق بیمه | ۱۸ |
| سهیم بیمه گران اکتالی از ذخایر فنی | ۹ | ۴,۹۲۰,۴۵۲,۲۷۶,۳۳۱ | ۳,۳۷۸,۰۹۴,۵۱۲,۷۱۹ | ذخیره خسارت معوق | ۱۹ |
| مطالبات بلندمدت | ۱۰ | ۷۴۷,۵۳۰,۹۷۴,۰۲۳ | ۴۰۵,۲۶۳,۹۰۴,۵۵۳ | ذخیره ریسک خرابی متقاضی نشده | ۲۰ |
| سرمایه گذاری های بلند مدت | ۱۱ | ۳,۲۷۱,۸۶۹,۸۳۳,۷۲۴ | ۳,۰۶۵,۲۲۵,۹۰۶,۳۲۲ | سایر ذخایر فنی | ۲۱ |
| دارائی های ثابت مشهود | ۱۲ | ۲,۲۱۹,۵۸۷,۷۵۸,۴۲۷ | ۲,۰۲۸,۶۷۲,۸۴۷,۷۳۵ | حق بیمه سالی آتی | ۲۲ |
| دارائی های نامشهود | ۱۳ | ۱۰۳,۲۳۵,۲۷۸,۹۹۲ | ۱۰۴,۷۱۷,۶۵۴,۴۹۸ | ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان | ۲۳ |
| | | | | جمع بدهی ها | |
| | | | | حقوق صاحبان سهام: | |
| | | | | سرمایه | ۲۴ |
| | | | | دریافتنی بابت افزایش سرمایه | ۲۵ |
| | | | | اندوخته قانونی | ۲۶ |
| | | | | اندوخته سرمایه ای | ۲۷ |
| | | | | اندوخته افزایش سرمایه | |
| | | | | سود انباشته | |
| | | | | جمع حقوق صاحبان سهام | |
| | | | | جمع بدهی ها و حقوق صاحبان سهام | |



یادداشت‌های دکتر «هاشمت‌ر محمد» نخست‌ وزیر مالزی طی ۲۲ سال (۲۰۰۳–۱۹۸۱م.) ترجمه: محمّد مقدّس

ولی در ایجاد رابطه دوستانه با هم‌کلاسی‌های انگلیسی خود با مشکل روبرو شد؛ لذا طی اقامت در آنجا، گوشه عزلت گزیده بود. سرانجام نیز پیش از دریافت مدرک فوق لیسانس در مدیریت بازرگانی از دانشگاه «اروتن» در دانشگاه «نپسبولیتا» در ایالات متحده آمریکا، به دانشکده فنی «پراتون» [در انگلستان] پیوست.

«مخزانی» آن وقتی که چده کوچکی بود به شیرین زیان بودلی به علت زمین خوردن زیاد، خیلی آزار می‌دید. بیکار استخوان ران او حین سفر «حاشمه» به اروپا رفته‌اند. بیکار هم در چهارسالگی دستش شکست، با این حال این اتفاق‌ها چیزی از شیرین زبانی و روحیه شاد وی نکاست. «مخمر» هنگام سفرم باقطار به کوآلالمپور» متولد شد.او از خردسالی حواس پرت بود و علاقه‌ای به درس خواندن نشان نمی‌داد ولی هنگامی که او را به زاین فرستادم و در آنجا زبان زبانی را به روانی فرا گرفت و سپس برای تحصیل به ایالات متحده آمریکا فرستادم، تغییر کرد و خیلی جدی‌تر شد و معتقد که در شبیه‌ترین فرزندانم به من است و ظاهراً کمک کردن به مردم، خشنودی و آرامش زیادی در وی ایجاد می‌کند. او بیش از همه فرزندانم گرایش به سیاست دارد.

اولین دختری که به فرزندی پذیرفتم دختر یکی از بیمارانه بود. آن زمان رسم بود که پدران با بستن نخ سیاهی بر مچ کودک خود، از دیگران می‌خواستند اسماً فرزندان‌شان را به فرزندی بپذیرند ولی در این مورد، این کودک که شش سال داشت، مرتب به خانه ما آورده می‌شد تا جایی که تصمیم گرفتیم او را به اعضای خانواده‌ام اضافه کنیم. پدر و مادرش موافقت کردند. اسمش «عایشه» بود ولی از آنجا که عادت نشده بود نام افراد خانواده ما با حرف میم آغاز شود، او را «ملیندا» نامیدیم. «ملیندا» به سرعت خود را با خانواده ما وفق داد و بچه‌های دیگر بی هیچ استثنایی او به عنوان خواهر پذیرفتند و هنگامی که بعدها ازدواج کرد به اتفاق همسرش راهی ژاپن شد.

مدت زمانی زیادی بعد از آن، دو کودک از پاکستان را به فرزندی

پذیرفتم؛ زوی اسپر و دومی دختر بود. در جریان سفرم به این کشور

کودکان محلی را با لباس سنتی آنها دیدم و شیفته آنها شدم تا جایی

که ابراز تمایل کردم یکی از آنها را به خانواده‌ام اضافه کنم و سرانجام

دو کودک را پذیرفتم: «مایزورا» و «مزار».

«حاشمه» وظیفه تربیت فرزندانم را به من سپرد. خوب می‌دانم که

هر گاه آثار بدن انجام می‌دادند، فوق‌العاده مستحکم بودم. وقتی

خودم هم بچه بودم و کار بدن انجام می‌دادم، خواهرانم مرا تشویق

می‌گرفتند. بدم می‌آمد بیکار از دست بپریم فرار کردم و او مرا در خانه

دنبال کرد تا تنبیه کند. بیکار برای تنبیه «مخزانی» خط کش را برداشتم

ولی خیلی دور خود را کنترل و از ابتکار خودداری کردم به همین دلیل

با معلمی‌ها که در کلاس درس از تز که و خیزران و چوب استفاده

می‌کنند مخالفم زیرا شما وقتی به خشم می‌آیید، کنترل خود را از دست

می‌دهید. این اولین و آخرین بار بود که برای تنبیه از خط‌کش استفاده

کردم. پس از آن حاکمتر کاری که کردم به دست گرفتن خط کش و

نشان دادنش به بچه به منظور حساب بردن بود. همسر من عادت کرده

بود بچه‌ها را تنبیه کند ولی او غالباً از آنها طرف‌داری می‌کرد. هنگامی

که بچه‌ها را توبیخ می‌کردم گاهی به من می‌گفت تو خودت از آنها

بذرتری ولی مهم این بود که این متوجه خطای خود شوند. می‌خواستم

آنها منضبط باشند، اسراف کار نباشند و یاد بگیرند به خودشان توجه

کنند؛ در عین حال دلم می‌خواستست به آنها نزدیک باشم، نزدیک‌تر از

پدرم با من در این کودکی. به همین دلیل تلاش‌های زیادی برای ایجاد

رابطه‌ای سرشار از مهربانی و دوستی با آنها به عمل آوردم. این همان

چیزی بود که از ابتدا در پی آن بودم. لذا فرزندانم به رغم خشنونی

که هر از گاه نسبت به مادم، براساس هر از من پرورش نیافته‌اند.

وعده‌های غذایی به ویژه شام خیلی مهم بود زیرا مناسبی بود که به

ما فرصت می‌داد با همدیگر حرف بزنیم.

داده دارد

دانه‌های پسته در یک کاس چوبی

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

نمایندگان پارلمان مصر با نادیده گرفتن مخالفت مردم

این کشور با تصویب توافقنامه واگذاری دو جزیره «تیران» و

«صافیر» به عربستان درصدد تأمین منافع رژیم صهیونیستی

و حیایان آن بر آمدند و شکاف را در جامعه مصر عمیق تر

کردند. به گزارش گروه پژوهش و تحلیل خبری ایرنا، پارلمان

مصر توافقنامه واگذاری دو جزیره تیران و صنافیر را در دریای

سرخ به عربستان تصویب کرد. کمیسون امور قانون اساسی

و قانونگذاری پارلمان نیز با توافق تعیین مرزها میان مصر و

عربستان سعودی موافقت کرده بود. این توافقنامه انتقادهای

بسیاری را در داخل مصر به دنبال داشت. توافق ترسیم مرزهای

بین عربستان و مصر سال گذشته در حضور «عبدالفلاح السیسی»

رئیس جمهوری مصر و «اسلمان بن عبدالعزیز» پادشاه سعودی

در کاخ «الانحاده» در شرق قاهره امضا شد.

بی توجهی نمایندگان پارلمان مصر به خواست مردم

روزنامه‌های «رای الیوم» چاپ لندن و «الانخبار» لبنان با

اشاره به واگذاری جزایر مصری به عربستان، تسلیم‌پذیری

نظام مصر در برابر عربستان و بی توجهی آن را به خواست

مردم کانون توجه قرار دادند. روزنامه رای الیوم در گزارشی

به قلم «عبدالباری عطوان» نوشت: قدرت مالی نرم پیروز شد

و حاکمیت جزایر صنافیر و تیران را به عربستان واگذار کرد و

دولت مصر پیش از این بهای این جزایر را دریافت کرده

است. این طرحی اسرائیلی است که نمی‌دانیم چه کسی

پشت آن ایستاده است.

تصویب توافقنامه ترسیم مرزها میان مصر و عربستان

توسط پارلمان مصر و چشمپوشی از حاکمیت مصر بر جزایر

تیران و صنافیر در ورودی خلیج عقبه نشان می‌دهد دولت‌های

عربی می‌توانند با سناوژکارهای قانونی و غیر قانونی هر

تصمیم و موضعی که بخواهند بر ملت‌های خود تحمیل کنند.

بعثت درباره حقوق مالکیت آن دو جزیره و اسناد موجود

در این باره نیست، بلکه مسئله درباره شیوه تصمیم‌گیری در

پارلمان مصر است. پارلمانی که در اصل مشروعیت آن به

عنوان نمایندگان مردم مصر جای شک و تردید وجود دارد.

بیشتر اعضای این پارلمان به طوری انتخاب شده‌اند که با

موضع‌گیری‌های دولت همسو هستند و برای آنان مهم نیست

که این مواضع سنجیده باشد یا نه.

از زمان اهدای این توافقنامه مشخص بود دولت مصر،

ملت و مخالفان توافق واگذاری جزایر صافیر و تیران به

عربستان را رها کرد تا هر چه می‌خواستند فریاد بکشند و همه

راه‌های قضایی را ببایزباند. دولت در برابر همه دیدگاه‌های

مخالف سکوت کرد. زیرا دولت سرگرم طرحی نقشه‌ای برای

تأیید این توافق در پارلمان و تلاش شدن در برابر دیدکته‌های

سعودی بود که با سواستفاده از بحران ناگوار اقتصادی در

مصر به دنبال دستیابی به اهداف مورد نظر خود است. در این

زمینه (مصطفی بکری) عضو پارلمان مصر پیش از این گفته

بود، همه این سرو صداهای بی‌تجس است. زیرا این پارلمان

است که حرف آخر را می‌زند و این توافق را بدون هیچ

مانعی امضا خواهد کرد.

به نوشته روزنامه الانخبار، مصر این کشور بزرگ عربی

که با دیگری کشورها در جنگ سال ۱۹۶۷ میلادی برای نخستین

بار شکست خورد بازهم هم شکست خورد. حاکمان جدید

این کشور در واگذاری جزیره‌های راهبردی تیران و صنافیر

در ورود خلیج عقبه به عربستان شتاب کردند. در کمتر از ۳۰

دقیقه پارلمان مصر توافقنامه ترسیم مرزهای دریایی با عربستان

را تصویب کرد و با موضع مردم مصر که مخالف واگذاری

این جزایر به عربستان بودند، مخالفت کرد. احکام قضایی

هم بر این موضوع تأکید کرده بود که حاکمیت این جزایر از

آن مصر است. اما پارلمان مصر به گزارش‌های دولت تکیه

کرد و با بررسی هر گونه سندی که از حاکمیت مصر دفاع

می‌کند، مخالفت کرد.

رژیم صهیونیستی در پشت پرده واگذاری

روزنامه رای‌الایوم و شبکه خبری (العزیزیه) قطر در بخشی

از گزارش خود واگذاری جزایر مصری به عربستان را در

رستای تأمین منافع نامشروع رژیم صهیونیستی دانستند. به

نوشته روزنامه رای‌الایوم، اکنون بیم آن می‌رود، افزون بر

جزیره‌های تیران و صنافیر در خلیج عقبه، نقشه‌ای به طور

پنهانی در حال طراحی باشد که بر پایه آن این دو جزیره و

خلیج عقبه به طور کامل در خدمت اهداف اقتصادی و نظامی

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران

پسته در یک کاس چوبی، در یک کافه در تهران، ایران



روابط بین‌الملل



رژیم اسرائیل دریآد. به نوشته خبرگزاری الجزیره، «عبدالفلاح

ماضی» استاد علوم سیاسی معتقد است واگذاری جزیره‌های

تیران و صنافیر به عربستان بخشی از طرح‌ها برای از بین بردن

مساله فلسطین و هدف قراردادن امنیت کشورهای عرب است. رژیم

او بر این باور است واگذاری این جزیره‌ها به سود عربستان

نموده بلکه به سود رژیم اسرائیل است و آمریکا، رژیم اسرائیل،

مصر و عربستان در آن نقش داشتند.

مخالفت مردم مصر با واگذاری جزایر به عربستان

روزنامه‌های «العرب» چاپ لندن و «الاهرام» چاپ قاهره

و الانخبار به مخالفت مردم مصر با واگذاری جزایر مصر

به عربستان اشاره کردند. به نوشته روزنامه العرب، از زمان

امضای قرارداد در آوریل سال گذشته توسط «السیسی» و

رژیم صهیونیستی

روزنامه‌های «رای الیوم» چاپ لندن و «الانخبار» لبنان با

اشاره به واگذاری جزایر مصری به عربستان، تسلیم‌پذیری

نظام مصر در برابر عربستان و بی توجهی آن را به خواست

مردم کانون توجه قرار دادند. روزنامه رای الیوم در گزارشی

به قلم «عبدالباری عطوان» نوشت: قدرت مالی نرم پیروز شد

و حاکمیت جزایر صنافیر و تیران را به عربستان واگذار کرد و

دولت مصر پیش از این بهای این جزایر را دریافت کرده

است. این طرحی اسرائیلی است که نمی‌دانیم چه کسی

پشت آن ایستاده است.

تصویب توافقنامه ترسیم مرزها میان مصر و عربستان

توسط پارلمان مصر و چشمپوشی از حاکمیت مصر بر جزایر

تیران و صنافیر در ورودی خلیج عقبه نشان می‌دهد دولت‌های

عربی می‌توانند با سناوژکارهای قانونی و غیر قانونی هر

تصمیم و موضعی که بخواهند بر ملت‌های خود تحمیل کنند.

بعثت درباره حقوق مالکیت آن دو جزیره و اسناد موجود

در این باره نیست، بلکه مسئله درباره شیوه تصمیم‌گیری در

پارلمان مصر است. پارلمانی که در اصل مشروعیت آن به

عنوان نمایندگان مردم مصر جای شک و تردید وجود دارد.

بیشتر اعضای این پارلمان به طوری انتخاب شده‌اند که با

موضع‌گیری‌های دولت همسو هستند و برای آنان مهم نیست

که این مواضع سنجیده باشد یا نه.

از زمان اهدای این توافقنامه مشخص بود دولت مصر،

ملت و مخالفان توافق واگذاری جزایر صافیر و تیران به

عربستان را رها کرد تا هر چه می‌خواستند فریاد بکشند و همه

راه‌های قضایی را ببایزباند. دولت در برابر همه دیدگاه‌های

مخالف سکوت کرد. زیرا دولت سرگرم طرحی نقشه‌ای برای

تأیید این توافق در پارلمان و تلاش شدن در برابر دیدکته‌های

سعودی بود که با سواستفاده از بحران ناگوار اقتصادی در

مصر به دنبال دستیابی به اهداف مورد نظر خود است. در این

زمینه (مصطفی بکری) عضو پارلمان مصر پیش از این گفته

بود، همه این سرو صداهای بی‌تجس است. زیرا این پارلمان

است که حرف آخر را می‌زند و این توافق را بدون هیچ

مانعی امضا خواهد کرد.

به نوشته روزنامه الانخبار، مصر این کشور بزرگ عربی

که با دیگری کشورها در جنگ سال ۱۹۶۷ میلادی برای نخستین

بار شکست خورد بازهم هم شکست خورد. حاکمان جدید

خطوط اصلی زندگی امام صادق (ع)

اشاره: به مناسبت سالروز شهادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.BLOGFA.COM بخش‌هایی از بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای را



درباره حیات نورانی این امام معصوم منتشر کرده که ۲۸ سال پیش در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۱ ایراد شده که مطالعه و بازخوانی آن، حاوی مطالب و نکات راهگشا و ارزشمندی است.

نقشه امام صادق (ع)

وقتی امام باقر (ع) از دنیا می‌رود، بر اثر فعالیت‌های بسیاری که در طول این مدت خود امام باقر (ع) و امام سجاد (ع) انجام داده بودند؛ اوضاع و احوال به سود خاندان پیغمبر (ص) بسیار تغییر کرد. نقشه امام صادق (ع) این بود، که بعد از رحلت امام باقر علیه‌السلام کارها را جمع و جور کند، یک قیام علنی به راه بیندازد و حکومت بنی‌امیه را — که هر روزی یک دولتی عوض می‌شد و حاکی از نهایت ضعف دستگاه بنی‌امیه بود — واژگون کند و از خراسان و ری و اصفهان و عراق و حجاز و مصر و مراکش و همه مناطق مسلمان‌نشین که در همه این مناطق شبکه حزبی امام صادق — یعنی شیعه، شیعه یعنی شبکه حزبی امام صادق علیه‌السلام — همه جا گسترده بود، از همه آنها نیرو بیاید مدینه و امام لشکرکشی کند به شام، حکومت شام را ساقط کند و خودش پرچم خلافت را بلند کند و بیاید مدینه و حکومت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را به راه بیندازد.

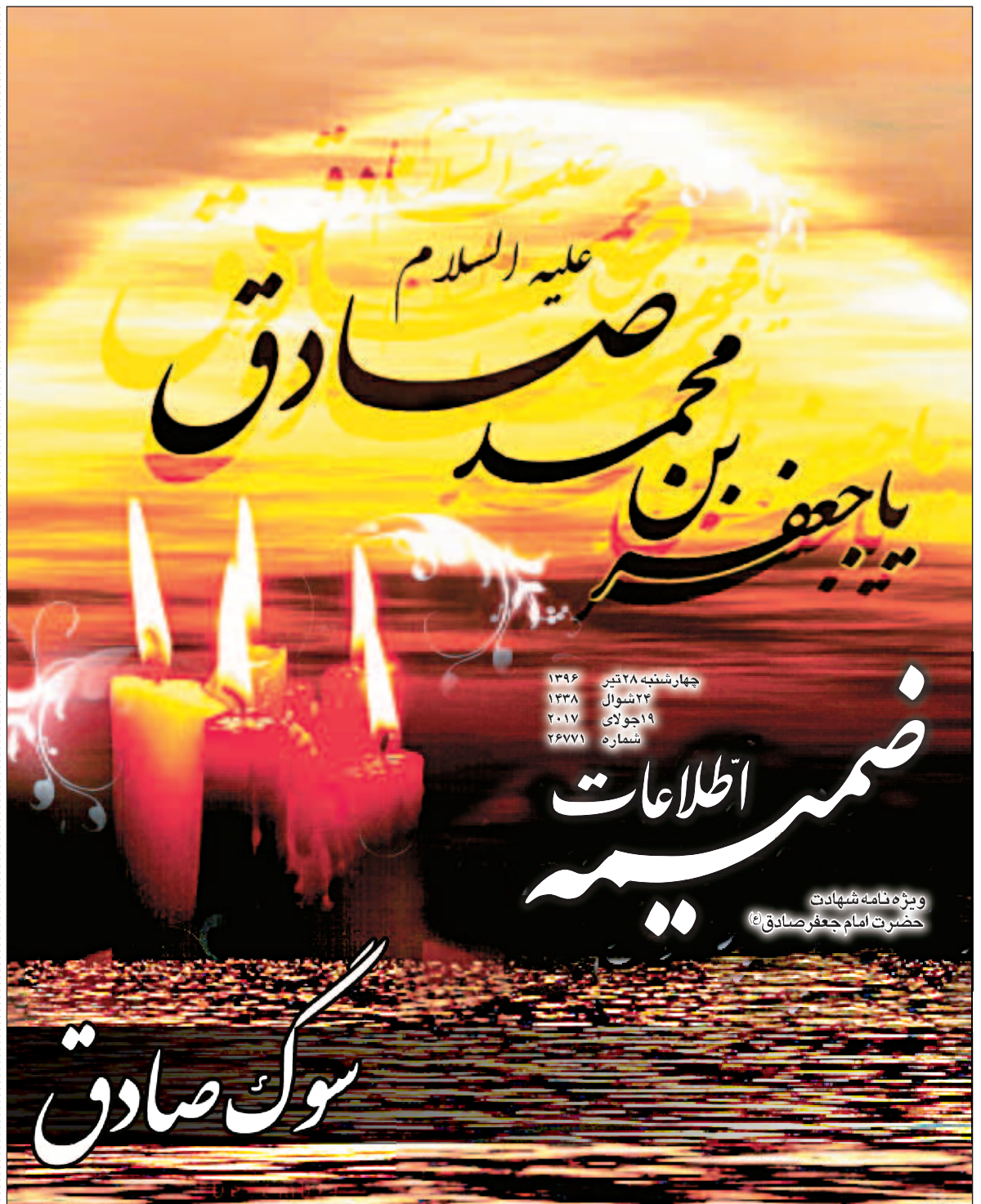
این نقشه امام صادق بود. لذا وقتی که در خدمت امام (ع) در روزهای آخر عمرش صحبت می‌شود و سؤال می‌شود که قائم آل محمد کیست؟ حضرت یک نگاهی می‌کنند به امام صادق (ع) و می‌گویند که گویا می‌بینم که قائم آل محمد این است. البته می‌دانید که قائم آل محمد یک اسم عام است، اسم خاص نیست، اسم ولی عصر صلوات‌الله‌علیه‌نیست.

حضرت ولی عصر، صلوات‌الله‌علیه، قائم نهایی آل محمد است، اما همه کسانی که از آل محمد صلوات‌الله‌علیه‌وآله در طول زمان قیام کردند — چه پیروزی به دست آورده باشند، چه نیاورده باشند — اینها قائم آل محمدند و این روایاتی که می‌گویند وقتی قائم ما قیام کند، این کارها را می‌کند، این رفاه را ایجاد می‌کند، این عدل را می‌گستراند؛ منظور حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف نبود آن روز؛ منظور این بود که آن شخصی از آل محمد که بناسط حکومت حق و عدل را به وجود بیاورد، او وقتی که قیام بکند، این کارها را خواهد کرد و این درست هم بود.

کار پنهانی و تشکیلاتی به‌طور معمول در صورتی که با اصول درست پنهان‌کاری همراه باشد، باید همواره پنهان بماند.

آن روز مخفی بوده، بعد از آن نیز مخفی می‌ماند و رازداری و کتمان صاحبانش نمی‌گذارد پای نامحرمی بدانجا برسد.

هرگاه آن کار به ثمر برسد و گردانندگان و عاملانش بتوانند قدرت را در دست گیرند، خود، دقایق کار پنهان خود را برملا خواهند کرد. به همین جهت است که اکنون بسیاری از ریزه کاری‌ها و حتی فرمان‌های خصوصی و تماس‌های محرمانه سمران بنی‌عباس با پیروان افراد تشکیلاتشان در دوران دعوت عباسی در تاریخ ثبت است و همه از آن آگاهند.



چهارشنبه ۲۸ تیر
۱۳۳۸
۲۳ شوال
۱۹ جولای
۲۰۱۷
شماره ۲۶۷۷۱

ضمیمه اطلاعات
ویژه نامه شهادت
حضرت امام جعفر صادق (ع)

سوگ صادق

نگاهی به زندگی امام صادق (ع)



دکتر سید جعفر شهیدی

ابی‌بکر است و ام فروه کثیت داشته است. مادر ام فروه، اسماء دختر عبدالرحمان بن ابی‌بکر است. امام صادق در باره مادرش فرموده است: «مادرم مؤمن، متقی و نیکوکار بود و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.»

کلیتی به اسناد خود از عبدالاعلی آورده است: ام فروه را دیدم متکبروار گرد کعبه طواف می‌کرد و حجرالاسود را به دست چپ سود. مردی از طواف کنندگان بدو گفت: «در سنت خطا کردی.» ام فروه پاسخ داد: «ما از دانش تو بی‌نیازیم!» و از این پاسخ می‌توان آشنایی او را به مسائل فقهی دریافت.

فرزندان

چنان که مشهور است، فرزندان آن حضرت ده تن بوده‌اند: هفت پسر به نامهای اسماعیل، عبدالله، موسی، اسحاق، محمد، عباس و علی و سه دختر به نامهای ام فروه، اسماء و فاطمه. اسماعیل پسر بزرگتر آن امام است و پدر، وی را دوست می‌داشت.

ولادت حضرتش را در سال هشتادم از هجرت نوشته‌اند و در ماه شوال سال صد و چهل و هشت هجری به دیدار پروردگار شتافت. مدت زندگانی او شصت و پنج سال بوده است. ابن‌قتیبه نویسد: «جعفر بن محمد، کنیه او ابوعبدالله است و جعفریه بدو منسوب‌اند به سال یکصد و چهل و شش در مدینه درگذشت.»

از آغاز ولادت تا هنگام رحلت این امام بزرگوار، ده تن از امویان به نامهای: عبدالملک پسر مروان، ولید پسر عبدالملک (ولید اول)، سلیمان پسر عبدالملک، عمر پسر عبدالعزیز، یزید پسر عبدالملک (یزید دوم)، هشام پسر عبدالملک، ولید پسر یزید (ولید دوم)، یزید پسر ولید (یزید سوم)، ابراهیم پسر ولید و مروان پسر محمد، و دو تن از عباسیان ابوالعباس، عبدالله پسر محمد معروف به سفاح و ابوجعفر پسر محمد معروف به منصور بر حوزه اسلامی حکومت داشته‌اند. آغاز امامت امام صادق (ع) با حکومت هشام پسر عبدالملک و پایان آن، با دوازدهمین سال از حکومت ابوجعفر منصور (المنصور بالله) مشهور به دوانیقی مصادف بوده است. مدفن آن امام بزرگوار قبرستان بقیع است، آنجا که پدر و جد او به خاک سپرده شده‌اند. نام مادر او فاطمه یا قریبه دختر قاسم بن محمد بن

جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب علیهم‌السلام، ششمین امام شیعیان، و پنجمین امام از نسل امیرالمؤمنین (ع)، کنیه او ابوعبدالله و لقب مشهورش «صادق» است. لقب‌های دیگری نیز دارد؛ از آن جمله صابر، طاهر، و فاضل. اما چون فقیهان و محدثان معاصر او که شیعه وی هم نبوده‌اند، حضرتش را به درستی حدیث و راستگویی در نقل روایت بدین لقب ستوده‌اند، لقب صادق شهرت یافته است، و گرنه امامی را که منصوب از طرف خدا و منصوب از جانب امامان پیش از اوست، راستگو گفتن آفتاب را به روشن وصف کردن است که:

مدح تعریف است و تخریق حجاب فارغ است از شرح و تعریف آفتاب مادح خورشید مداح خود است که دو چشمم روشن و ناظر مد است این حجر عسقلانی او را چنین وصف می‌کند: «الهاشمی العلوی، ابوعبدالله المدنی الصادق» و همو نویسد: «ابن حبان گوید: در فقه و علم و فضیلت از سادات اهل بیت بود.»

ولادت او ماه ربیع‌الاول سال هشتاد و سوم از هجرت رسول خدا (ص) و در هفدهم آن ماه بوده است؛ ولی بعض مورخان و تذکره نویسان

و فقهی زمان خود را دارا بوده است. مقدمتا باید دانست که دستگاه خلافت در اسلام، از این جهت با همه دستگاه‌های دیگر حکومت متفاوت است که این فقط یک تشکیلات سیاسی نیست؛ بلکه یک رهبری سیاسی- مذهبی است. نام و لقب «خلیفه» برای حاکم اسلامی، نشان‌دهنده همین حقیقت است که وی بیش از یک رهبر سیاسی است؛ جانشین پیامبر صلوات‌الله‌علیه است و پیامبر صلوات‌الله‌علیه، آورنده یک دین و آموزنده اخلاق و البته در عین حال حاکم و رهبر سیاسی است. پس خلیفه در اسلام، به‌جز سیاست، متکفل امور دینی مردم و پیشوای مذهبی آنان نیز هست.

با این آگاهی، به‌وضوح می‌توان دانست که فقه جعفری در برابر فقه فقیهان رسمی روزگار امام صادق (ع) فقط یک اختلاف عقیده دینی ساده نبود؛ بلکه در عین حال دو مضمون متعارضانه را نیز با خود حمل می‌کرد: نخست و مهمتر، اثبات بی‌نصبی دستگاه حکومت از آگاهی دینی و ناتوانی آن از اداره امور فکری مردم و دیگر، مشخص ساختن موارد تحریف در فقه رسمی که ناشی از مصلحت‌اندیشی فقها در بیان احکام فقهی و ملاحظه‌کاری آنان در برابر تحکم و خواست قدرتهای حاکم است.

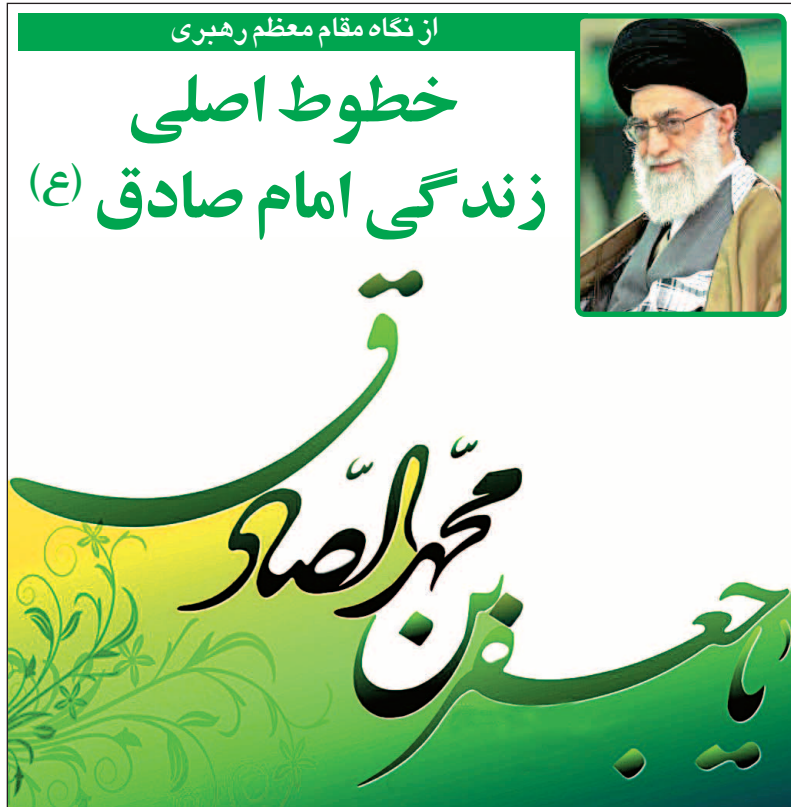
امام صادق (ع) با گستردن بساط علمی و بیان فقه و معارف اسلامی و تفسیر قرآن به شیوه‌ای غیر شیوه‌ی عالمان وابسته به حکومت، عملاً به معارضه با آن دستگاه برخاسته بود. آن حضرت بدین وسیله تمام تشکیلات مذهبی و فقهات رسمی را که یک ضلع مهم حکومت خلفا به شمار می‌آمد، تخطئه می‌کرد و دستگاه حکومت را از بعد مذهبی‌اش تهی دست می‌ساخت.

نخستین حکمرانان بنی‌عباس که خود در روزگار پیش از قدرت، سال‌ها در محیط مبارزاتی علوی و در کنار پیروان و یاران آل‌علی علیه‌السلام گذرانیده و به بسیجاری از اسرار و چم و خم‌های کنار آنان بصیرت داشتند، نقش متعارضانه این درس و بحث و حدیث و تفسیر را پیش از اسلاف اموی خود درک می‌کردند. گویا به همین خاطر بود که منصور عباسی در خلال درگیری‌های زحمت‌آمیزش با امام صادق (ع) مدت‌ها آن حضرت را از نشستن با مردم و آموزش دین به آنان، و نیز مردم را از رفت‌وآمد و سؤال از آن حضرت منع کرد؛ تا آنجا که به نقل از «مفضل بن عمر» - چهره درخشان و معروف شیعی - هرگاه مسأله‌ای در باب زناشویی و طلاق و امثال اینها برای کسی پیش می‌آمد، به آسانی نمی‌توانست به پاسخ آن حضرت دست یابد.

وجود تشکیلات پنهانی ایدئولوژیک - سیاسی
امام صادق علیه‌السلام در اواخر دوران بنی‌امیه، شبکه تبلیغاتی وسیعی را که کار آن، اشاعه امامت آل‌علی علیه‌السلام و تبیین درست مسأله امامت بود، رهبری می‌کرد؛ شبکه‌ای که در بسیاری از نقاط دوردست کشور مسلمانان، به ویژه در نواحی عراق و خراسان، فعالیت‌های چشمگیر و ثمربخشی درباره مسأله امامت عهده‌دار بود، ولی این تنها یک روی مسأله و بخش ناچیزی از آن است. موضوع تشکیلات پنهان در صحنه زندگی سیاسی امام صادق (ع) و نیز دیگر ائمه علیهم‌السلام، از جمله مهم‌ترین و شورانگیزترین و در عین حال مجهول‌ترین و ابهام‌آمیزترین فصول این زندگینامه پرماجر است.

برای اثبات وجود چنین سازمانی نمی‌توان و نمی‌باید در انتظار مدارک صریح بود. نباید توقع داشت که یکی از امامان یا یکی از یاران نزدیکش صراحتاً به وجود تشکیلات سیاسی - فکری شیعی اعتراف کرده باشد. این چیزی نیست که بتوان به آن اعتراف کرد. انتظار معقول آن است که اگر روزی هم دشمن به وجود تشکیلات پنهانی امام پی برد و از خود آن حضرت یا یکی از یارانش چیزی پرسید، او به‌کلی وجود چنین چیزی را انکار کند و گمان آن را یک سوءظن یا تهمت بخواند. این، خاصیت همیشگی کار مخفی است.

باید در پی قرائن و شواهد و بطون حوادث ظاهراً ساده‌ای بود که اگرچه نظر بیننده عادی را جلب نمی‌کند، ولی با دقت و تأمل، خبر از جریان‌های پنهانی بسیاری می‌دهد. اگر با چنین نگرشی به سراسر دوران دو قرن و نیمه زندگی ائمه علیهم‌السلام نظر شود، وجود یک تشکیلات پنهان در خدمت و تحت فرمان ائمه علیهم‌السلام تقریباً مسلم می‌گردد.



دیده می‌شود، چگونه قابل توجیه است؟ این حمل و جوه و امسوال از اطراف عالم به مدینه؟ این همه پرسش از مسائل دینی؟ این دعوت همه‌جاگستر به تشیع؟ و آنگاه این وجهه و محبوبیت بی نظیر آل‌علی علیه‌السلام در بخش‌های مهمی از کشور اسلامی؟ و این خیل انبوه محدثان و راویان خراسانی و سیستانی و کوفی و بصری و یمانی و مصری در گرد امام؟ کدام دست مقتدر، این همه را به وجود آورده بود؟ آیا می‌توان تصادف یا پیشامدهای خودبه‌خودی را عامل این پدیده‌های متناسب و مرتبط به هم دانست؟ با این همه تبلیغات مخالف که از طرف بلندگوهای رژیم خلافت اموی بی‌استثناء در همه‌جا انجام می‌گرفت و حتی نام علی بن ابی‌طالب (ع) به عنوان محکوم‌ترین چهره اسلام، در منابر و خطابه‌ها یاد می‌شد، آیا بدون وجود یک شبکه تبلیغاتی قوی ممکن است آل‌علی علیه‌السلام در نقاطی چنان دوردست و ناآشنا، چنین محبوب و پرجاذبه باشند که کسانی محض دیدار و استفاده از آنان و نیز عرضه کردن دوستی و پیوند خود با آنان، راههای دراز را بپیمایند و به حجاز و مدینه روی آورند؛ دانش دین را که بنا بر عقیده شیعه، همچون سیاست و حکومت است، از آنان فراگیرند و در موارد متعددی بی‌صبرانه اقدام به جنبش نظامی - و به زبان روایات، قیام و خروج - را از آنان بخواهند؟

اگر تسلیحات شیعه فقط در جهت اثبات علم و زهد ائمه علیهم‌السلام بود، درخواست قیام نظامی چه معنایی می‌توانست داشته باشد؟ ممکن است سؤال شود اگر به‌راستی چنین شبکه تبلیغاتی وسیع و کارآمدی وجود داشته؛ چرا نامی از آن در تاریخ نیست و صراحتاً ماجرای از آن نقل نشده است؟ پاسخ به‌طور خلاصه آن است که دلیل این بی‌نشانی را نخست در پابندی و سوساوس آمیز یاران امام به اصل معتبر و مترقی «تقیه» باید جست که هر بیگانه‌ای را از نفوذ در تشکیلات امام مانع می‌شد و سپس در ناکام ماندن جهاد ششیعه در آن مرحله و به قدرت نرسیدن آنان، که این معلول عواملی چند است. اگر بنی‌عباس نیز به قدرت نمی‌رسیدند، بی‌گمان تلاش و فعالیت پنهانی آنان و خطرات تلخ و شیرینی که از فعالیت‌های تبلیغاتی داشتند، در سینه‌ها می‌ماند و کسی از آن خبر نمی‌یافت و در تاریخ نیز ثبت نمی‌شد.

تبلیغ و بیان احکام دین
این نیز یک خط روشن در زندگی امام صادق (ع) است. به شکلی متمایزتر و صریح‌تر و صحیح‌تر از آنچه در زندگی دیگر امامان می‌توان دید؛ تا آنجا که فقه شیعه «فقه جعفری» نام گرفته است و تا آنجا که همه کسانی که فعالیت سیاسی امام را نادیده گرفتند، بر این سخن همدستان هستند که امام صادق علیه‌السلام وسیع‌ترین - یا یکی از وسیع‌ترین - حوزه‌های علمی

این رسول الله (ص) کان الإمام - ثُمَّ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع) ثُمَّ الْحُسَيْنُ (ع) ثُمَّ الْحُسَيْنُ (ع) - ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (ع) ثُمَّ ... » حدیث دیگر از ابی‌الصبح کنانی است که در آن، امام صادق (ع) خود و دیگر امامان شیعه را چنین توصیف می‌کند: «ما کسانی هستیم که خدا اطاعت ما را بر مردم لازم ساخته است. انفال و صفوالمال در اختیار ماست.»

صفوالمال، اموال گزیده‌ای است که طواغیت گردنکش به خود اختصاص داده و دست‌های مستحق را از آن بریده بودند و هنگامی که این اموال مغضوب، با پیروزی سلحشوران مسلمان از تصرف ستمگران مغلوب خارج می‌شود، مانند دیگر غنائم تقسیم نمی‌شود تا در اختیار یک نفر قرار گیرد و به او حشمتی کاذب و تفاخری دروغین ببخشند، بلکه به حاکم اسلامی سپرده می‌شود و او از آنها در جهت مصالح عموم مسلمانان استفاده می‌کند.

امام در این روایت، خود را اختیاردار صفوالمال و نیز انفال - که آن نیز مربوط به امام است - معرفی می‌کند و با این بیان، به روشنی می‌رساند که امروز حاکم جامعه اسلامی اوست و این همه باید به دست او و در اختیار او باشد و به نظر او در مصارف درشت به کار رود.

امام در حدیثی دیگر، امامان گذشته را یک‌یک نام می‌برد و به امامت آنان و اینکه اطاعت از فرمانشان واجب و حتمی است، شهادت می‌دهد و چون به نام خود می‌رسد، سکوت می‌کند. شنوندگان سخن امام به خوبی می‌دانند که پس از امام باقر (ع) میراث علم و حکومت در اختیار امام صادق (ع) است. و بدین ترتیب، هم حق فرمانروایی خود را مطرح می‌سازد و هم با لحن استدلال‌گونه، ارتباط و اتصال خود را به نیای والامقامش علی بن ابیطالب (ع) بیان می‌کند.

در ابواب «کتاب الحجه» از کافی و نیز در جلد ۴۷ بحارالانوار از این گونه حدیث که به صراحت یا به کنایه، سخن از ادعای امامت و دعوت به آن است، فراوان می‌توان یافت.

مدرک قاطع دیگر، شواهدی است که از شبکه گسترده تبلیغاتی امام در سراسر کشور اسلامی یاد می‌کند و بودن چنین شبکه‌ای را مسلم می‌سازد. این شواهد، چندان فراوان و مدلل است که اگر حتی یک حدیث صریح هم وجود نمی‌داشت، خدشه‌ای بر حتمیت موضوع وارد نمی‌آمد.

مطالعه‌گر زندگینامه مدون ائمه علیهم‌السلام از خود می‌پرسد: آیا امامان شیعه در اواخر دوران بنی‌امیه، داعیان و مبلغانی در اطراف و اکناف کشور اسلامی نداشتند که امامت آنان را تبلیغ کنند و از مردم قول اطاعت و حمایت برای آنان بگیرند؟ پس در این صورت، نشانه‌های این پیوستگی تشکیلاتی که در ارتباطات مالی و فکری میان ائمه و شیعه به وضوح

بقیه از صفحه اول
بی‌گمان اگر نهضت علوی نیز به ثمر می‌رسید و قدرت و حکومت در اختیار امامان شیعه یا عناصر برگزیده آنان در می‌آمد، ما امروز از همه رازهای سر به مهر دعوت علوی و تشکیلات همه‌جاگسترده و بسیار محرمانه آن مطلع می‌بودیم. تنها راهی که می‌تواند ما را با خط کلی زندگی امام آشنا سازد، آن است که نمودارهای مهم زندگی آن حضرت را در لایه‌لای این ابهام‌ها یافته، به کمک آنچه از اصول کلی تفکر و اخلاق آن حضرت می‌شناسیم، خطوط اصلی زندگینامه امام را ترسیم کنیم و آنگاه برای تعیین خصوصیات و دقایق، در انتظار قرائن و دلایل پراکنده تاریخی و نیز قرائنی به‌جز تاریخ بمانیم. نمودارهای مهم و برجسته در زندگی امام صادق (ع) بدین شرح است:

- ۱- تبیین و تبلیغ مسأله امامت
- ۲- تبلیغ و بیان احکام دین به شیوه فقه شیعی و نیز تفسیر قرآن به روال بیش شیعی
- ۳- وجود تشکیلات پنهانی ایدئولوژیک-سیاسی

تبیین و تبلیغ مسأله امامت

امام صادق (ع) نیز مانند دیگر امامان شیعه، محور برجسته دعوتش را موضوع «امامت» تشکیل می‌داده است. برای اثبات این واقعیت تاریخی، قاطع‌ترین مدرک، روایات فراوانی است که ادعای امامت را از زبان امام صادق به روشنی و با صراحت تمام نقل می‌کند.

امام در هنگام اشاعه و تبلیغ این مطلب، خود را در مرحله‌ای از مبارزه می‌دیده است که می‌بایست به طور مستقیم و صریح، حکام زمان را نفی کند و خویشش را به عنوان صاحب حق واقعی ولایت و امامت به مردم معرفی نماید؛ و قاعدتاً این عمل فقط هنگامی صورت می‌گیرد که همه مراحل قبلی مبارزه با موفقیت انجام گرفته، آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی در قشر وسیعی پدید آمده، آمادگی‌های بالقوه در همه‌جا احساس شده، زمینه‌های ایدئولوژیک در جمع قابل توجهی ایجاد گردیده، لزوم حکومت حق و عدل برای جمعی کثیر به ثبوت رسیده و بالاخره رهبر تصمیم‌راش خود را برای مبارزه‌ای نهایی گرفته است. بدون این همه، مطرح کردن نام یک شخص معین به عنوان امام و زمامدار محق جامعه، کاری عجولانه و بی‌فایده خواهد بود.

نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که امام در مواردی به این پسند نمی‌کند که امامت را برای خویش اثبات کند؛ بلکه همراه نام خود، نام امامان بحق و اسلاف پیشین خود را نیز یاد می‌کند و در حقیقت سلسله امامت اهل بیت علیهم‌السلام را متصل و جدایی‌ناپذیر مطرح می‌سازد.

این عمل با توجه به اینکه تفکر شیعی، همه زمامداران نایب حق گذشته را محکوم کرده و آنان را «طاغوت» به شمار می‌آورد، می‌تواند اشاره به پیوستگی جهاد شیعیان این زمان به زمان‌های گذشته نیز باشد. در واقع امام صادق علیه‌السلام با این بیان، امامت خود را یک نتیجه قهری که بر امامت گذشتگان مرتب است، می‌شناسد و آن را از حالت بی‌سابقه و بی‌ریشه و پایه بودن بیرون می‌آورد و سلسله خود را از کالانی مطمئن و تردیدناپذیر به پیامبر بزرگوار (ص) متصل می‌کند.

روایت «عمرو بن ابی‌المقدام»، منظره شگفت‌آوری را ترسیم می‌کند: روز نهم ذیحجه روز عرفه است. محشری از خلائق در عرفات برای ادای مراسم خاص آن روز گردآمده‌اند و نمایندگان طبیعی مردم سراسر مناطق مسلمان‌نشین، از اقصای خراسان تا ساحل مدیترانه، جمع شده‌اند. یک کلمه حرف بجا در اینجا می‌تواند کار گسترده‌ترین شبکه وسایل ارتباط جمعی را در آن زمان بکند.

امام، خود را به این جمع رسانده است و پیامی دارد. می‌گوید: دیدم امام در میان مردم ایستاد و با صدای هر چه بلندتر - با فریادی که باید در همه‌جا و در همه گوش‌ها طنین بی‌افکند و به‌وسیله شنوندگان به سراسر دنیای اسلام پخش شود- پیام خود را سه مرتبه گفت. روی را به طرف دیگری گرداند و سه مرتبه همان سخن را ادا کرد. باز روی را به سمتی دیگر گرداند و باز همان فریاد و همان پیام. و بدین ترتیب امام دوازده مرتبه سخن خود را تکرار کرد. این پیام با این عبارات ادا می‌شد: «أَيُّهَا النَّاسُ



دکتر سید جعفر شهیدی

نگاهی به زندگی امام صادق (ع)

بقیه از صفحه اول

بعضی از شیعیان را گمان بود که اسماعیل بعد از پدرش به امامت خواهد رسید؛ اما او در روزگار زندگانی پدر درگذشت و امام وی را در گورستان بقیع به خاک سپرد و بر مردن او سخت گریان شد. پیش از به خاک سپردن، روی او را گشود تا مردم ببینند اسماعیل مرده است؛ ولی پس از مرگ اسماعیل، گروهی مردن او را باور نکردند و پس از امام صادق او را امام دانستند. اسماعیلیان یا هفت امامیان که صدها سال بعد به دو فرقه نزاریه و مستعلویه تقسیم شدند، بدین اسماعیل منسوب‌اند. هفت امامیان هم اکنون در کشورهای ایران، پاکستان و هندوستان به سری می‌برند.

همراه پدر

امام صادق(ع) سی و یک سال و به روایتی سی و چهار سال در کنار پدرش امام باقر(ع) بوده است. درسفری که امام باقر، به خواست هشام پسر عبدالملک به شام رفت، همراه او بود. از او روایت شده است: چون به دمشق رسیدیم، هشام سه روز ما را نپذیرفت و روز چهارم اجازه دیدار داد. چون به مجلس او درآمدیم، بر تخت نشسته بود و فرماندهان سپاه وی در دو صف ایستاده بودند. بزرگان خاندان او نیز حضور داشتند.



پس پدرم را تکلیف تیراندازی کرد، او عذر خواست و سرانجام با اصرار هشام پذیرفت و نه تیر پی یکدیگر افکند و هر تیر بر تیرنخستین خورد. هشام را خوش نیامد و مدتی ما را ایستاده نگاه داشت. پدرم خشمگین گشت و هشام چون خشم او را دید، وی را بر سر تخت برد و دست در گردن او افکند و بر دست راست خود نشاناد. پس دست در گردن من درآورد و مرا بر دست پدرم جای داد.

در چشم دیگران

چنان که اشارت شد، امام صادق(ع) گذشته از منزلتی که نزد شیعیان دارد، در دیده عامه مسلمانان نیز دارای مقامی والاست. بزرگان اهل سنت و جماعت از روزگار وی تا امروز، او را به کرامت خلق، دانش فراوان، بخشش بسیار و عبادت طولانی ستوده‌اند.

صدوق به اسناد خود از فقیه مدینه، مالک بن انس روایت کند: بر جعفر بن محمد(ع) در می‌آمد، برای من بالش می‌نهاد و مرا حرمت می‌داشت و می‌گفت: مالک تو را دوست می‌دارم، و من از گفته او خشنود می‌شدم و خدا را سپاس می‌گفتم. او همیشه در یکی از سه حالت بود: روزه‌دار، برپا ایستاده به نماز، ذکر گوینده. او از بزرگان، عابدان و زاهدانی بود که از خدا می‌ترسند. بسیار حدیث، خوش محضر و بسیار فائدت بود. سالی با او به حج رفتم، چون هنگام گفتن لبیک رسید، سخن در گلوئی او برید و نزدیک بود از شتر بیفتد، گفتم: پسر رسول خدا! می‌بایست لبیک بگویی! گفت: پسر ابی‌عامر! چگونه جرات کنم و بگویم: لبیک، اللهم لبیک، در حالی که می‌ترسم خدایم بگوید نه لبیک و نه سعدیک! علی بن عیسی اربلی - مؤلف کشف‌الغمه - از محمد بن طلحه درباره او آورده است: شنیدن سخنانش موجب زهد دنیا می‌شد و اقتدای به او بهشت را در پی داشت. نور چهره‌اش گواهی می‌داد از سلاله نبوت است و پاکی کردارش آشکار می‌ساخت از ذریه رسالت است.

بزرگانی چون یحیی بن سعید انصاری، ابن جریج، مالک بن انس، سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، ابو حنیفه، شعبه و ایوب سختیانی از علم او بهره گرفتند، و آن بهره‌گیری را برای خود مباهات شمرند و بدان شرف یافتند و فضیلت کسب کردند.

او از بزرگان اهل بیت و سادات آنان بود. علمی فراوان و عبادتی بسیار و اورادی پیوسته و زهدی آشکار داشت و بسیار تلاوت بود. معانی قرآن کریم را تتبع می‌کرد و گوهرهای آن را بیرون می‌آورد و از عجایب آن بهره می‌گرفت. اوقات خود را بر انواع طاعت‌ها قسمت کرده بود که در آن حساب نفس خویش می‌نمود. دیدن او آخرت را به یاد می‌آورد.

ابن شهر آشوب از مالک بن انس روایت کند: از جعفر بن محمد در فضل و علم و پارسایی برتر ندیدم. یا روزه بود، یا نماز می‌خواند، یا ذکر می‌گفت. از بزرگان و اکابر و زاهدان بود و از آنان که از پروردگار می‌ترسند. بسیار حدیث، نیکو محضر و پر فایده بود. چون قال رسول‌الله می‌گفت، رنگش دگرگون می‌گشت. ابونعیم اصفهانی درباره او نوشته است: امام ناطق، زمامدار سابق، ابوعبدالله جعفر بن محمد صادق بر عبادت و خضوع روی آورد و عزلت و خشوع را برگزید

و از مهتری و ریاست دوری جست.

شهرستانی در «ملل و نحل» نویسد: جعفر بن محمد الصادق دارای علمی بسیار و ادبی کامل بود. زهد و پارسایی داشت. نه گردهمتری گردید و نه بر سر خلافت یا کسی به جنگ برخاست. آن که در دریای معرفت شنا کند، در شط نمی‌افتد و آنکه به اوج حقیقت رسد، از فرود آمدن نمی‌ترسد.

ابن خلکان دربارهٔ حضرتش نوشته است: از سادات اهل بیت بود و به خاطر راستی در گفتار به صادق ملقب گشت. فضل او مشهورتر از آن است که گفته‌اند. و عطار از عارفان بزرگ سده هفتم درباره حضرتش چنین نوشته است: آن سلطان ملت مصطفوی، آن برهان حجت نبوی، آن صدیق، آن عالم تحقیق، آن میوه دل اولیا، آن جگرگوشه انبیا، آن ناقل علی، آن وارث نبی، آن عارف عاشق، جعفرالصادق رضی‌الله عنه. گفته بودیم که اگر ذکر انبیا و صحابه و اهل بیت کنیم، کتابی جداگانه باید ساخت. این کتاب شرح اولیاست که بعد از ایشان بوده‌اند؛ اما به سبب تبرک به صادق ابتدا کنیم.

و چون از اهل بیت بیشتر سخن طریقت، او گفته است و روایت از او پیش آمد، کلمه‌ای چند از آن حضرت بیاورم که ایشان همه یکی‌اند. چون ذکر او کرده‌اند، ذکر همه بود. نبینی که قوم مذهب او دارند، مذهب دوازده امام دارند. یعنی یکی دوازده است و دوازده یکی. اگر تنها صفت او گویم به زبان، عبارت من راست نیاید که در جمله علوم و اشارات و عبادات بی‌تکلف به کمال بود.

وقدوة جمله مشایخ بود و اعتماد همه بر او بود. و مقتدای مطلق بود. و همه الهیان را شیخ بود، و همه محمدیان را امام بود. هم اهل ذوق را پیشرو بود و هم اهل عشق را پیشوا. هم عباد را مقدم بودو هم زهاد را مکرم. هم در تصنیف اسرار حقایق خطیر بود، هم در لطایف اسرار تنزیل و تفسیر بی‌نظیر.

عمرو بن ابی مقدم گفته است: هرگاه جعفر بن محمد را می‌دیدم می‌دانستم او سلاله پیمبران است. و ابوجعفر منصور او را از کسانی دانسته است که از خدا به آنان الهام می‌شود (محدث).

خاقانی شروانی در منشآت نوشته است: جعفر صادق عالم مطلق بود.

این چند گواهی را که اندکی از بسیار است، برای آن نوشتیم تا آنان که تتبعی چنان که باید در سیره معصومان ندارند و شرح زندگانی امامان شیعه را جز از گویندگان شیعی نشنیده و یا جز در مأخذهای غیرشیعی نخوانده‌اند، بدانند که قدر و منزلت این امام تنها در دیده شیعیانش بزرگ نیست، هر که علمی و بصیرتی داشته برابر او فروتن بوده و بزرگش می‌داشته.

و زید عموی او درباره وی گفته است: در هر زمان مردی از ما اهل بیت است که خدا بدو بر خلق خود احتجاج می‌کند و حجت زمان ما برادرزادهام جعفر است. آن که او را پیروی کند، گمراه نگردد و آن که مخالف وی بود، هدایت نشود.

رحلت امام صادق(ع)

در اصول کافی، ارشاد شیخ مفید، کشف الغمه و برخی کتاب های دیگر، از رحلت امام صادق(ع) به لفظ «مُضی»، «مات» و «قبض» تعبیر شده است. ظاهر این لفظ‌ها نشان می‌دهد امام به مرگ طبیعی جهان را بدرود گفته است، اما در فصول المهمه و مصباح کفعمی (به نقل مجلسی در بحار) نیز در کتاب های دیگری آمده است: امام را زهر خوراندند... ابن شهر آشوب در مناقب نوشته است که ابوجعفر منصور او را زهر خورانید و بایست چنین باشد؛ زیرا با کینه‌ای که منصور از او داشت و بیمی که از روی آوردن مردم بدو در دلش راه یافته بود، آسوده نمی‌نشت.

آنان که با تاریخ زندگی این مرد آشنایند، می‌دانند او به کسانی که برای رساندنش به مسند خلافت هر کوشش را به کار بردن، رحم نکرد و از جمله آنان ابومسلم بود که برپایی دولت عباسیان مرهون رنج هایی است که او در این باره بر خود نهاد. گناه ابو مسلم این است که هنگام خلافت سفاح، به منصور چنان که باید، حرمت نمی‌نهاد؛ پس طبیعی است کسی را که از او می‌ترسد و از علاقه و احترام مردم بدو آگاه است، آسوده نگذارد و تحمل نکند؛ ولی به ظاهر از رحلت آن امام بزرگوار دریغ می‌خورد.

کلینی به اسناد خود از ابو ایوب روایت کند: نیم شبی منصور مرا خواست. چون بر او در آمد، بر کرسی نشسته بود و شمع پی پیش روی داشت و نامه‌ای می‌خواند و می‌گریست. بر او سلام کردم. نامه را به سوی من انداخت و گفت: از محمد بن سلیمان است. از مرگ جعفر بن محمد خبر می‌دهد و سه بار «انالله و انالیه راجعون» را بر زبان آورد و گفت: کجا مانند جعفر یافت می‌شود؟ سپس گفت: بنویس! در بالای نامه نوشتیم: «اگر شخص معینی را وصی قرار داده، گردن او را برزن.»

چون پاسخ نامه رسید، معلوم شد پنج تن را وصی خود کرده است: منصور، محمد بن سلیمان، عبدالله، موسی و حمیده. و در روایت دیگری به جای محمد بن سلیمان، محمد بن جعفر است و به جای حمیده، مولایی از موالی ابوعبدالله. منصور گفت: اینان را نمی‌توان کشت!

یعقوبی از اسماعیل بن علی بن عبدالله بن عباس روایت کند: بر منصور در آمد، دیدم ریش او از اشک چشمش نمناک است. سبب پرسیدم، گفت: نمی‌دانی به خاندان تو چه رسیده است. سید و عالم و باقی مانده گزیدگان آنان درگذشت. جعفر از آنان بود که خدا در باره‌شان گفته است: «ثم اورثنا الكتاب الذین اصطفینا من عبادنا»؛ او از کسانی بود که خدایش گزید و از سابقان در خیرات بود.

ابن فضال روایت کند: نزد ام‌حمیده رفتم تا او را به رحلت امام تعزیت دهم. گریست و من از گریه او به گریه در آمد. پس گفت: اگر ابوعبدالله را هنگام مرگ می‌دید، چیزی شگفت مشاهدت می‌کردی. چشم خود را گشود و گفت: هر کس را با من خویشاوندی دارد، گرد آویزد. همه را گرد آوردم. بدان ها نگریست و گفت: شفاعت ما به کسی نمی‌رسد که نماز را سبک بداند.

کلینی از امام موسی بن جعفر(ع) روایت می‌کند: من پدرم را در دو جامه شططوی کفن کردم که آن دو، جامه احرام او بود و در جامه‌ای از جامه‌هایش و عامه‌ای که از علی بن‌الحسین بود.

صبا بگو به فاطمه

شرح غم زمانه ام

ژولیده نیشابوری

صبا بگو به فاطمه شرح غم زمانه ام
که خون ز جور دشمنان شد دل غمگانه ام
چنان که درب خانه‌ات سوخت در آتش ستم
آتش کینه شعله ور گشته به درب خانه ام
به جرم آنکه در جهان نور دو دیده توأم
چشم به راه یورش خصم دنی شبانه ام
این ربیع خیره سر پیاده و برهنه سر
نیمه شب برون کشت ز خانه جابرانه ام
به مسلخ حکومتی می بردم کنشان کنشان
کندی اگر کنم زند ز کینه تازیا نه ام
منصور تا که بیندم تیغ کشد به روی من
شرم و حیا نمی کند ز خالق یگانه ام
گهی به من تعارف شراب می کند گهی
به احترام می کشد دست به روی شانه ام
شاهد درد من بود رنگ ز رخ پریده ام
گواه سوز دل بود سرشک دانه دانه ام



داغ صادق

سید رضا مؤید

داغ صادق شرر سینه ام افروخته کرد
جگری سوخته یاد از جگر سوخته کرد
جگری سوخته کز داغ بر افروخته بود
باز هم از اثر زهر جفا سوخته بود
بر جگر آنکه ولایت به موالی همه داشت
محنت کشتن اولاد بنی فاطمه داشت
آن امامی که لوای شرف افراخته بود
زهر منصور به جانش شرر انداخته بود
آه از آرزو که بگرفت ز طاغوت زمان
آتش از چار طرف خانه او را به میان
ونسدر خرمن آتش ولی رب جلیل
راه می رفته و می گفت منم پور خلیل
شعله را چون به در خانه تماشا می کرد
یاد آتش زدن خانه زهرا می کرد
آن که هم ظاهر رو هم باطن ما می داند
بادلش زهر چه کرده است خدامی داند
روح دین بود ولی بی‌توبی تابش کردند
شمع کانون وفا بود که آتش مردند
چارمین قبله عشق است به دامان بقیع
رونق دیگر از او یافت گلستان بقیع



غصه و غم

محمد موحدیان (امید)

بسته بر شادی و عشرت غصه و غم راه را
عقده از غم بر رخ دل بسته راه آه را
بر دلم داغی گران باشد که جانم سوخته
مانم آیا با که گویم این غم جانکاه را؟
شدرئیس مذهب ما ز جفا خونین جگر
این مصیبت کرده دلخون مردم آگاه را
آن که با خون جگر بر شیعیان هموار کرد
در خط سرخ ولایت تا قیامت راه را
زهر کین نوشید اما با عدو سازش نکرد
کرد تا رسوای عالم دشمن بدخواه را

اخلاق و علل و انگیزه‌های فساد آن، اطلاعات بسیار ارزنده‌ای داشت.»

تعداد روایاتی که از امام حدیث نقل کرده‌اند بسیار زیاد است، اسامی آنان را در تهذیب الکمال امام مزنی و سایر کتب رجالی چون تهذیب التهذیب می‌توان یافت. در میان آنان بسیاری از شخصیت‌های مهم اهل سنت قرار دارند.

ذهبی در سیر اعلام النبلاء نام روایاتی که از امام صادق(ع) نقل کرده‌اند، آورده است. این در حالی است که بسیاری از محدثان جرأت نقل حدیث از امام را در عهد بنی امیه نداشتند. دربارهٔ مالک بن انس آمده که: از امام صادق روایت نکرد تا آنکه بنی العباس به حکومت رسیدند.

حیات فکری و سیاسی امام صادق(ع)

امام صادق(ع) خود در این رابطه می‌فرماید: «جز زراره و ابوبصیر لیث المرادی و محمد بن مسلم و برید بن معاویه العجلی، کنسی ولایت ما و احادیث پدرم را زنده نکرد. اگر اینها نبودند، کسی از ما و احادیث ما اطلاعی پیدا نمی‌کرد. اینها حافظان دین و اشخاص مورد اعتماد پدرم بر حلال و حرام خدا هستند همان گونه که در دنیا بطرف ما پیشی گرفتند در آخرت نیز بسوی ما سبقت خواهند جست.»

باز آن حضرت فرمودند: «خدا زرارۀ بن اعین را پیام‌رزد اگر زرارۀ و امثال او نبودند احادیث پدرم از میان می‌رفت.»

در میان این افراد کسانی بودند که امام صادق(ع) آنها را به عنوان مرجع برای شیعیان خود معرفی می‌فرمود، بطوریکه در جواب یکی از شیعیان خود که از آن حضرت می‌پرسد: هنگامیکه سئوالی برای ما پیش می‌آید به چه کسی مراجعه کنیم، می‌فرماید: به سراغ اسدی برو و منظورشان از اسدی ابوبصیر بود.

و در مورد دیگری می‌فرماید: «چرا به محمد بن مسلم ثقفی مراجعه نمی‌کنید که او پیش پدرم وجیه و محترم بود و از آن حضرت حدیث شنیده است.» در برابر اینها کسانی نیز بودند که به نوعی مذبذب بین زیدی‌ها و مذهب جعفری بودند. یک روز وقتی امام صادق(ع) از عبدالملک بن عمر و در رابطه با عدم حضور او در صفوف جنگ سئوال می‌کند، او ضمن جواب به امام می‌گوید: «ازبیده گویند: میان ما و امام صادق(ع) اختلافی نیست جز اینکه او اعتقاد به جهاد ندارد.» امام پس از آنکه این اتهام را از خود دفع کرد فرمود: «آری، قسم به خدا من به جهاد در راه خدا اعتقاد دارم، ولی نمی‌خواهم به خاطر جهل آنها از علم خود دست بردارم.»

سید حمیری یکی از شعرای معروف دچار انحراف دیگری که بنی عباس آن را پیش پای شیعه گذاشته بودند، شده بود. او به مذهب کسایی که ساخته دست بنی العباس بود تمایل داشت، اما بعداً خدمت امام صادق(ع) آمد و تغییر عقیده داد و در صفوف شیعیان خالص آن حضرت قرار گرفت. او خود در شعری که حاکی از بازگشت و پیوستن او به امام صادق(ع) است، چنین می‌گوید:

تجعفرت باسم الله و الله أكبر

و أيقنت أن الله يغفر
ترجمه: به نام خدا که خدائی است بزرگ و توانا به سوی جعفر بن محمد(ص) بازگشتم و اطمینان دارم که خدا از گناه من درمی‌گذرد و آن را می‌بخشد.

نکته جالب توجهی که در رابطه با تشنت اجتماع شیعه و یا به تعبیر دیگر پیدایش تفرقه در میان آنها وجود دارد اینکه پاره‌ای از علمای ذریه که در خدمت مهدی عباسی بودند، به این اختلافات دامن زده و در بزرگ نشان دادن آن، تلاش بس زیادی از خود نشان می‌دادند. در این رابطه، کشتی از شخصی به نام ابن مفضل نام می‌برد که او کتابی در فرق نوشته و نام هر یک از اصحاب امام صادق(ع) را به عنوان سر رشته‌دار یک فرقه شیعی ذکر کرده است.

در پایان این قسمت لازم است اشاره شود که شیعیان امام اغلب در عراق، آن هم در کوفه بودند. سایر مراکز یا شیعه نداشت یا کمتر داشت، گرچه از خراسان نیز کسانی نزد امام صادق(ع) آمده، از او احکام فقهی سئوال می‌کردند. حص بن غیاث برای نقل حدیث به بصره رفت؛ از او خواستند تا از تنی چند حدیث روایت نکند که از جمله آنها جعفر بن محمد بود. این به دلیل روحیه عثمانی مردم بصره است که مبدأ آن جنگ جمل بود. حص به آنها گفت: «اگر این سخن را در کوفه بگویند، شما را با کشف خواهند زد!»

«همراه با مقداری تلخیص»



رسول جعفریان

بن محمد پیدا کرده و سیل جمعیت بطرف او سرازیر شده است، تو یک سری مسائل مشکلی آماده کرده و حل آنها را از جعفر بخواه و چون او نخواهد توانست جواب مسائل تو را بدهد، از چشم مردم خواهد افتاد

شریک در این مورد می‌گوید: جعفر بن محمد مردی صالح و با تقواست، اما افراد جاهلی با او رفت و آمد دارند که در بیرون، احادیث جعلی از وی نقل می‌کنند. آنها به منظور اندوختن مال و اخاذی از مردم، هر منکری را بر آن حضرت نسبت می‌دهند؛ از آن جمله بیان بن سميعان یکی از غلات معروف است که ادعا دارد شناخت امام، از نماز و روزه و کلیه واجبات و فرائض شرعی کفایت می‌کند. شریک در پایان سخانش می‌گوید:

حیات فکری و سیاسی امام صادق(ع)



و من چهل مساله بسیار پیچیده و مشکل آماده کردم. آنگاه امام صادق(ع) و ابوحنیفه در حیره و در حضور منصور با هم ملاقات می‌کنند. ابوحنیفه لحظه ورود خود به مجلس منصور را چنین توصیف می‌کند: هنگامی که وارد مجلس شدم جعفر بن محمد را دیدم که هیبت و عظمت شخصیت وی حتی خود منصور را تحت الشعاع قرار داده بود، سلام کرده و در جای خود قرار گرفتم. آنگاه منصور خطاب به من چنین گفت: مسائل خود را بر ابوعبدالله عرضه کن و من مسائلی را که با خود آورده بودم یکی پس از دیگری از آن حضرت می‌پرسیدم و او در پاسخ می‌فرمود: در مورد این مساله عقیده شما چنین است و اهل مدینه چنین می‌گویند و ما چنین می‌گوییم. نظر آن حضرت در پاره‌ای از مسائل طرح شده با نظر ما و در پاره‌ای دیگر با نظر اهل مدینه موافق و در مواردی با نظر هر دو مخالف بود، بدین ترتیب چهل مساله به آن حضرت عرضه و جواب آنها دریافت شد.

پس از پایان این مناظره، ابوحنیفه بی‌اختیار آخرین سخن خود را با اشاره به امام صادق(ع) چنین ادا کرد: «ان اعلم الناس اعلمهم باختلاف الناس. دانشمندترین مردم کسی است که به آرا و نظریات مختلف علماء در مسائل، احاطه داشته باشد.»

طبیعی بود که امام نیز چون جد بزرگوارش امیرالمومنین(ع) فریاد بزند: «اسلونی قبل ان تفقدونی فانه لا یحذلکم احد بعدی بمثل حدیثی.

قبل از آنکه مرا نباید برسید و بعد از من کسی نیست که چون من برای شما حدیث بگوید.»

از امام صادق(ع) نه تنها در رابطه با فقه بلکه در زمینه تفسیر، علم کلام و اخلاقیات ذی قیمتی به دست ما رسیده است. با مراجعه به کتاب کافی، بخش اصول، عمق و وسعت نظر امام پیرامون مسائل عقلی اسلام تا حدودی آشکار می‌شود. تفسیر البرهان و تفسیر صافی و نورالثقلین نیز حاوی مقدار زیادی از احادیث آن حضرت می‌باشد.

ابوزهره عالم سنی در این زمینه می‌نویسد: دانش آن حضرت منحصر به حدیث و فقه اسلامی نبود بلکه علم کلام نیز تدریس می‌فرمود.

تفصیل نظریات کلامی امام را در اینجا نمی‌توان بیان داشت اما جمله معروف امام در مسأله جبر و تفویض که فرمود: لا جبر ولا تفویض بل اقرین الامرین.

زیباترین و جامعترین و دقیقترین تعبیری است که در این مسأله ابراز شده است.

ابوزهره در جای دیگر از کتابش در مورد امام صادق(ع) می‌گوید:

بالأثر از همه این علوم، امام صادق(ع) در زمینه

ساحت جعفر از کلیه این اکاذیب پاک و مبرا است، ولی وقتی مردم آنها را می‌شنوند، موقعیت امام در نظر آنان ضعیف می‌شود. از این موارد که بگذریم، امام در عصر خود بویژه از نظر طبقه روحانی و دانشمند جامعه، از عظمت حیرت‌انگیزی برخوردار بود. ابوزهره در این زمینه می‌نویسد: «علمای اسلام با تمام اختلاف نظرها و تعدد مشربهایشان در فردی غیر از امام صادق(ع) و علم او اتفاق نظر ندارند.»

و شهرستانی نویسنده کتاب مشهور «ملل و نحل» درباره شخصیت علمی و اخلاقی امام می‌نویسد: «او در امور و مسائل دینی از دانش بی‌پایان و در حکمت از نظری بسیار عالی و نسبت به امور دنیا و زرق و برق‌های آن از زهدی نیرومند برخوردار بوده و از شهوت‌های نفسانی دوری می‌گزید.»

ابوحنیفه علاوه بر اینکه از امام باقر(ع) بهره‌ها برده از امام صادق(ع) نیز حدیث نقل می‌کند، چنان که روایات او از امام صادق(ع) در کتاب «الانار» زیاد دیده می‌شود. او خود درباره امام صادق(ع) می‌گفت: «ما رایت افقه من جعفر بن محمد، و انه اعلم الامة؛ من هرگز فقیه‌تر از جعفر بن محمد ندیده‌ام، و او مسلماً اعلم امت اسلامی است.»

«او یکی از ائمه دوازده‌گانه امامیه و از بزرگان اهل بیت رسول خدا(ص) بود به جهت صدق سخنانش به لقب صادق شهرت یافته است و فضل او مشهورتر از آن است که احتیاج به توضیحی داشته باشد.» و شیخ مفید(ره) درباره او می‌گوید: «به‌اندازه‌ای که علماء اسلام از آن حضرت حدیث نقل کرده‌اند، از دیگر افراد خاندان وی، روایت نقل نشده است.»

منصور عباسی که همواره درگیر مبارزه با علویین بود، می‌کوشید تا شخصیت فقهی امام صادق(ع) را با مطرح کردن برخی از فقها که رنگ جلوه دهد. او به مالک می‌گفت: به خدا تو عاقلترین مردم هستی... و اگر عمر من باقی بماند، فتاوا و اقوال تو را «همانند مصحف نوشته، به تمام آفاق می‌فرستم و مردم را مجبور به پذیرش آن می‌کنم.» این حرکت منصور ناشی از علاقه وی به مالک نبود، بلکه می‌خواست با سبیل کردن مالک، آتش کینه و حسد خود نسبت به امام صادق(ع) را فرونشاند.

منصور به منظور ایراد خدشه به شخصیت علمی و فقهی امام، به هر وسیله‌ای توسل می‌جست، چنان که ابوحنیفه را واداشت تا رودرو امام ایستاده، با وی به بحث پردازد، تا در صورت پیروزی ابوحنیفه، امام را در صحنه علم و دانش اسلامی بیرون راند. ابوحنیفه خود جریان این داستان را چنین نقل کرده است:

منصور به من گفت: مردم توجه عجیبی به جعفر

«ابوعمر و جاحظ: جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الَّذِي مَلَأَ الدُّنْيَا عِلْمُهُ وَفَقْهُهُ» (رسائل جاحظ، ص ۱۰۶)

تکیه اصلی شیعه از نظر فکری و عقیدتی بر امام صادق(ع) بوده و بخش بزرگی از احادیث و علوم اهل بیت توسط این امام اشاعه یافته است. امام صادق حدفاصل فرقه‌هایی قرار گرفته که در شیعه به وجود آمده و وظیفه مهم حفظ و صیانت شیعه از انحرافات را در رأس برنامه خود قرار داده و آن را از تأثیرپذیری در مقابل انحرافات موجود عصر خود که خلوص فکری و عقیدتی و استقلال مکتبی آن را به طور مداوم، مورد تهدید قرار می‌داد، بازداشته است. روایاتی که در باب امامت جعفر بن محمد(ص) نقل شده، در بسیاری از جوامع روایی و کتاب‌های تاریخی شیعه، از جمله کافی (کتاب الحجّه)، کشف الغمّه فی معرفه الائمه اثبات الوصیه و ارشاد مفید و اثبه الهداه وارد شده است.

شخصیت اخلاقی و فقهی امام

پیرامون شخصیت علمی امام صادق(ع) شواهد فراوانی وجود دارد. از نظر شیعه نصب ایشان به مقام امامت از جانب خدا مطرح است، که نتیجه مستقیم این طرز تلقی آن است که آن حضرت دارای علم خاص امامت باشد. حضرت در میان اهل سنت از نظر روایت حدیث و فقهات و افتاء از موقعیت شامخی برخوردارند، به طوری که او را از شیوخ مسلم ابوحنیفه و مالک بن انس و عدهٔ کثیری از بزرگان محدثین خود بشمار آورده‌اند. مالک بن انس از جمله کسانی است که مدتی در محضر امام صادق(ع) تلمذ کرده و درباره شخصیت آن حضرت چنین می‌گوید:

« مدتی خدمت جعفر بن محمد مشرف می‌شدم آن حضرت اهل مزاح بود و تبسم ملایمی همواره بر لبهایش نقش می‌یست. هنگامی که در محضر او نامی از رسول خدا (ص) برده می‌شد، رنگش به سبزی و سپس به زردی می‌گرایید. در مدتی که به خانه آن حضرت رفت و آمد داشتیم او را خارج از سه حال ندیدم، یا نماز می‌خواند و یا روزه بود و یا به قرائت قرآن مشغول بود و هرگز بدون وضوء از حضرت رسول (ص) نقل حدیث نمی‌فرمود، و سخنی که به درد نمی‌خورد بر زبان نمی‌راند. ایشان از آن دسته از علمای زاهدی بود که ترس از خدا سرتاسر وجودش را فرا گرفته بود. هرگز به خدمت او شرفیاب نشدم جز اینکه زیرانداز خود را برای من می‌گذاشت. »

از عمرو بن المقدام نقل شده که گفت:

«كنت إذا نظرت إلى جعفر بن محمد علمت انه من سلاله النبیین؛ هنگامی که جعفر بن محمد(ع) را می‌دیدم می‌فهمیدم که او از نسل و بقایای پیامبران است. »

جاحظ از علمای مشهور قرن سوم دربارهٔ آن امام چنین می‌گوید:

«جعفر بن محمد الذی ملأ الدنيا علمه و فقهه و یقال ان أبا حنیفه من تلامذته و كذلك سفیان الثوری و حسیب بهما فی هذا الباب؛ جعفر بن محمد کسی بود که علم و فقهش عالم را فرا گرفته و گفته می‌شود که ابوحنیفه از شاگردان او بود و همچنین سفیان ثوری و تلمذ این دو از آن حضرت در عظمت علمی او کافی است.»

ابن حجر هیثمی نیز در مقام تمجید از شخصیت علمی امام اشاره به این نکته دارد که افرادی چون یحیی بن سعید، ابن جریج، مالک، سفیان ثوری، ابوحنیفه و شعبه و ایوب سجستانی از آن حضرت نقل روایت نموده‌اند. پیرامون شخصیت امام صادق(ع) عبارات زیادی از علماء و اندیشمندان نقل شده که استاد اسد حیدر قسمت معظمی از آنها را در کتاب ارزشمند خود الامام الصادق و المذاهب الاربعه گرد آورده و در اینجا نیازی به آوردن آنها نیست. کثرت دانش‌اندوزانی که در محفل درس امام، حاضر می‌شدند و یا از آن حضرت حدیث نقل می‌کردند، نشان دهنده عظمت شخصیت علمی ایشان است. حسن بن علی الوشاء می‌گفت: در مسجد کوفه نهصد نفر را دیده‌ام که حدیثی جعفر بن محمد می‌گفتند و کسانی را که از آن حضرت تلمذ کرده و حدیث شنیده‌اند، در حدود چهار هزار نفر ذکر کرده‌اند.

سفیان ثوری - که در منابع اهل سنت به زهد و علم شهرت دارد - همراه نصیر بن کثیر نزد امام صادق(ع) زانوی ادب زده و از آن حضرت بهره علمی و اخلاقی برده است. نصیر با سفیان در وقت حج نزد امام آمد و گفت: من می‌خواهم به حج بروم چیزی به من تعلیم ده تا به وسیله آن نجات پیدا کنم. امام نیز دعائی به آنها تعلیم می‌فرمود. در موارد دیگری نیز عاجزانه از امام می‌خواست تا برای او حدیثی نقل کند.

در این میان کسانی نیز بودند که با نقل احادیث کاذبی از امام صادق(ع) قصد تضعیف او را داشتند.



سخن می گفت یا در جریانی فتوایی می داد، آن را می نوشتند.» شیخ بهایی علیه الرحمه در کتاب «مشرق الشمسین» فرموده: «از مشایخ ما نقل شده که شیوه اصحاب اصول آن بود که چون از یکی از امامان علیهم السلام حدیثی می شنیدند، سریعا می نوشتند تا آن حدیث یا مقداری از آن از یادشان نرود. محقق داماد نیز این سخن را در راسحه بیست و نهم از رواشخ خود نقل کرده است. (نقل از الذریعه، ج ۲، ص ۱۲۵-۱۲۶)

مرحوم محقق حلی، صاحب شرایع در کتاب معتبر «مقدمه معتبر» فرموده: از جوابها و فرمایشات امام صادق علیه السلام چهار صد کتاب نوشته شد که آنها را «اصول» نامیدند. علامه کبیر شیخ آقا بزرگ در کتاب الذریعه (ج ۲، ص ۱۲۹) از اعلام الوری تألیف مرحوم طبرسی نقل کرده: «از امام صادق (ع) چهار هزار نفر از مشاهیر اهل علم، حدیث نقل کرده اند و از جوابهایی که در مسایل اسلامی داده، چهار صد کتاب که آنها را «اصول» نامند تألیف شد. آن اصول را اصحاب آن حضرت و اصحاب پسرش امام کاظم (ع) روایت کرده اند.»

شهید اول در کتاب ذکری فرموده: «از جوابهای امام صادق (ع) چهار صد نفر کتاب نوشتند و از رجال معروف که از آن حضرت حدیث نقل کرده اند، چهار هزار نفر تعداد شده است و محقق داماد در راسحه فوق فرموده: «المشهور ان الاصول اربع مائة مصنف لأربعة مائة مصنف من رجال ابی عبدالله الصادق (علیه السلام)، بل وفی مجالس السماع و الروایة عنه و رجاله زهاء اربعة الاف رجل و کتبهم و مصنفاتهم کثیرة الا أن ما استقر الامر علی اعتبارها و التعلیل علیها و تسميتها بالاصول، هذه الأربعة مائة.» (الذریعه، ج ۲، ص ۱۲۹)

این بود نمونه ای از تدوین حدیث که به دستور امام صادق (ع) توسط شاگردانش انجام گردید. ناگفته نماند، بعدها کتابهای: کافی، فقیه، تهذیب، استبصار و غیره از آن اصول و غیر آنها تألیف گردیدند. در الذریعه فرموده: این اصول همه اش موجود است، بعضی از آنها اصلی است و بقیه به روایتها به همان صورت بدون حذف و اضافه در مجامع آمده است، پس از آن که کتابهای بزرگ به طور مبوب (باب) تألیف شد، رغبت به اصول کم گردید؛ چون آنها به ترتیب ابواب فقه نبودند، بدین علت مقداری از آنها از بین رفت. (الذریعه، ج ۲، ص ۱۳۴)

نگارنده بعد از تفحص زیاد، ۱۰۰ نفر از صاحبان آن اصول را از فهرست مرحوم شیخ طوسی و رجال نجاشی و الذریعه پیدا کرده ام که آنها را در ذیل می آورم. بسا ذکر محل آن، که خواننده بتواند رجوع کند. مثلا مرحوم شیخ طوسی نام یک نفر راوی را می آورد و می گوید: او از نویسندگان یکی از اصول است و یا مرحوم نجاشی نام راوی را ذکر می کند و مثلاً می گوید: «آدم بن المتوکل له اصل رواه عنه جماعة».

اینها ۹۵ اصل اند که با سه اصل حریز و سه اصل حفص بن عبدالله جمعا صد و یک اصل می شوند و می توان هر یک از آنها را در محل هایی که نشان داده ایم، پیدا کرد. برای تکمیل مطلب باید بدانیم که شاگردان آن حضرت، تنها اصول چهار صدگانه را نوشتند، بلکه آنها کتابهای دیگری نیز نوشتند؛ مثلا:

۱- ابان بن تغلب غیر از اصلی که گفته شد، کتاب معانی القرآن، کتاب القرائت و کتاب الشیعه را نوشت. (فهرست ابن ندیم ص ۳۰۸)

۲- ابو حمزه ثمالی متوفای ۱۵۰ از اصحاب امام باقر و امام صادق (ع) که کتاب تفسیر القرآن و کتاب نوادر را نوشته است. (رجال نجاشی)

۳- اسماعیل بن ابی خالد که کتاب «قضاء» را نوشت. (فهرست شیخ)

۴- مفضل بن عمر کوفی که چند تا کتاب نوشته از جمله کتاب «ما افترض الله علی الجوارح». (رجال نجاشی)

۵- هشام بن الحکم از اصحاب امام صادق (ع) که ابن ندیم در فهرست خود ص ۲۴۹-۲۵۰ برای او بیست و پنج کتاب نقل کرده است.

۶- ابو جعفر احول (مؤمن الطالق) از اصحاب امام صادق (ع) است که کتاب ائمه، کتاب معرفت، کتاب رد بر معتزله، کتابی در امر طلحه و زبیر نوشته است.

اینها که گفته شد برای نمونه بود و اگر کسی به رجال نجاشی و فهرست شیخ و الذریعه طهرانی و فهرست ابن ندیم مراجعه کند، واقعا به حیرت خواهد افتاد.

و ابو داود و نسایی از او حدیث نقل کرده است، ابراهیم بن علی الحسن مدنی از راویان ابن ماجه، ابراهیم بن محمد ابی یحیی از راویان شافعی، بسام بن عبدالله که نسایی از آن حدیث نقل کرده است، تلید بن سلیمان که احمد بن حنبل و ترمذی از او نقل حدیث کرده اند، جراح بن ملیح کوفی که بخاری و مسلم از او حدیث نقل کرده اند، حبیب بن نتمان که ابو داود و ابن ماجه از او نقل حدیث کرده اند، حسن بن عیاش که مسلم و ترمذی و نسایی از او نقل حدیث کرده اند، حارث بن عمران جعفری که از روات بخاری و غیر آن است، حمید بن قیس از رجال صحاح ششگانه، حماد بن عیسی که ابن ماجه از او نقل حدیث کرده است، حارث بن عمران اسدی از رجال ابن ماجه، داود بن زهرقان از روات ترمذی و



سید علی اکبر قریشی



ابن ماجه، ربیع بن حبیب از رجال ابن ماجه، رحیل بن معاویه از رجال ابی داود و ترمذی، رکن بن ربیع از رجال بخاری و مسلم، زکریا بن اسحاق از رجال صحاح سته، زیاد بن سعد خراسانی از رجال صحاح سته، زید بن الحسن القرشی از رجال ترمذی، سعید بن سالم از رجال ابی داود و نسایی، سعید بن عبد الجبار از روات ابن ماجه قزوینی، سعید بن عبد الرحمن از رجال مسلم و ابو داود و غیره، سلمه بن کهیل از رجال صحاح سته، سلیمان بن مهران اعمش از رجال صحاح سته، سلیمان بن بلال تیمی از رجال صحاح سته، سفیان ثوری از رجال صحاح سته، سنان بن هارون از رجال ترمذی، سعید بن ابی خنیتم از رجال ترمذی و نسایی، سعید بن حسان از رجال مسلم و ابن ماجه و غیره، سعید بن سالم از رجال ابو داود و نسایی، سعید بن مسلمه از رجال ترمذی و ابن ماجه، سالم بن عبد الواحد از رجال ترمذی، شعبه بن الحجاج از رجال صحاح سته، شعب بن خالد از رجال ابو داود، ضحاک بن مخلد از رجال صحاح سته، طلحه بن زید قرش از رجال ابن ماجه، عاصم بن حمید از رجال ابو نعیم الطحان، عاصم بن سلیمان از رجال صحاح سته و عثمان بن فرقد از رجال بخاری و ترمذی.

این چهار نفر به عنوان نمونه از رجال شیخ نقل گردید و اینکه اهل سنت نیز از آنها نقل حدیث کرده اند از «الامام الصادق و المذاهب الاربعه» تألیف اسد حیدر، ج ۲، ص ۴۰۰ به بعد نقل شده است و نام همه آن (۳۲۰۴) نفر را می توانید در رجال شیخ بساب اصحاب ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق (ع) ملاحظه فرمایید.

تدوین حدیث

اصحاب امام صادق (ع) از فرموده های آن حضرت، چهار صد کتاب به نام «چهار صد اصل» نوشتند که بعدها کتب اربعه و غیره از آنها و امثال آنها تألیف گردید. ناگفته نماند اصحاب ائمه علیهم السلام به امر امامان مطالبی را که از آنها می شنیدند، می نوشتند.

سیدین طاووس در «منهج الدعوات» نقل کرده: «جماعتی از اصحاب امام کاظم (ع) و اهل بیتش در مجلس آن حضرت حاضر می شدند و وسایل نوشتن حاضر می کردند و چون آن حضرت

عن الصادق علیه السلام» یعنی نامه های آنان که از امام صادق علیه السلام حدیث روایت کرده اند و در آن کتاب نام چهار هزار نفر را نقل کرده که همه از آن حضرت حدیث نقل کرده اند، متأسفانه این کتاب مانند کتاب های دیگر از بین رفته و فقط بزرگان از آن یاد کرده اند.

علامه حلی در قسم دوم رجال خود در باب چهارم فصل همزه در شرح حال ابن عقده گوید: «از جمله کتاب های او کتاب نامه های راویانی است که از امام صادق (ع) حدیث نقل کرده اند و در آن نام چهار هزار نفر را نقل کرده و هر حدیث را که از آن حضرت نقل کرده اند، آورده است.»

مرحوم سید محسن امین، صاحب اعیان الشیعه در کتاب «سیرالائمه» نقل کرده: حافظ بن عقده زیدی

نقش امام صادق (ع)

در تربیت محدثین و تدوین حدیث

۱- تشکیل جلسات درس که در مسجد رسول خدا تشکیل می شد و ورود به آن برای همه، اعم از شیعه و اهل سنت و غیر آنان آزاد بود.

۲- تشکیل مجالس خصوصی که اغلب در منزل آن حضرت انجام می گرفت و فقط اشخاص خاص در آن شرکت می کردند.

۳- تربیت شاگردان بحث و مبلغ، امثال هشام بن حکم و مؤمن طاق (ابو جعفر احول) و دیگران که همه جا تبلیغ می کردند و بدعت گزاران و مدعیان زعامت دینی از دستشان خواب راحت نداشتند.

شیخ مفید (ره) که از علمای شیعه و از ارکان فقه و کلام است، در کتاب «ارشاد» می نویسد: «مردم از شهرها به خدمت امام صادق (ع) می آمدند و کسب علم می کردند. شهرت آن حضرت به همه جا رسید. از هیچ یک از اهل بیت علیهم السلام مانند آن حضرت از علوم و آثار نقل نشده است.»

ارباب حدیث، نام راویان موثق را که از سوی حضرت نقل حدیث کرده اند، به چهار هزار نفر رسانده اند که همه با اختلاف آرا و نظرانی که داشتند، از آن حضرت نقل روایت کرده اند. عین عبارت ارشاد چنین است: «و نقل الناس عنه من العلوم ما سارت به الرکیان وانتشر ذکرة فی البلدان و لم ینقل عن احد من اهل بیته... ما نقل عنه... ولا نقلوا عنه کما نقلوا عن ابی عبدالله (علیه السلام) فان اصحاب الحدیث قد جمعوا اسماء الرواة عنه من التفات علی اختلافهم فی الاراء و المقالات فکانوا اربعه الاف رجل.»

ابوالعباس نجاشی در کتاب رجال خود در شرح حال حسن بن علی بن زیاد الوشاء، از احمد بن عیسی اشعری نقل کرده، گوید: «من در طلب علم حدیث به کوفه رفتم و در آنجا به خدمت حسن بن علی وشا رسیدم که از اصحاب امام رضا علیه السلام بود، و به او گفتم: کتاب علاء بن زرین و ابان بن عثمان احمر را به من بدهید تا از روی آنها نسخه برداری کنم. او آن دو کتاب را به من داد. گفتم: اجازه روایت نیز بدهید. فرمود: خدا تو را رحمت کند، چقدر عجله داری، ببر بنویس، سپس بیا برای من بخوان تا بشنوی؛ آنگاه اجازه روایت بدهم. گفتم: بر خودم از پیشامدهای زمان خاطر جمع نیستم. حالا کتابها را دادید، اجازه روایت نیز بدهید.

حسن بن وشا گفت: عجب! اگر من می دانستم که حدیث اینگونه مشتری و خواهان دارد، بیشتر از این جمع می کردم. من در این مسجد کوفه ۹۰۰ شیخ را درک کرده ام که همه می گفتند: جعفر بن محمد به من چنین حدیث کرد: «لو علمت ان هذا الحدیث یکون له هذا الطلب لاستکثرت منه فانی اردکت فی هذا المسجد تسع مائة شیخ کل یقول حدیثی جعفر بن محمد.»

این همان سخن است که مرحوم نجاشی در حالات حسن بن علی بن زیاد وثبا تحت شماره «۸۰» در رجال خود نقل کرده و واقعا انسان از این قضیه در حیرت می افتد که یک نفر ۹۰۰ راوی را در طول مدت در یک مسجد ببیند که همه می گفتند: «حدیثی جعفر بن محمد، علیه السلام» عالم معروف ابوالعباس احمد بن عقده متوفای ۳۳۳ هجری که زیدی مذهب بود و کتابی نوشته به نام «اسماء الرجال الذین رووا

اکتسون برای نمونه، چهل نفر از راویان آن حضرت را که علمای اهل سنت نیز از آنها حدیث نقل کرده اند، از رجال شیخ، از میان ۳۲۰۴ نفر نقل می کنیم و به منابع اهل سنت اشاره می نمایم: ابراهیم بن سعد بن عبد الرحمن از رجال و راویان صحاح ششگانه اهل سنت، ابراهیم بن زیاد بغدادی که مسلم



سپس این پرسش را در باره روزه ماه شعبان هم بیان کردم و حضرت همان پاسخ را داد.

ابن شبرمه و امام صادق (ع)

عبدالله بن شبرمه بن طفیل ضببی معروف به «ابن شبرمه» (۷۲-۱۴۴ ق) قاضی و فقیه نامدار کوفه، درباره امام صادق علیه السلام می‌گوید: «ما ذکرت حدیثا سمعته من جعفر بن محمد علیه السلام الا کادان یتصرع له قلبی سمعته یقول حدثنی ابی عن جدی عن رسول الله^۱؛ به یاد ندارم حدیثی را از جعفر بن محمد شنیده باشم، جز اینکه در عمق جانم تاثیر گذاشته باشد. از او شنیدم که در نقل حدیث می‌گفت که از پدرم و از جدم و از رسول خدا این روایت را نقل می‌کنم.

همو گفت: «واقسم بالله ما کذب علی ابیه و لا کذب ابوه علی جده و لا کذب جده علی رسول الله^۱؛ به خدا سوگند! نه جعفر بن محمد در نقل روایات از پدرش دروغ می‌گفت و نه پدرش بر جدش دروغ می‌گفت و نه او بر پیامبر. یعنی آنچه که در سلسله سند روایات جعفر بن محمد وجود دارد، جعلگی درست است.

ابن ابی لیلی و امام صادق (ع)

شیخ صدوق روایتی نقل می‌کند که محمد بن عبدالرحمان معروف به «ابن ابی لیلی» (۷۴-۱۴۸ ق) فقیه، محدث، مفتی و قاضی بنام کوفه نزد امام صادق علیه السلام رفت و از آن حضرت پرسش‌هایی نمود و پاسخ‌های خوبی شنید. سپس به امام خطاب کرد و عرض نمود:

«اشهد انکم حجج الله علی خلقه»^۲؛ شهادت می‌دهم که شما حجت‌های خداوندی بر بندگانش هستید.

عمرو بن عبید معتزلی و امام صادق (ع)

عمرو بن عبید معتزلی به نزد امام جعفر بن محمد علیه السلام مشرف شد، وقتی رسید این آیه را تلاوت نمود: «الذین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش»^۳ سپس ساکت شد. امام صادق علیه السلام فرمود: چرا ساکت شدی؟ گفت: خواستم که شما از قرآن گناهان کبیره را یکی پس از دیگری برای من بیان نمایید. حضرت شروع کرد و به ترتیب از گناه بزرگ‌تر یکی پس از دیگری را بیان نمود. از بس که امام خوب و عالی پاسخ عمرو بن عبید را داد که در پایان عمرو بن عبید بی‌اختیار گریست و فریاد زد: «هک من قال براءیه و نازعکم فی الفضل و العلوم»^۴؛ هر کس به رای خویش سخن بگوید و در فضل و علم با شما منازعه کند، هلاک می‌شود.

جاحظ و امام صادق (ع)

ابو بحر جاحظ بصری که از دانشوران مشهور قرن سوم بود، درباره امام صادق علیه السلام بیان داشت: «جعفر بن محمد الذی ملا الدنيا علمه و فقهه و یقال ان اباحنیفه من تلامذته و کذلک سفیان الثوری و حسبک بهما فی هذا الباب»^۵؛ جعفر بن محمد کسی بود که علم و فقه آن حضرت جهان را پر کرده است و گفته می‌شود که ابوحنیفه و سفیان ثوری از شاگردان او بودند. همین در عظمت علمی آن حضرت کافی است.

عمر بن مقدم و امام صادق (ع)

عمر بن مقدم از علمای معاصر امام صادق علیه السلام درباره آن حضرت می‌گوید: «کنت اذا نظرت الی جعفر بن محمد علمت انه من سلاله النبیین و قد رأیته واقفا عند الجمره یقول سلونی، سلونی»^۶؛ هنگامی که جعفر بن محمد را می‌دیدم، می‌فهمیدم که او از نسل پیامبران است. خود دیدم که در جمره منا ایستاده بود و از مردم می‌خواست که از او بپرسند و از علم سرشار او بهره‌مند شوند

شهرستانی و امام صادق (ع)

ابوالفتح محمد بن ابی القاسم اشعری معروف به «شهرستانی» (۴۷۹-۵۴۷ ق) در کتاب گرانسنگ «الملی و النحل» درباره عظمت امام صادق علیه السلام می‌نویسد: «و هو ذو علم عزیز فی الدین و ادب کامل فی الحکمه و زهر بالغ فی الدنيا و ورع تام عن الشهوات»^۷؛ امام صادق علیه السلام در امور و مسایل دینی، از دانشی بی‌پایان و در حکمت، از ادبی کامل و نسبت به امور دنیا و زرق و برق‌های آن، از زهدی نیرومند برخوردار بود و از شهوت‌های نفسانی دوری می‌گزید.

ابن خلکان و امام صادق (ع)

ابن خلکان درباره امام صادق علیه السلام می‌نویسد: «احد الائمة الاثنی عشر علی مذهب الامامیه و کان من سادات اهل البیت و لقب بالصادق لصدق مقالته و فضله اشهر من ان یذکر»^۸؛ او یکی از امامان دوازده‌گانه امامیه و از بزرگان اهل بیت رسول خدا بود.

به جهت صدق در گفتارش به لقب صادق شهرت یافت و فضل او مشهورتر از آن است که نیازمند به توضیح داشته باشد. ابن خلکان همچنین می‌نویسد: امام صادق علیه السلام در صنعت کیمیا (شیمی) از مهارت خاصی بهره‌مند بود، ابوموسی جابر بن حیان طرطوسی، شاگرد ایشان بود. جابر کتابی شامل هزار ورق تالیف کرد که تعلیمات جعفر بن محمد را در برداشت و حاوی پانصد رساله بود.^۸

امام صادق (ع) از منظر دانشوران اهل تسنن

حسن عاشوری لنگرودی



مالک بن انس درباره زهد و عبادت و عرفان امام صادق (ع) می‌گوید: به همراه امام صادق علیه السلام به قصد مکه و برای انجام مناسک حج از مدینه خارج شدیم. به مسجد شجره که میقات مردم مدینه است، رسیدیم. لباس احرام پوشیدیم، در هنگام پوشیدن لباس احرام تلبیه‌گویی، یعنی گفتن: «لبیک اللهم لبیک» لازم است. دیگران طبق معمول این ذکر را بر زبان جاری می‌کردند. مالک می‌گوید: من متوجه امام صادق علیه السلام شدم، دیدم حال حضرت متغیر می‌شود. امام صادق می‌خواهد لبیک بگوید ولی رنگ رخساره‌اش متغیر می‌شود. هیچانی به امام دست می‌دهد و صدا در گلویش می‌شکند، و چنان کنترل اعصاب خویش را از دست می‌دهد که می‌خواهد بی‌اختیار از مرکب به زمین بیفتد.

مالک می‌گوید: من جلو آمدم و گفتم: ای فرزند پیامبر! چاره‌ای نیست این ذکر را باید گفت. هر طوری که شده باید این ذکر را بر زبان جاری ساخت. حضرت فرمود: «یا بن ابی عامر! کیف اجسر ان اقول لبیک اللهم لبیک و اخشی ان یقول عزوجل لا لبیک و لا سعیدیک»؛ ای پسر ابی‌عامر! چگونه جسارت بورزم و به خود جرات و اجازه بدهم که لبیک بگویم؟ لبیک گفتن به معنای این است که خداوند، تو مرا به آن چه می‌خوانی با سرعت تمام اجابت می‌کنم و همواره آماده انجام آن هستم. با چه اطمینانی با خدای خود این‌طور گستاخی کنم و خود را بنده آماده به خدمت معرفی کنم؟! اگر در جوابم گفته شود: «الا لبیک و لا سعیدیک» آن وقت چه کنم؟^۱

همو در سخنی دیگر درباره فضیلت و عظمت امام صادق علیه السلام می‌گوید: «ما رأت عین و لا سمعت اذن و لا خطر علی قلب بشر افضل من جعفر بن محمد»^۲؛ هیچ چشمی ندیده است و هیچ گوشی نشنیده است و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است، مردی که با فضیلت‌تر از جعفر بن محمد باشد.

درباره مالک بن انس نوشته‌اند: «او کان مالک بن انس یستمتع من جعفر بن محمد و كثيرا ما یذکر من سماعه عنه و ربما قال حدثنی الفقه یعنیه»؛ مالک بن انس از جعفر بن محمد سماع حدیث می‌نمود و بسیار آنچه را که از او سماع (گوش می‌کرد) می‌کرد، بیان می‌نمود و چه بسا می‌گفت: این حدیث را مرد ثقه به من حدیث کرده است که مرادش جعفر بن محمد بود.^۳

حسین بن یزید نوفلی می‌گوید: «سمعت مالک بن انس الفقیه یقول والله ما رات عینی افضل من جعفر بن محمد علیهم‌السلام زهدا و فضلا و عباده و ورعا. و کنت اقصده فیکرمنی و یقبل علی فقلت له یوما یا بن رسول الله ما ثواب من صام یوما من رجب ایمانا و احتسابا فقال(و کان والله اذا قال صدق) حدثنی ابیه عن جده قال رسول الله(ص) من صام یوما من رجب ایمانا و احتسابا غفر له. فقلت له یا بن رسول الله فی ثواب من صام یوما من شعبان فقال حدثنی ابی عن ابیه عن جده قال رسول الله(ص) من صام یوما من شعبان ایمانا و احتسابا غفر له»^۴؛ از مالک بن انس فقیه شنیدم که گفت: به خدا سوگند! چشمان من ندید فردی را که از جهت زهد، علم، فضیلت، عبادت و ورع برتر از جعفر بن محمد باشد.

من به نزد او می‌رفتم. او با روی باز مرا می‌پذیرفت و گرامی می‌داشت. روزی از او پرسیدم: ای پسر پیامبر! ثواب روزه ماه رجب چه میزان است؟ او در پاسخ روایتی از پیامبر نقل کرد. به خدا سوگند هرگاه چیزی از کسی نقل کند درست و راست نقل می‌کند.

او در پاسخ گفت: پدرم از پدرش و از جدش و از پیامبر نقل کرده است که ثواب روزه ماه رجب این است که گناهانش بخشیده می‌شود.

درباره عظمت امام صادق (ع) نه تنها توسط شیعیان به فراوانی سخن گفته شده است، بلکه در این باره جمع کثیری از دانشوران و بزرگان اهل تسنن و جماعت لب به سخن گشوده‌اند. پیشوایان مذاهب اهل سنت، عالمان نامدار اسلامی و صاحب نظران زیردست درباره برجستگی‌های علمی، عملی، اخلاقی، کرامت و عظمت آن امام هدایت بسیار سخن گفته‌اند. اینک در این نوشتار به بیان برخی از این اظهار نظرها و اعترافات می‌پردازیم.

ابوحنیفه و امام صادق (ع)

نعمان بن ثابت بن زوطی معروف به ابوحنیفه (۸۰-۱۵۰ ق)، پیشوای فرقه حنفی که از نظر زمانی معاصر با امام صادق علیه السلام بود، درباره عظمت ایشان اظهارات و اعترافات خوبی دارد که از جمله است: «اما رأیت افقه من جعفر بن محمد و انه اعلم الامة»؛ من فقیه‌تر و داناتر از جعفر بن محمد ندیده‌ام، او داناترین فرد این امت است.^۱

در زمان امام صادق (ع) منصور دوانیقی، خلیفه مقتدر عباسی، قدرت سیاسی را در اختیار داشت، او همواره از مجد و عظمت بنی‌علی و بنی‌فاطمه، به ویژه امام صادق رنج می‌برد و برای رهایی از این رنج گاهی ابوحنیفه را تحریک می‌کرد که در برابر امام صادق بایستد. منصور عباسی او را به عنوان یکی از مهم‌ترین دانشوران عصر تکریم می‌کرد تا شاید بتواند بر مجد و عظمت علمی امام جعفر بن محمد علیه السلام فاتق آید. در این رابطه خود ابوحنیفه نقل می‌کند: «روزی منصور دوانیقی کسی را نزد من فرستاد و گفت: ای ابوحنیفه! مردم شیفته جعفر بن محمد شده‌اند، او در بین مردم از پایگاه اجتماعی وسیعی بهره‌مند است، تو برای این که پایگاه جعفر بن محمد را خنثی کنی و در دید مردم از عظمت او به خصوص از عظمت علمی او بکاهی، چند مسأله پیچیده و غامض را آماده کن و در وقت مناسب از او بپرس تا بلکه با ناتوان شدن جعفر بن محمد از پاسخگویی، او را تحقیر نمایی و دیگر، مردم شیفته او نباشند و از او فاصله بگیرند. لذا من چهل مسأله مشکل را آماده کردم و در یکی از روزها که منصور در «حیره» بود و مرا طلبید، به حضورش رسیدم. همین که وارد شدم، دیدم جعفر بن محمد در سمت راستش نشسته است، وقتی چشمم به آن حضرت افتاد، آن چنان تحت تأثیر ابهت و عظمت او قرار گرفتم که از توصیف آن عاجزم.

با دیدن منصور خلیفه عباسی آن ابهت به من دست نداد، در حالی که منصور خلیفه است و خلیفه به جهت اینکه قدرت سیاسی در اختیارش است، باید ابهت داشته باشد. سلام گفتم و اجازه خواستم تا در کنارشان بنشینم. خلیفه با اشاره اجازه داد. آنگاه منصور عباسی به جعفر بن محمد نگاه کرد و گفت: ابو عبدالله! ایشان ابوحنیفه هستند. او پاسخ داد: بلی، او را می‌شناسم. سپس منصور به من نگاهی کرد و گفت: ابوحنیفه! اگر سوالی داری از ابوبعده، جعفر بن محمد بپرس و با او در میان بگذار. من گفتم: بسیار خوب. فرصت را غنیمت شمردم و چهل مسأله‌ای را که از پیش آماده کرده بودم، یکی پس از دیگری با آن حضرت در میان گذاشتم. بعد از بیان هر مسأله، امام صادق (ع) در پاسخ آن بیان می‌فرمود: عقیده شما در این باره چنین و چنان است، عقیده علمای مدینه در این مسأله این چنین است و عقیده ما هم این است. در برخی از مسائل آن حضرت با نظر ما موافق بود و در برخی هم با نظر علمای مدینه موافق بود و گاهی هم با هر دو نظر مخالفت می‌کرد و خودش نظر سومی را انتخاب می‌کرد و بیان می‌داشت.

من تمامی چهل سؤال مشکلی را که برگزیده بودم، یکی پس از دیگری با او در میان گذاشتم و جعفر بن محمد هم بدین گونه‌ای که بیان شد به جعلگی آنها، با متانت تمام و با تسلط خاص پاسخ گفت.

سپس ابوحنیفه بیان داشت: «ان اعلم الناس اعلمهم باختلاف الناس»؛ همانا دانشمندترین مردم کسی است که به آرا و نظریه‌های مختلف دانشوران در مسائل علمی احاطه و تسلط داشته باشد. و چون جعفر بن محمد این احاطه را دارد، بنابراین او داناترین فرد است.^۲

همو درباره عظمت علمی امام صادق (ع) بیان داشت: «لولا جعفر بن محمد ما علم الناس مناسک حجهم»^۳؛ اگر جعفر بن محمد نبود، مردم احکام و مناسک حجشان را نمی‌دانستند.

مالک بن انس و امام صادق (ع)

مالک بن انس (۹۷-۱۷۹ ه. ق) یکی از پیشوایان چهارگانه اهل سنت و جماعت و رئیس فرقه مالکی است که مدتی افتخار شاگردی امام صادق علیه السلام نصیب وی شد.^۱ او در باره عظمت و شخصیت علمی و اخلاقی امام صادق علیه السلام چنین می‌گوید: «او لقد کنت آتی جعفر بن محمد و کان کثیرالمزاح و التبس، فاذا ذکر عنده النبی(ص) اخضر و اصفر، و لقد اختلفت الیه زمانا و ما کنت اراه الا علی ثلاث خصال: اما مصلیا و اما صائما و اما یقرء القرآن. و ما رایته قط یحدث عن رسول الله(ص) الا علی الطهارة و لا یتکلم فی ما لا یعنیه و کان من العلماء الزهاد الذین یخشون الله و ما رأیته قط الا یرخرج الوساده من تحته و یجعلها تحتی»^۲. مدتی به حضور جعفر بن محمد می‌رسیدم. آن حضرت اهل مزاح بود. همواره تبسم ملایمی بر لب‌هایش نمایان بود.

هنگامی که در محضر آن حضرت نام مبارک رسول گرامی اسلام به میان می‌آمد، رنگ رخساره‌های جعفر بن محمد به سبزی و سپید به زردی می‌گرایید. در طول مدتی که به خاتمه آن حضرت آمد و شد داشتم، او را ندیدم جز این که در یکی از این سه خصلت و سه حالت به سر می‌برد: نماز خواندن، روزه‌داری، قرائت قرآن. ندیدم که جعفر بن محمد بدون وضو و طهارت از رسول خدا حدیثی نقل کند. ندیدم که آن حضرت سخنی بی‌فایده و گزاف بگوید. او از عالمان زاهدی بود که از خدا خوف داشت. ترس از خدا سراسر وجودش را فراگرفته بود. هرگز نشد که به محضرش شرفیاب شوم، جز اینکه زیراندازی که زیر پایش گسترده شده بود، از زیر پا برمی‌داشت و زیر پای من می‌گستراند.^۳

پی‌نوشت:
۱- شمس الدین ذهبی، سیر اعلام النبلا، ج ۲، ص ۲۳۵ و ۲۳۶، ج ۲ ص ۶، تاریخ‌الکبیر، ج ۲، ص ۱۹۹ و ۱۹۸،
۲- سیر اعلام النبلا، ج ۶، ص ۲۵۸؛ بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۸۳
۳- سیر اعلام النبلا، ج ۶، ص ۲۵۸؛ بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۷
۴- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۹، طبع قم، نشر اسلامی
۵- سیر اعلام النبلا، ج ۶، ص ۲۵۶
۶- ابن تیمیه، التوسل و الوسیله، ص ۵۲؛ جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۳۲۷
۷- شیخ صدوق، امالی، ص ۱۳۳، ج ۳
۸- شهید مطهری، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، ص ۱۲۹
۹- شرح الاخبار فی فضایل الائمة الاطهار، ج ۳، ص ۲۹۹، ج ۱۲۰۳
۱۰- امالی صدوق، ص ۳۳۵ و ۳۳۶، ج ۲
۱۱- همان، ص ۳۳۳، ج ۱۶
۱۲- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۸، ج ۵۹۹
۱۳- تنجیم، ص ۳۳
۱۴- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۸۷-۲۸۵
۱۵- رسائل جاحظ، ص ۱۰۶/ حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۳۳۸
۱۶- سیر اعلام النبلا، ج ۶، ص ۲۵۷
۱۷- المملی و النحل، ج ۱، ص ۳۲۷/ حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۳۳۰
۱۸- وفیات الاعیان، ج ۱، ص ۳۲۷/ سبیره پیشوا، ص ۳۵۳/ حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۳۳۰
۱۹- شرح الاخبار فی فضایل الائمة الاطهار، ج ۳، ص ۲۹۹

رابطه «شلختگی زمان» و انفعال دینی



رضا اسماعیلی

«لَا يَكْلِفُ اللَّهُ
نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»:

خداوند هیچکس
را جز به اندازه توانش
تکلیف نمی‌کند. (بقره، ۲۸۶)

پیامبر اکرم (ص) نیز می‌فرماید: «ای عثمان! خداوند متعال، مرا به رهبانیت (گوشه‌گیری از مردم و ترک دنیا) نفرستاده است؛ بلکه مرا به شریعت و دینی که مستقیم و سهل و آسان است، مبعوث کرده است».

(الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۴۹۴).

باعنایت به احادیث بالا، می‌توان نتیجه گرفت که: اسلام به ذات خود ندارد عیبی

هر عیب که هست، از مسلمانی ماست

ضرورت «مدیریت زمان»

با عنایت به آیات فوق، طولانی کردن مدت زمان برنامه‌های دینی به علت عدم مدیریت شایسته نیز می‌تواند یکی از مصداق‌های این «سختی» تلقی شود که علاوه بر ایجاد ملال و کاهش تأثیر معنوی این برنامه‌ها، در دراز مدت میان نسل امروز و دین فاصله ایجاد می‌کند. بدیهی است شرکت در این برنامه‌ها در حد معقول، امری پسندیده و دارای ثواب است. ولی وقتی یک مراسم عبادی آنقدر طولانی شود که زندگی عادی انسان را فلج کند، از نظر آموزه‌های دینی، شرکت در چنین مراسمی توصیه نمی‌شود. چرا که مراسم دینی نباید آنقدر طولانی شود که انسان را از کار و زندگی بیاندازد. از این منظر ضروری است که برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در مساجد، تکایا، حسینیه‌ها و هیأت‌ها متناسب با تحمل و توان جسمی، روحی و روانی و شرایط سنی مخاطبین صورت گیرد. بدون تردید ایجاد جذابیت و کوتاه بودن برنامه‌ها در افزایش استقبال مخاطبان تأثیرگذار خواهد بود. ضمن آن که در اسلام عبادت منحصر به نماز و روزه و انجام مناسک مذهبی نمی‌شود، و هر کاری که با خلوص نیت و برای رضای خدا انجام شود، حکم عبادت را دارد، بخصوص خدمت به بندگان خدا. چنان که سعدی گفته است:

طریقت به جز خدمت خلق نیست

به تسبیح و سجاده و دلق نیست

«شلختگی زمان»، آفت مراسم دینی

برای پیشگیری از تبعات «شلختگی زمان» که یکی از آفات مراسم دینی است، ضرورت مدیریت هوشمندانه زمان در برنامه‌های مذهبی برای بهره‌وری بیش تر توسط متولیان و گردانندگان این مجالس به شدت احساس می‌شود که امید است در آینده به این مهم بیش تر توجه شود.

حُسن ختام این نوشتار را به فرازی از بیانات عالم عامل، حجت الاسلام والمسلمین فاطمی نیا در همین خصوص اختصاص می‌دهم:

«... طول دادن بیش از حد مجالس احیاء را ملاحظه فرمایید. در تمام سال‌ها ما یک شب داریم که فضیلت آن واقعا از عقول ما خارج است. اما در مجالس آنقدر مراسم را طولانی می‌کنند که مردم خسته می‌شوند، وقتی رمق دعا کردن از مردم گرفته شد تازه می‌گویند قرآن‌ها را بیاورید. من قبلا در جاهای دیگر عرض کرده‌ام تأکید روایات بر این است که ما به نشاط نگاه کنیم. در حالی که در شب‌های قدر جلسه‌های احیاء را ۵ الی ۷ ساعت خواهیم داشت. دعای کمیل مان که باید بیست دقیقه طول بکشد معمولا دو ساعت و نیم، سه ساعت زمان می‌برد. این‌ها روز قیامت جواب دارد، اگر صاحب شریعت بگوید چرا لطافت و ظرافت شریعت ما را در ذهن مردم ثقیل جلوه دادید، چه جواب خواهیم داد؟! یک جوان می‌خواهد برود دعای کمیل یا مراسم احیاء، اما می‌داند که رفتنش با خودش است، برگشتش با کرام الکاتبین است! آخر شش ساعت هم احیاء می‌شود؟! آخر چه کسی گفته؟!»



افراط و تفریط در «سلوک دینی» مذموم است

مولی الموحدین، حضرت علی (ع) می‌فرماید: «اِقْتَصِدْ فِي مَعِيشَتِكَ وَ اِقْتَصِدْ فِي عِبَادَتِكَ»، در امور خود - چه معیشتی و چه عبادتی - هر دو در حد وسط و اعتدال باش. (سفینه، ج ۲، ص ۴۳۱)

حضرت لسان الغیب حافظ شیرازی نیز در همین خصوص گفته است:

دلا، دلالت خیرت کنم به راه نجات

مکن به فسق مباهات و زهد هم مفروش
از فحواي کلام امیر (ع) می‌توان نتیجه گرفت که هر گونه «افراط» و «تفریط» در اسلام مذموم است. چرا که نتیجه محتوم آن «دین‌گریزی» و میدان فراهم کردن برای رشد و قد کشیدن نخله‌های دینی غیر اصیلی همچون القاعده، طالبان، داعش و گروه‌های تکفیری است.

در زمان حضرت علی نیز فرقه خوارج که خود را مسلمان تر از امیر المومنین (ع) می‌دانستند، به خاطر دینداری جاهلانه که بر مبنای درک و برداشت صوری و سطحی از اسلام استوار بود و با حقیقت اسلام ناب محمدی فاصله‌ای از زمین تا آسمان داشت، فاجعه شهادت قرآن ناطق حضرت علی را رقم زدند.

در تاریخ پر فراز و نشیب انقلاب اسلامی نیز، عالمان و شخصیت‌های بزرگی چون شهید مطهری‌ها، بهشتی‌ها، مفتاح‌ها، چمران‌ها، باهنرها و... توسط گروه‌های افراطی دینی به شهادت رسیدند. گروه‌هایی که با نقاب دین به میدان آمده بودند و خود را برحق و دیگران را گمراه و باطل می‌دانستند.

هر عیب که هست، از مسلمانی ماست

بسر خلاف چنین تصویری، بنای دین مبین اسلام که از کامل‌ترین ادیان الهی است، بر اعتدال، آسانی و عدم سخت‌گیری نهاده شده است که برای هر فطرت روشنی، گیرایی و جاذبه دارد. این امر در مورد عبادات و برنامه‌های مذهبی نیز صادق است. یعنی فلسفه عبادات اسلامی بر رعایت حال بندگان خدا و سهولت و آسانی نهاده شده است.

چنان که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:
«يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»:
خدا، آسانی شما را می‌خواهد، و دشواری شما را نمی‌خواهد. (بقره، ۱۸۵)

«وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» و در دین (اسلام) برای شما هیچ مشقت و سختی طاقت فرسایی قرار نداده است. (حج، ۷۸)

داشت تا وقت نماز مغرب رسید.

تازه مسلمان بعد از نماز مغرب حرکت کرد که برود افطار کند. رفیق مسلمانش گفت: «یک نماز بیشتر باقی نمانده و آن نماز عشاء است. صبر کن تا حدود یک ساعت از شب گذشته» وقت نماز عشاء (وقت فضیلت) رسید و نماز عشاء هم خوانده شد. تازه مسلمان حرکت کرد و رفت.

شب دوم هنگام سحر بود که باز صدای در را شنید که می‌کوبند، پرسید: کیست؟
- من فلان شخص همسایه‌ات هستم، زود وضو بگیر و جامه‌ات را بپوش که به اتفاق هم به مسجد برویم.

- من همان دیشب که از مسجد برگشتم، از این دین استعفا کردم. برو یک آدم بی‌کارتی از من پیدا کن که کاری نداشته باشد و وقت خود را بتواند در مسجد بگذراند. من آدمی فقیر و عیال مندم، باید دنبال کار و کسب روزی بروم.
(مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۸، ص: ۲۵۲)

راهکار مقابله با «انفعال دینی»

این داستان، بر ضرورت مدیریت «زمان» و مقابله با پدیده نابسامانی یا «شلختگی زمان» در عبادات و برنامه‌های دینی تأکید دارد. امر مهمی که در برنامه‌های مذهبی روزگار ما سخت مورد غفلت قرار گرفته است. یکی از تبعات ناگزیر این غفلت، بی‌تفاوتی و «انفعال دینی» - بخصوص در نسل نوجوان و جوان - است. به این معنا که رفته رفته میان نسل امروز و دین شکاف و دلزدگی ایجاد می‌شود. هر چند پدیده بی‌نظمی و «نابسامانی زمان» دامنگیر اکثر برنامه‌های دینی روز و روزگار ماست، ولی این پدیده در برنامه‌های مداحی (مرثیه‌خوانی و مولودی‌خوانی) که پیش و بیش از «معرفت افزایی» با هدف «شور افزایی» برگزار می‌گردد، ظهور و بروز بیش‌تری دارد. به طوری که در بعضی از برنامه‌ها، زمان مداحی آنقدر طولانی می‌شود که با کمال تأسف مجالی برای سخنرانی عالمان و اندیشمندان که باید اصل و اساس مجالس اصیل دینی باشند، باقی نمی‌ماند. یعنی بخش اعظم برنامه‌ها - بی‌هیچ تقدم و تاخر معقول و عادلانه‌ای - صرفا بر اساس ذوق و سلیقه گرداننده مجلس و به منظور بازار گرمی به مداحی و مرثیه‌خوانی اختصاص داده می‌شود. بدیهی است محصول چنین مدیریتی چیزی جز این نخواهد بود که مداح به جای یک ربع، یک ساعت مداحی کند و عالم دینی به جای یک ساعت، یک ربع! و این به نوعی مصداق «افراط و تفریط» در سلوک دینی ماست.

بعد از «بای بسم الله»، در این یادداشت به پدیده‌ای به نام «شلختگی زمان» در برنامه‌های فرهنگی - دینی خواهیم پرداخت. تعریفی که برای این پدیده می‌توان ارائه داد، «عدم تناسب مدت زمانی است که به هر یک از برنامه‌ها در یک بسته دینی اختصاص داده می‌شود».

این شلختگی به خاطر تخصیص و توزیع غیر منطقی و ناعادلانه زمان به برنامه‌های پیش‌بینی شده در بسته فرهنگی مورد اشاره به وجود می‌آید. برای مثال اولویت دادن به مداحی به جای سخنرانی و ادامه برنامه‌های عزاداری و سینه زنی در ایام تاسوعا و عاشورا به جای اقامه نماز اول وقت. این تبعیض و نابسامانی زمانی به اوج خود می‌رسد که جایگاه مداح و عالم دینی عوض می‌شود، به این معنا که یک ساعت از برنامه به مداحی اختصاص داده می‌شود و یک ربع به سخنرانی! و یا در مواردی انجام مستحبات دینی بر واجبات تقدم پیدا می‌کند. در حالی که در روایات و احادیث تأکید شده که هرگز نباید واجبات را فدای مستحبات کرد: «إِذَا أَصْرَبَ التَّوَائِلُ بِالْفَرَائِضِ فَارْقُضُوهَا: زمانی که انجام مستحبات به واجبات لطمه می‌زند باید مستحب را فدای واجب کرد نه واجب را فدای مستحب».
(وسائل الشیعه/الشیخ حرعاملی/۴/ ۶۱/۲۸۶ - باب جواز التطوع بالنافله أداء وقضاء...ص: ۲۸۳).

اجازه بدهید این یادداشت را با نقل داستانی تامل برانگیز از زبان استاد شهید، آیت الله مرتضی مطهری ادامه بدهم. این داستان اگرچه کمی طولانی است، ولی برای جمع بندی و نتیجه‌گیری از بحث، بازخوانی آن ضروری است.

حکایت مرد تازه مسلمان

«دو همسایه که یکی مسلمان و دیگری نصرانی بود گاهی با هم راجع به اسلام سخن می‌گفتند. مسلمان که مرد عابد و متدینی بود آنقدر از اسلام توصیف و تعریف کرد که همسایه نصرانی اش به اسلام تمایل شد و قبول اسلام کرد.

شب فرا رسید. هنگام سحر بود که نصرانی تازه مسلمان دید در خانه اش را می‌کوبند. متحیر و نگران پرسید: کیستی؟
از پشت در صدا بلند شد: من فلان شخصم، و خودش را معرفی کرد. همان همسایه مسلمانش بود که به دست او به اسلام تشریف حاصل کرده بود.

- در این وقت شب چکار داری؟
- زود وضو بگیر و جامه‌ات را بپوش که برویم مسجد برای نماز.

تازه مسلمان برای اولین بار در عمر خویش وضو گرفت و به دنبال رفیق مسلمانش روانه مسجد شد. هنوز تا طلوع صبح خیلی باقی بود. موقع نافله شب بود. آنقدر نماز خواندند تا سپیده دمید و موقع نماز صبح رسید. نماز صبح را خواندند و مشغول دعا و تعقیب بودند که هوا کاملا روشن شد. تازه مسلمان حرکت کرد که برود به منزلش، رفیقش گفت: کجا می‌روی؟

- می‌خواهم برگردم به خانه‌ام. فریضه صبح را که خواندیم، دیگر کاری نداریم.
- مدت کمی صبر کن و تعقیب نماز را بخوان تا خورشید طلوع کند.
- بسیار خوب.

تازه مسلمان نشست و آنقدر ذکر خدا کرد تا خورشید دمید. برخاست که برود، رفیق مسلمانش قرآنی به او داد و گفت: فعلا مشغول تلاوت قرآن باش تا خورشید بالا بیاید، و من توصیه می‌کنم که امروز نیت روزه کن، نمی‌دانی روزه چقدر ثواب و فضیلت دارد!

کم‌کم نزدیک ظهر شد. گفت: «صبر کن، چیزی به ظهر نمانده، نماز ظهر را در مسجد بخوان.» نماز ظهر خوانده شد. به او گفت: «صبر کن، طولی نمی‌کشد که وقت فضیلت نماز عصر می‌رسد، آن را هم در وقت فضیلتش بخوانیم.» بعد از خواندن نماز عصر گفت: «چیزی از روز نمانده.» او را نگاه

رئیس دادگستری دورود:

مردم با رعایت قانونمندی، مهمترین نقش را در حفظ امنیت جامعه دارند



تبدیل و در این زمینه قوانین اسلامی و ضروریات احکام اسلامی را به نظام قضایی وارد کرد. در ارتباط با این موضوع اعتقاد ما این است که با نظام حقوقی اسلامی هنوز فاصله داریم اما تلاش در نزدیک کردن آن را به حالت نظام ایده آل داریم که در این زمینه گام های بسیار ارزشمندی برداشته شده است، با این توصیف نظام قضایی ما در حال رشد و توسعه است، ولی باز هم جای کار دارد تا بتوانیم به جایگاه مطلوبتری برسایم.

قربانی با اشاره به این موضوع که یکی از ویژگی های مهم دستگاه قضایی اعتماد مردم به آن و در دسترس بودن است اظهار داشت: سیستم قضایی با ارتقای فرآیندها و تشکیلات خود و همچنین اصلاح قوانین وضعی را ایجاد کرده است که از لحاظ محتوایی و ساختاری، مردم به آسانی به عدالت دسترسی داشته باشند و ضمن اینکه دستگاه قضایی را پناهگاه و ملجأ خود بدانند با احساس امنیت حقوق خود را مطالبه و برای تظلم خواهی به دستگاه قضایی مراجعه کنند. وی تاکید کرد: قانون و دستگاه قضا هیچ حقی را به ناحق برای افراد در هر موقعیتی، خواه فقیر باشد یا غنی یا اینکه وابسته به برخی افراد سیاسی باشد، قائل نخواهد شد و حق را با رعایت مساوات به صاحب حق خواهد داد. هرکس که به دستگاه قضایی مراجعه می کند لزوماً نباید راضی باشد. اکثر محکومان راضی نیستند و حتی کسی هم که حکم به نفعش صادر شده ممکن است مطابق میل و انتظاراتش نباشد که انتظار بنده و مجموعه این است که همه مردم در مقابل آرای صادره تمکین کنند. قربانی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: بحث حبس زدایی، توسعه حقوق شهروندی، رعایت حقوق متهم در همه مراحل دادرسی،

دورود- خبرنگار اطلاعات : دکتر قربانی رئیس دادگستری شهرستان دورود در سخنرانی پیش از خطبه های نماز جمعه به مناسبت هفته قضاوتیه ضمن بیان مطالبی درباره شخصیت و جایگاه شهید آیت الله دکتر بهشتی و جایگاه این قوه در بیانات امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری و قانون اساسی اظهار داشت : اصلی ترین وظیفه قوه قضائیه اقامه عدل و اساسی ترین رکن و مقدمه اقامه عدل استقلال است که در نظام جمهوری اسلامی ایران استقلال قوه قضائیه به نحو شایسته ای در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته و همواره مورد تاکید بوده و هست. وی با اشاره به فرموده خداوند متعال به حضرت داوود که: «ما تو را خلیفه در میان مردم قرار دادیم پس در میان مردم به حق حکم کن» اضافه کرد: این نشاندهنده اهمیت قضاست که در درجه اول قضاوت به انبیاء الهی تعلق دارد. قوه قضائیه در جمهوری اسلامی قوه ای مستقل، کارآمد و عدالت گستر است که در تمامی جوانب اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و امنیتی از توسعه همه جانبه کشور و نظام پشتیبانی می کند و بسترهای لازم را برای توسعه نظام هم در سطح ملی و هم فراملی فراهم می آورد. البته استقلال این دستگاه به هیچ وجه به معنی عدم نظارت پذیری و عدم همکاری و ارتباط با سایر قوا و سازمانها نیست. وی افزود: از بدو انقلاب تا کنون، نظام و به طور خاص قوه قضائیه به دنبال این امر بوده که نظام قضایی را به حالت ایده آل و آرمانی مختص حاکمیت اسلام ناب محمدی نزدیک کند.

قوه قضائیه در قدم اول نظام قضایی طاغوت را به نظام قضایی اسلامی

نفسهایی در باباهور که از نفس افتادند...

فضای سبز شهری بخش مهمی از سیمای شهری است و نقشی حیاتی را در برابر کالبد بی جان شهر بازی می کند و درخت یکی از زیباترین مظاهر خلقت، نماد آبادانی، سبزی و خرمی و به عنوان شش های زمین در زندگی بشر همواره مورد توجه بوده است. اهمیت وجود درختان در شهرها و زندگی شهری حائز اهمیت بوده اما متأسفانه امروزه شاهد بی توجهی های عمدی یا غیرعمدی از سوی طبیعت دوستان و نهادهای ذیربط در راه نظارت، برخورد و جلوگیری از خشک شدن و مرگ تدریجی درختان هستیم. اگر چه فقدان نظارت کافی و رسیدگی نامطلوب موجب شده است بسیاری از درختان معابر شهری دچار بالای آفت زدگی شده و با مرگ دست و پنجه نرم کنند، اما کارشکنی برخی سودجویان و به اصطلاح زمین خواران در آسیب رساندن به درختان حاشیه شهر و به ویژه درختان کاج باباهور به دلیل منافع شخصی، مثال زدنی است. درختانی که با رنج گذشتگان و همت مسئولان شهری وقت در ارتفاعات باباهور کاشته شد و چشم انداز زیبایی را برای شهر به ارمغان آورد، اکنون به دلیل غفلت برخی، در حال به یغما رفتن هستند. درختان کاج منطقه باباهور با تن زخمی شان نیازمند حمایتند و پوست کنده شان گواه کم کاری و بی تفاوتی، کافی است قدم در میانشان بگذاریم، بی شک شنیدنی است فریاد بی صدای این درختان با زخمهایی از تیشه های شبانه که نفس های آخرشان را به مردم شهر هدیه می کنند. نفسهایی که به دلیل عدم احساس مسئولیت و مراقبت ناکافی، توسط عده ای سودجو و با هدف تملک اراضی به شماره افتاده است... نفسهایی که نفسهای شهر است و طراوت و تازگی شهر را فریاد می زنند. نکند بار بی مسئولیتی مان مصداق این جمله بشود... «نفس هایی که از نفس افتادند...»

به قلم: علی موحدی نیا، تصاویر: محمدباقر پاپی



چه کسانی مقصر نبود پایگاه انتقال خون در دورود هستند

خون سالم، نجات بخش زندگی است. همه روزه، در سراسر جهان بسیاری از افراد به خون و فرآورده های خونی نیاز پیدا می کنند، براساس آمارهای به دست آمده در دنیا از هر سه نفر یک نفر در طول زندگی نیاز به تزریق خون و فرآورده های خونی پیدا می کند و از آنجایی که علی رغم پیشرفت های چشمگیر علم پزشکی هنوز هیچ جایگزینی برای خون ساخته نشده بسیاری از بیماران نیازمند هم فقط با تزریق خونی که انسان های نوع دوست و نیکوکار اهدا می کنند قادر به ادامه زندگی خود هستند. در حالی که اهدای خون در شهرستان دورود با استقبال مردم روبه روست، اما از دارا بودن پایگاه ثابت انتقال و حتی موقت برای اهدای خون محروم هستند!! در این مدت چندساله جمعیت هلال دورود در اقدامی شایسته ضمن هماهنگی و دعوت از تیم سیار انتقال خون و اطلاع رسانی به شهروندان بصورت فصلی این امکان را فراهم می کرد تا مردم در این کار خداپسندانه مشارکت داشته باشند که متأسفانه اخیراً بدلائل نامعلومی این اقدام متوقف شده است که این موضوع باعث شده شهروندان نوع دوست دورود برای اهدای خون ناچار به عزیمت به شهرهای همجوار باشند و در این راه خطرات و هزینه های گزاف را به جان بخرند که البته این کار هم برای همه مردم مقدور نیست. علاوه بر این در زمان بروز حوادث احتمالی و نیاز به خون برای مصدومان ناچارند برای تهیه خون به مرکز استان مراجعه کنند که ممکن است بعلت بعد مسافت و زمان از دست رفته، فرصت طلایی نجات جان بیمار یا مصدوم به خطر بیفتد. نتیجه پیگیری های انجام گرفته دال بر این است که سازمان انتقال خون استان برای دایر کردن پایگاه ثابت انتقال خون در دورود درخواست ساختمان داشته است، اما علیرغم قول شورای شهر فعلی برای در اختیار گذاشتن ساختمان مذکور و در نهایت بد قولی در تهیه ساختمان مناسب، این موضوع هم بلا تکلیف ماند تا همچنان جمعیت ۲۰۰ هزارنفری دورود و حومه از این اقدام خداپسندانه دور باشند. قرار گرفتن دورود در شاهراه و جاده ترانزیتی با حوادث ترافیکی بالا و نیاز همیشگی به خون و فرآورده های خونی و فاصله بین پایگاه های شهرهای همجوار و همچنین آمار بالای اهدا کنندگان خون از دلایل ضرورت وجود پایگاه انتقال خون در شهرستان است. در پایان خواستار پاسخگویی مدیر کل سازمان انتقال خون استان لرستان به انتظار مردم نیکوکار این شهر و بیان علت این که چرا دورود سهمی از این سازمان و پایگاه انتقال خون حتی به صورت موقت ندارد و چه کسانی در این مسیر کوتاهی و کارشکنی می کنند، هستیم.



لحظه‌ای بابزرگان سخن...

موفقیت یعنی آنطور که دل خودتان می‌خواهز ندگی کنید؛ کاری که خودتان دوستش دارید را انجام دهید؛ آدمی که خودتان دوستش دارید را دوست بدارید، لباسی که خودتان می‌پسندید را به تن کنید، در راهی که خودتان انتخاب کردید قدم بردارید... به تعبیری با تمام تاسف «ما بیشتر می‌پسندیم که خوشبخت نباشیم اما دیگران ما را خوشبخت بدانند تا این که خوشبخت باشیم اما دیگران ما را بدبخت بدانند. **آنتونی رابینز**

هنگامی که فساد به اوج خود می‌رسد، قدرت به خودنمایی می‌پردازد **مثل چینی**

شخصی که خارج از محیط خانه خود را عاقلتر از محیط داخل خانه نشان می‌دهد احمقی بیش نیست. **مثل آلمانی**
برای جذب افراد جذاب، باید جذاب باشید. برای جذب افراد قوی باید قوی باشید. برای جذب افراد متعهد باید متعهد باشید. به جای اینکه بخواهید روی آنها تاثیر بگذارید، روی خودتان تاثیر بگذارید. اگر شایسته باشید، می‌توانید جذب کنید. **جیم ران**
بعد از اینکه میلیونر شدید، می‌توانید تمام پول خود را ببخشید. زیر آنچه مهم است میلیون‌ها پول نیست؛ آنچه مهم است شخصی است که شما در فرآیند میلیونر شدن به آن تبدیل می‌شوید. **جیم ران**

بدترین ورشکستگی در جهان از دست دادن اشتیاق است. اگر مردی تمام هستی خود را به جز اشتیاق از دست بدهد می‌تواند دوباره به موفقیت دست یابد. **آرنولد**

جميع امراض از شش چيز است: خوردن بسيار، آشاميدن بسيار، كم خفتن شب، بسيار خفتن روز، جماع بسيار و حبس بول **سقراط**

من نمی‌خواهم به دور خانه‌ام دیواری بکشم؛ دوست دارم نسیم تمامی فرهنگ‌های جهانی به خانه‌ام بوزد. اما نمی‌گذارم که زیر پایم را سست کنند. **گاندی**

روز خود را با نگاه مستقیم به چشمهای خود در آینه و گفتن «دوستت دارم» به پایان برید. این کار را به مدت ۳۰ روز انجام دهید و ببینید چگونه تغییر می‌کند. **مارک ویکتور هانسن**

اگر با تمام وجود به خدمت مردم و اجتماع پرداخته‌ام به این دلیل بوده که می‌خواستم خود را به درستی بشناسم. من خدمت را مذهب خویش ساخته بودم و احساس می‌کردم که از راه خدمت به خلق است که می‌توان خدا را شناخت. **گاندی**
جادوی تماس و نوازش را گسترش بخشید و در ایجاد رابطه پیشگام شوید. ایجاد همدلی و همنوایی با افراد مختلف، ارزشمندترین مهارت در ارتباطات و مناسبات اجتماعی و فردی محسوب می‌شود. **جارلز شواب**

یکی از دلایل اصلی این که خیلی‌ها پول ندارند این است که در سکوت یا آشکارا آن را نکوهش می‌کنند. **ژوزف مورفی**
بانوی مهربان شوهرش را برای همیشه تصاحب می‌کند. **بودیس باستر ونک**
خدا یا! مگذار که آزادی‌ام اسیر پسند عوام شود... که دینم در پس وجهه دینیم دفن شود... که عوام زدگی مرا تقلید کنند گانم سازد... که آنچه را حق می‌دانم به خاطر اینکه بد می‌دانند کتمان کنم. **دکتر شریعتی**
خدا یا! حکمت قدمهایی را که بر ایمان بر می‌داری بر ما آشکار کن، تادرهایی را که به سوی مان می‌گشایی ندانسته نبندیم و درهایی که به رویمان می‌بندی به اصرار نگشاییم. **دکتر شریعتی**

یادی از گذشته...

بقعه امام زاده شاه زید بن علی (ع) پیر آباد سال ۲۸ صفر سال ۱۳۵۸



مسابقه والیبال بین تیم دبیرستان دهخدا و دبیرستانهای الیگودرز سال ۱۳۴۸



ایستاده‌از راست: آقای روشن سرپرست تیم الیگودرز، ناصر تبریزی، حسن شایسته، اسفندیار مرادی، منصور صالحی، علی اکبر زادپور (کاپیتان) علی خلیلی، مهندس هفده تن، صلواتی مربی تیم الیگودرز، علیرضا گودرزی مربی تیم دورود.
نفرات نشسته ا اعضای تیم دبیرستانهای الیگودرز هستند

«تماس از شما، پیگیری از ما، پاسخ از مسئولان»

۹۱۹۴۵۴۴۸۹۷-

پروژه‌های پیمانکاری دورود، برای دورودی‌ها...

متأسفانه گاه شنیده می‌شود پروژه‌های پیمانکاری این شهر به سفارش مسئولان ارشد استان یا ترک تشریفات قانونی به پیمانکاران غیر بومی داده می‌شود که این اقدام با توجه به حضور پیمانکاران قوی در این شهر ظلم بزرگی به حساب می‌آید. در این میان نیز برخی از مسئولان شهر برای حفظ پست و مقام خود بدون هیچ گونه مقاومتی تن به این کار غیر قانونی یا سفارش‌های مرکز استان برای استفاده از فلان پیمانکار می‌دهند که تنها حاصل آن بیکاری پیمانکاران و کارگران این شهر و حق الناس بر گردن مسئولان خواهد بود. یادمان نرود با رونق گرفتن فعالیت‌های کارگری در سطح شهر باعث رونق و خارج شدن از فضای رکود اقتصادی خواهیم بود.

جمعی از پیمانکاران شهرستان دورود

درخواست مردم از شرکت مخابرات دورود

اخیراً توزیع فیش تلفن ثابت توسط مخابرات کشور حذف و به در منازل ارسال نمی‌شود که این موضوع باعث شده مشترکین از هزینه و تعرفه کارکرد تلفن ثابت خود بی‌اطلاع مانده و به یکباره شاهد قطع تلفن باشند از آنجا که فاصله زمانی قطع تلفن تا وصل مجدد آن با مشغله‌هایی که وجود دارد باعث عدم ارتباط و عدم دسترسی عموم به خدمات مخابراتی شده است، تقاضا داریم مشکلات بوجود آمده ناشی از این موضوع توسط ریاست مخابرات شهرستان به مسئولان فوق گزارش شود تا در این باره بازنگری لازم به عمل آید.

محمدرضا هداوند، درج شده در کانال خبری دورودنیوز

نبود کمربندی و افزایش آسیب‌های مالی و جانی برای شهر و مردمانش

اکثر رانندگان و شهروندان شریف دورود از وضع نابسامان آسفالت خیابانها، به‌ویژه مسیر کمربندی شهری گلایه مند هستند که این مورد ناشی از نبود کمربندی در شهر و تردد خودروهای سنگین است. (میدان ابوالفضل (ع) تا میدان کربلا)
عبور خودروهای سنگین و به‌ویژه یک کش‌ها باعث از بین رفتن آسفالت و زیرساختهای شهری شده است، امیداست مسئولان ذی‌ربط به‌ویژه نماینده مردم در مجلس نسبت به پیگیری ادامه ساخت کمربندی که سالهای گذشته آغاز شد و اکنون کارگاه آن تعطیل است، اقدامات مقتضی را به عمل آورند تا شهروندان و شهرداری از آسیب‌های جانی و مالی به‌خاطر نبود کمربندی در امان باشند.

واحد ترافیک و تاکسیرانی شهرداری دورود

ارائه تخفیف خرید در برخی فروشگاههای سطح شهر واقعی نیست

این که وارد فروشگاههای بزرگ مواد غذایی و بهداشتی شهر می‌شوید و با پرینت تخفیف‌های چند هزار تومانی مواجه می‌شویم، بسیار دلچسب به نظر می‌رسد، اما وقتی دقت خود را بیشتر می‌کنیم متوجه ماجرای جالبی می‌شویم به عنوان مثال پوشک بچه (فلان برند) با تعداد ۱۴ عدد حدود ۹۰۰۰ تومان قیمت دارد اما روی بسته پوشاک ۴۴ عددی (تقریباً ۳ برابر پوشک ۱۴ عددی) مبلغ ۳۵۰۰۰ تومان درج شده است که به مشتری ۸۰۰۰ تومان (به اصطلاح تخفیف) مبلغ ۲۷۰۰۰ تومان فروخته می‌شود که با توجه به تعداد پوشک‌ها و قیمت‌ها در واقع تخفیفی به مشتری داده نشده است و تنها کاری که کرده‌ایم کساد کردن کسب و کار کاسب محله خود بوده است و به تولید انبوه و سود بیشتر شرکت تولید کننده که قیمت غیر واقعی روی اجناس خود درج کرده است کمک کرده‌ایم و تنها حاصل این خرید سنگین، منت فروشنده فروشگاه بزرگ شهر است که بر روی دوش احساس می‌شود.

پرویز، درج شده در کانال خبری دورودنیوز

مردم دورود محروم از تنها آسانسور بیمارستان شهر

در چند روز گذشته بیشترین تماس تلفنی همشهریان با دفتر روزنامه اطلاعات دورود مربوط به خرابی آسانسور بیمارستان ۷ تیر یا نبود امکان استفاده راحت از آن بود. وقتی صدای عصبانی و ناراضی شهروندان توام با نگرانی و اضطراب از حال و روز بیمارشان را می‌شنیدیم به یاد این جمله معروف نویسنده مطالب طنز انتقادی می‌افتادیم: «امان از مریخی‌های شهر زیر باد...» خرابی لحظه به لحظه آسانسور این بیمارستان یا نبود نگهبان در زمان فعال بودن آن باعث سردرگمی و نارضایتی همراهان بیمار شده است، سختی حمل و نقل بیمار توسط همراهان وی و همچنین سختی تردد مکرر مراجعه کنندگان در راه پله بیمارستان، باعث فزونی ناراحتی و نگرانی مضاعف‌تر از سلامتی بیمار شده که امیداست مسئولان این بیمارستان و شبکه بهداشت و درمان اقدامات عاجل برای راحتی استفاده از این آسانسور را برای مراجعه کنندگان فراهم آورند.

علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد

تونل برفی کمندان یکی از جاذبه‌های طبیعی است که هر ساله مورد بازدید گردشگران و کوهنوردان فراوانی قرار می‌گیرد، از آنجا که اکثر این افراد فاقد وسایل لازم از قبیل کفش مناسب، باتوم، کلاه و غیره هستند، همواره با خطرانی نظیر سقوط از ارتفاع، پیچیدگی پا و شکستگی اعضای بدن روبرو هستند، نصب تابلوهای هشدار در مسیر راه می‌تواند تا حدودی از بروز حادثه جلوگیری کند و از آنجا که علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد. ایجاد کمپ امداد و نجات با تجهیزات لازم در این محل بسیار ضروری است که در موقع بروز حادثه احتمالی بموقع اقدام عاجل انجام گیرد. ضمناً پیشنهاد می‌شود با نصب جایگاه در جای مناسب و اخذ مبلغی پول از هر گردشگر برای موارد فوق‌الذکر و جمع‌آوری زباله اقدام شود.

مسعود کبیر

قاب زندگی....



اطلاعات

پشت پنجره شهر

هنر هفتمی که آن هم قربانی قلیان شد!!!

به تابلو تبلیغاتی سسینما که نگاه می کنی، تیپ دهه شصتی رضا عطاران و فوکول بانمک مهناز افشار ترغیبت می کنند که دستت اهل و عیال را بگیرى و با بسته‌ای چیپس و پفک به اعماق تاریک سینما بروی. جایی که در ابتدای ورودی‌اش مردی خسته با چشمانی در انتظار پشت گیشه نشسته است و سالیان شلوغ و دور سینما را در ذهنش مرور می کند.

از پشت پنجره شهر که نگاه می کنی؛ تنه پر هیبت و کهنسال سسینمایی را می‌بینی که درست در میان پر ازدحام‌ترین و پر نشاط‌ترین نقطه شهر قرار گرفته و چون غریبه‌ای گرسنه به سوگ نشسته و در میان این ازدحام رنگارنگ ویتترین‌ها انگار گم و به فراموشی سپرده شده است و اگر لباس‌های آویزان و رنگارنگ لباس فروشی‌ها و برق طلاهای ۱۸ عیار پشت ویتترین طلافروشی‌ها بگذارند، شاید رهگذری نگاهی به پارچه تبلیغاتی فیلم بیندازد و با خود بگوید: نهنگ عنبر ۲ و ذهنش به سالیان دور برود. به سالیانی که همین خیابان پر از تاکسی‌های زرد برای خریدن بلیت فیلم کانی مانگا بسته می‌شد و زرنگ اگر نبودی در خماری دیدن فیلم می‌ماندی. اما حالا از پله‌ها که بالا می‌روی همین حس تنها بودن شوق دیدن فیلم را کور می کند و می فهمی فیلمی که در شهرهای بزرگ از شروع اکران ۱۷ میلیارد بلیت فروخته است، در شهر غمزده ما ۱۰۰ هزار تومان هم نفروخته است! و پشه‌ها هم روی دسته چوبی صندلی‌های زهوار در رفته سینما نمی‌نشینند و کسادى دامنگیر همه چیز شده است و جایش را تنها و تنها قلیان و دود و هزار کوفت و زهر مار دیگر پر کرده است و اگر اراده کنی و بخواهی که گذاری به سینما بروی، بیکار و علاف به حساب می‌آیی! آن هم در مقابل کسی که شیلنگ پر از دود قلیان را تا دسته در حلق فرو می کند و دودش را از سوراخ‌های دماغ بیرون می‌دهد؛ هم فلسفه را خوب می‌فهمد؛ هم منطق را! و می‌تواند گنگی عدد پی را در ریاضیات به تعداد ستاره‌ها محاسبه کند!!!

و وای به حال مردمی که هنر را در طاقچه بگذارد و ابزار تولید دود را به ویتترین روشنفکری اش اضافه کند. نتیجه‌اش می‌شود در سیاهی پر از تنهایی و گیجی و منگی سینما کیهان دورود ؛ توهم تنها بودن به آدم دست می‌دهد و می‌فهمی مردمانی که قلیان می‌شود همدم و عضو جدایی‌ناپذیر جمع خانوادگی‌شان؛ قطعاً ابری از دود، جلو دیدن حقایق را از آنها می‌گیرد و درکی ندارند و نخواهند داشت که در واقع حالا لقب بیکارترین شهر ایران را دارند و جایشان را مثل آب خوردن از شهرهای دیگر آمده‌اند و پر کرده‌اند و شغلشان را در روز روشن به یغما برده‌اند و محصولش شده است سرافکنندگی و شده‌اند چون ارواح سرگردان که بیهودگی را همقدم خود کرده‌اند و روز به روز رو به پس رفت می‌روند و هیچ ایده‌ای برای افق دیدشان و ذهنشان و آینده نه چندان دوری که با آن درگیرند ؛ ندارند و با این جمله که – کسی از فردا خبر ندارد –خودشان را امیدوار نگه می‌دارند. ما هم به وضوح می‌دانیم که خدا بزرگ است، رحیم است و رحمن است، اما... برو شیر درنده باش ای دغل...

مینداز خود را چو رویاه شل.

وقتی ظرفی با تمام ظرافت گفته است: آنچه در قالب هنر ننگجد ماندگار نمی‌شود. کدام حادثه و تیر بلا عمق فرهنگ و هنرش را نشانه رفته است که حالا سالن‌های هنر هفتمش از سکوت سرشارند و تیراژ کتاب‌هایش به صد جلد رسیده است و اشعار شاعرانش را کسی نمی‌خواند و فردوسی اش را افغانی‌ها مصادره می‌کنند و مولوی اش را ترک‌ها و مروارید اقیانوش را همین حنجره‌های دود آلود؛ یوطی (لوتی) صدا می‌زدند. هیچ چیز را نمی‌توانند در قالب هنر بگنجانند و واضح است که ماندگار هم نمی‌شوند و هرچه سبک مغزتر باشی راحت‌تر با هر نسیمی جابجا می‌شوی و تحت تأثیر قرار می‌گیری!

کوروش رشنو..... و دیگر هیچ

سوگواری زودهنگام برای مرگ دریاچه گهر در سه دهه آینده...



و جلبک در سطح دریاچه و کمبود اکسیژن و باتلاقی شدن، مرگ بیش از ۷هکتار از سطح دریاچه را در طول چندسال اخیر شاهد بوده‌ایم.
قطع صدها درخت و هزاران درختچه برای سوخت توسط گردشگران و آتش سوزی چندین هکتاری در حوزه‌ای ورودی و خروجی گردشگران.

– حضور آزادانه و بدون کنترل شکارچیان در برخی مناطق اشترانکوه و صید و شکار گسترده
– حضور حداقل هفتاد هزار گردشگر در کل فصول سال بدون کنترل.
– مدیریت چندگانه از سوی سازمان محیط زیست و سازمان گردشگری و برخی ارگان‌های دیگر و نبود تصمیم‌گیری واحد.
– رها بودن نیمی از منطقه حفاظت شُده اشترانکوه (حوزه جنوبی و غربی اشترانکوه).
– فرسایش شدید قسمت‌هایی در اطراف دریاچه و ورود گل و لای به بستر دریاچه و گلی شدن بستر.

پیشنهاد برای اقدام اورژانسی:

– تخریب جاده غیرقانونی بالادست دریاچه گهر به عنوان عامل اصلی تخریب و راه‌اندازی پاسگاه محیط بانی در ابتدای مرز منطقه حفاظت شده.

– جلوگیری از ورود گردشگران به مدت ۳ سال متوالی برای حفظ و احیای طبیعت منطقه.

– بازگشایی سر ریز دریاچه گهر(ابتدای رودخانه گهر رود) برای تخم‌ریزی ماهیان قزل آلا و ریشه کنی نيزارها در اولین فرصت.....
– راه‌اندازی سه پاسگاه محیط‌بانی با توجه به طرح جامع اشترانکوه در منطقه چکان، تیان و مور زرین و افزایش تعداد محیط بانان با توجه وسعت منطقه

– ضرورت حیاتی برقراری مرکز تحقیقات اشترانکوه و گهر که ساختمان آن در دریاچه گهر رها شده می‌باشد.
– تجهیز و در اختیار قرار دادن امکانات لازم برای محیط بانان زحمت‌کش منطقه

– با توجه به فرسایش گسترده خاک در حوزه دریاچه گهر اقدامات کارشناسی در اسرع وقت صورت پذیرد.
– احیای مناطق مورد آسیب.

در پایان با توجه به این روند تخریب که حاصل کم توجهی سازمان محیط زیست به این منطقه تحت مدیریت می‌باشد، امید داریم با تلاش همه طبیعت دوستان منطقه و کشور و اقدامات شایسته و دلسوزانه نماینده، استاندارد و فرماندار شاهد نجات این منطقه به خصوص دریاچه گهر به عنوان یک میراث طبیعی جهانی باشیم.
امروز با توجه به وضع وخیم محیط زیست کشور و نایب حاصل از آن که زندگی بسیاری از هموطنان را به مخاطره انداخته است، دیگر جای هیچ گونه کوتاهی از سوی سازمان‌های ذیربط قابل تامل نیست.
انشالله سازمان محیط زیست با احترام به منویات مقام معظم رهبری و توجه به افکار عمومی و اجرای قوانین و مقررات اقدامات بایسته را به عمل آوردند.

حمیدرضا کاویانی چگنی – فعال محیط زیست

چهارشنبه ۲۸ تیر ۱۳۹۶ ضمیمه شماره ۲۶۷۷۱

از جان بگذر اما از یارانه نه.... اندر حکایت کودک سر راهی!!

در قدیم‌الایام رسم بر این بود که چند سال پس از اینکه دختری از قنداق رهایی می‌یافت گروهی به صورت خود جوش، ناگهان با هیجان، وارد کار می‌شدند و هلهله‌کنان وی را به نکاح مردی سبیل چخماقی در می‌آوردند و بدینسان دخترک، چوپانان بالقوه فراوانی را به دنیا می‌آوردندی تا در آینده هم در بیابان گوسپند بچرانند و هم در ایام جنگ با قبایل همسایه.
فرزندان ذکور به دو گروه مساوی تقسیم شدند: نیمی کله سران قبایل دشمن را به دندان بگزند و نیم دگر آرنج خویشتن را در حلقوم آنان فرو برند، باشد که تنبیه شوند...

لکن امروزه، آمار بیکاری سر به فلک کشیده و جوانان این مرز و بوم توان ازدواج کردن ندارند و برخی از آنها پس از سالها مگس پراندن یک روز در حالی که در تلگرام، با استعانت از انگشتان پا و دست، از صمیم قلب مشغول چت کردن هستند، ناگهان دچار افسردگی مزمن شده، خروشی از جان برآورده، سر از پارک‌های مخوف درمی‌آورند و بدینسان چند صبحایی را در جوار خرده فروشان نועدوست مواد، به کشف اسرار می‌پردازند و در قصه‌ها گفته‌اند که یک توک پا به فضا هم می‌روند!
معروف است که یک روز، مسئولان دولت در لباس مبدل در حال چرخیدن در شهر هستند. همان لحظه از نزدیک شاهد فضاییمایی جوانان در لابلای بوته‌ها می‌شوند و ناگهان حس می‌کنند که کمرشان رگ به رگ شده است، طیبب را فرا می‌خوانند و طیبب به آنها می‌گوید که همانا هیچ جای نگرانی وجود ندارد، فقط چون یکهو بسیار دلسوز شده‌اند کمرشان رگ به رگ شده است.
لذا مسئولین جلسات فراوانی تشکیل داده، فسفرها می‌سوزانند، داد و هوارها می‌کنند، همی کارشناسان همگی‌ها را به چالش می‌کشند و در نهایت تصمیم می‌گیرند که ماهانه چهل و پنج هزار و پانصد تومان و دوزار به کیسه مستمندان بریزند باشد که آنان را خوشبخت کرده، بروند با این پول عاشق بشوند، زن بگیرند، سرمایه‌گذاری کنند، برکت آن تمامی نداشته باشد، شاداب گردند و فرزندان زیاد داشته باشند و...

در خبر است که در این میان، ثروتمندان و متمولان با شنیدن این اخبار، به هوا پریده‌اند و پشتکی زده و از شادی ندا داده‌اند: «یوهو»!... سپس رخسار پوشانده، یک چشم را زاغ کرده و آن را از زیر نقاب بیرون انداخته، خویشتن به رنگ محیط درآورده‌اند و ناگهان با یک حرکت انتحاری خود را به درون لیست فقرا پرتاب کرده‌اند، باشد که آمرزیده شوند!
به گزارش مورخان، اینان ماه‌های ماه، بلافاصله پس از واریز یارانه‌ها به سمت عابر بانک می‌شتافتند و در انتهای صف، خروش برآورده، به قشعر ضعیف جامعه یورش برده و چون دچار هیجان شدید می‌شدند، عنان اختیار از کف داده و در آن کشاکش، بارها بصل‌النخاع هموطنانشان را دچار آسیب جدی می‌کرده‌اند!

مورخان بر این باورند که در بین صفوف یارانه، میلیاردرهای معروف فراوانی نیز یافت می‌شده‌اند که همواره به هموطن لاغر و نیمه خوشحالی که مشغول شمردن پولهایش بوده است، با اندکی تغییر در صدا ندا می‌داده اند:..«ای بابا. آقا سریعتر! بجنب بینیم بابا! ملت که بیکار نیستن!».... بلی!

کوته زمانی است که دولت درصدد غربال کردن اقشار مختلف جامعه برآمده و سعی بر این داشته که آن دسته از افراد مشکوک را که در صف یارانه روی سرشان جوراب کشیده‌اند، شناسایی و تنبیه کند، لکن تنی چند از ثروتمندان همچنان در صفوف یارانه رؤیت می‌شوند!

به گزارش یک خبرنگار، گونه عجیبی از ثروتمندان، همچنان دلشان نمی‌خواهد از یارانه بگذرند. زیرا احساس می‌کنند دولت دیگر آنها را دوست ندارد و خیلی ملول شده و بغض کرده‌اند.

یکی از آنها در دفترچه خاطراتش نوشته است، حس می‌کنم یک کودک سر راهی می‌باشم! و «بابا دولت» دیگر مرا دوست ندارد! آه!!

نسیم بیرانوند

ادامه از صفحه اول

رئیس دادگستری دورود:

مردم با رعایت قانونمندی، مهمترین نقش را در حفظ امنیت جامعه دارند.

رئیس دادگستری دورود بیان کرد: قوه قضائیه برای ایجاد و حفظ امنیت و عدالت کیفری همه ظرفیت های جامعه را به خدمت می گیرد که اصلی ترین آن تامین عدالت با کمک مردم است، به نحوی که پیوستگی مردم و قوه قضائیه در یک راستا باشد و به واقع مردم پشتیبان قوه قضائیه باشند که نتیجه این پیوستگی، استحکام و پایداری نظام خواهد بود. تأمین امنیت در جامعه مستلزم همکاری مردم و مسئولان همه دستگاهها و نهادهایی است که به موجب قانون ایجاد شده اند. ممکن است سؤالی از سوی مردم مطرح باشد که مردم چه نقشی می‌توانند در امنیت جامعه داشته باشند که باید بگوییم که بهترین نقش را مردم می‌توانند ایفا کنند و آن هم قانونمداری آحاد جامعه است. چون پایبندی مردم به قوانین باعث بالاتر رفتن امنیت می شود. همچنین مردم عزیز تلاش کنند به حقوق متقابل همدیگر احترام بگذارند (قراردادهای حقوقی و اجتماعی، خرید اموال، از جمله ملک، خودرو و ... تعیین میزان مهریه، عقد و نکاح که باید آن را با موازین اسلامی پیش بینی و در مقام عدل، حقوق طرف مقابل را رعایت کنیم)، از مواردی هستند که با رعایت آنها شاهد کاهش پرونده های ورودی به سیستم قضایی خواهیم بود و مردم به این شکل به خودشان خدمت خواهند کرد. رئیس دادگستری دورود با اشاره به توانمندی دستگاه قضا در استفاده از روشها و تجهیزات پیشرفته گفت: امروز دستگاه قضایی، به روز و کار آمد شده است و با استفاده از قوانین و مقررات اسلامی و استفاده جامع از فناوری های نوین در انجام وظیفه گام بر می دارد که به برخی از این موارد اشاره می کنم: راه اندازی سیستم CMS که همه جریان دادرسی از بدو طرح دعوا، صدور حکم و اجرای حکم در سیستم به طور کامل ثبت و ضبط می شود و این اقدام نظارت مراجع قضایی را به دستگاه قضایی به نحو اساسی تعریف می کند و این اسناد تا ابد می مانند و حفظ می شوند. ابلاغ سریع اوراق قضایی به صورت مکانیزه به وسیله سامانه ابلاغ الکترونیک یا ابلاغ آنها توسط همکاران انتظامی با تدابیر خاص دادستان و مدیریت فرماندهی انتظامی باعث شده است حجم بسیاریزادی از پرونده های کیفری مختومه شود و در موضوع کاهش اطاله دادرسی و کاهش هزینه مردم موفق عمل کنیم. مورد بعدی راه اندازی دفتر خدمات قضائی است که در طی ماه های دیگر در شهرستان دورود انجام می شود که با این اقدام کسانی که درابتدای مراحل دادخواهی هستند، نیاز به ورود به دستگاه قضائی را ندارند.

دکتر قربانی مساله پیشگیری از وقوع جرم را به عنوان یکی از مهمترین سیاستهای قوه قضائیه برشمرد و افزود: پیشگیری از وقوع جرم تکلیف بسیار سنگینی است که بر عهده دستگاه قضائی است و ادای خوب و دقیق آن مستلزم همکاری دستگاه های اجرایی است. قوه قضائیه تاکنون از همه امکانات موجود در جامعه مانند حوزه پیشگیری فرهنگی، نیروی انتظامی، حقوقی وقضایی استفاده کرده است تا محیط را برای مجرمین نا امن کند. در شهرستان دورود هم برای تحقق این موضوع تعامل همه مسئولان نیاز است که خوشبختانه وجود دارد و در این زمینه خدمات مسئول ارشد فرهنگی شهر یعنی امام جمعه بسیار چشمگیر بوده است که جا دارد از این عزیز بزرگوار و همه روحانیون و امام جماعات مساجد تشکر و قدردانی ویژه داشته باشیم، زیرا همه زحمات در امر پیشگیری فرهنگی از وقوع جرم، برعهده آنان است. ضروری است دادسستان و فرمانده انتظامی همکاری فرهنگی بیشتری با روحانیون در تقویت مساجد به منظور صلح و سازش و اصلاح ذات البین داشته باشند. رئیس دادگستری دورود در ادامه سخنان خود با اشاره به برگزاری سالم، امن و موفق دو انتخابات گذشته در سایه تعامل خوب شورای تأمین شهرستان اشاره کرد و افزود: درایام انتخابات اقدامات پیشگیرانه ای توسط ستاد پیشگیری از جرایم و تخلفات انتخاباتی در این شهرستان انجام شد. به نحوی که چه در انتخابات خیر شورای شهر و چه در انتخابات مجلس توانستیم با بیش از ۵۰ مصوبه علمی و کاربردی و قابل اجرا بحث سلامت انتخابات و امنیت انتخاباتی را به بهترین نحو اجرا کنیم و حرف اول را در استان بزنیم.

وی در بخش دیگری از سخنان خود به برخی اقدامات و برنامه های دستگاه قضایی دورود اشاره کرد و گفت: صدور احکام مستدل در اولویت کارهای قضات و کارکنان اداری است. دانش محوری و نخبه گرینی در رأس امور دادگستری است و همه کارکنان از آموزش ضمن خدمت بهره می برند. دربحث حفاظت از حقوق بیت المال و در بحث اراضی ملی هماهنگی خوبی با ادارات ومتولیان داریم وبیش از ۲۰۰ هکتار از اراضی ملی که در دست اشخاص غیر بوده به بیت المال برگشت داده شده است وبیش از ۱۵۰ هکتار هم به زودی به اراضی ملی باز می گردند. در پرونده های با موضوع قتل و یا پرونده های مهم دادستان با همکاری اداره اطلاعات به صورت فوری رسیدگی می کنند. خوشبختانه وحدت رویه قضایی و نظارت های مستمری که دستگاه های نظارتی به ویژه حفاظت اطلاعات و ارزشیابی در تصمیمات قضایی دارند باعث شده است سطح رسیدگی قضایی در دستگاه قضایی دورود در موقعیت بسیار مطلوبی قرار بگیرد و به لطف خداوند متعال ارتقاء پیدا کند. ترویج فرهنگ داوری و تاسیس دفاتر داوری دیگر اموری هستند که با جدیت دنبال آن هستیم تا ورودی پرونده به دادگستری کاهش یابد و در این میان کیفیت رسیدگی ها افزایش پیدا کند.

رئیس دادگستری دورود در پایان با تشکر و قدردانی ویژه از عموم مردم شریف دورود که دستگاه قضا را در خدمت رسانی هرچه بهتر یاری می کنند اظهار داشت: جا دارد از زحمات همه عزیزان در سپاه پاسداران، اداره اطلاعات، نیروی انتظامی و... که در برقراری امنیت در شهرستان تلاش صادقانه دارند، تشکر ویژه کنم.

نگاهی به ریشه‌های اصطلاح «چوب توی آستین کردن» و «کلاهش پس معر که است»

کلاهش پس معر که است

این ضرب المثل ناظر برشخصی است که در اموری که دیگران هم شرکت دارند فقط او با وجود تلاش وفعالیت خستگی ناپذیر به مقصود نرسد و از مساعی و زحمات خویش بهره نگیرد.

درچنین مورد گفته می‌شود: فلانی کلاهش پس معرکه است. یعنی وضعش طوری است که احتمال موفقیت نمی‌رود. در ازمنه گذشته معمول بود که دراویش وشعبده بازاها در سر چهارراهها و معابرعمومی معرکه می‌گرفتند و چند چشمه بازی می‌کردند، یعنی هنرها و شـعبده بازیهای خود را ضمن اظهارمطالب مشروحو به تماشاجیان نشان می‌دادندو به فراخور اهمیت هنری که عرضه می‌کردند از تماشاجیان مبلغی پول به عنوان چراغ الله دریافت می‌داشتند. دراویش معرکه گیر کارشان شعبده بازی، مسـآله گویی، مارگیری، مناقب خوانی و شرح معجزات رسول اکرم (ص) و اولیای دین، عملیات پهلوانی، قصه گویی و از این قبیل بوده است.

شکل و ترتیب معرکه گیری به این ترتیب بود که بدواً درویش یا شعبده باز در وسط چهارراه و معبر عمومی سفره‌ای پهن می‌کرد و با کمک معاون و دستیارش مشغول شعرخوانی و سوال و جواب می‌شد که آنرادر اصطلاح معرکه گیران شیداللهی می‌گفته‌اند.(آقای میرباقری در نمایش معرکه در معرکه گوشه‌هایی از این رسم را به نمایش گذاشتند) اطراف این سفره تا مسافت و عمق یک الی دو متر کاملاً باز بود و جزء حریم درویش معرکه گیر محسوب می‌شد که هنگام انجام برنامه در آن تردد و رفت و آمد می‌کرده است.

خارج از این محوطه تماشاجیان مجاز بودند دایره وار بایستند و هنرنمایی‌های معرکه گیر را تماشا کنند. چنانچه بر تعداد تماشاچیان افزوده می‌شد درویش معرکه گیر دوایر صفوف اول ودوم و سوم را تکلیف می‌کرد بنشینند تا بقیه تماشاچیان که دیرتر رسیده و در عقب جمعیت ایستاده بودند بتوانند بساط معرکه گیری را ببینند و از نقالیها و عملیات و شیرینکاریهای معرکه گیراستفاده کنند .

گاهی اتفاق می‌افتاد یکی از تماشاچیان که در صف جلو نشسته بود با اطرافیان اختلاف پیدا می‌کرد یا رفتاری از او سر می‌زد که موجب حواس پرتی معرکه گر و اختلال نظم می‌شد. در این موقع یکی ازتماشاچیان به منظور دفع شر، کلاه آن شخص مخل و مزاحم را که در صف اول نشسته بود بر می‌داشت و به خارج ازدایره یعنی پس معرکه پرتاب می‌کرد. پیداست شـخص مزاحم که کلاهش پس معرکه افتاده بود برای به‌دست آوردن کلاهش اضطرراًزمعرکه خارج می‌شد و سایرین جایش را می‌گرفتند و دیگر نمی‌توانست به صف اول بازگردد. به طوریکه ملاحظه میشود عبارت کلاهش پس معرکه است ازین رهگذر و بساطمعرکه گیری به صورت ضرب المثل درآمد ودر موارد مشابه به آن استناد وتمثیل میکنند.

چشم و هم چشمی‌های امروزی بلای جان خانواده‌هاست...

هستند.تماشاگر از هم پاشیدگی شیرازه زندگی‌های شیرین زوج‌های جوان هستیم و هزاران درد بی درمان دیگری که باید درک آن را داشته باشیم که هیچوقت ظاهر زندگی دیگران را با باطن زندگی شیرین و ساده خود مقایسه نکنیم و معنای واقعی و مخرب این کلمه را در ذهن کودکان و نوجوانان خود حک کرده و پرورش دهیم و به آنها بفهمانیم که چشم و هم چشمی باید در عرصه علم و دانش باشد نه ظواهر زندگی. و در پایان این شعر تقدیم به آنان که می‌خواهند با ثروشان فخر فروشی کنند.
به مالت نناز به شبی بند است
به حسنت نناز به تبی بنداست

یاد همسایه‌های آن موقع بخیر که یک نفر حلقه در خانه‌های دیگر همسایه‌هایی که روزه دار بودند را می‌زد و کاسه و قابلمه‌های آنها را می‌گرفت و زحمت خرید حلیم سحری آنها را به جان می‌خريد. یاد خواستگاری‌ها و عروسی‌های قدیم و لباسهای لری زنانه بخیر. یاد بوی نمناک خاک جارو شده کوچه در وقت صبح توسط مادران و خواهران بخیر... با پیشرفت علم و تکنولوژی انسانیت را فدای تجمل گرایی به وسیله چشم و هم چشمی کرده‌ایم. به روزهایی رسیده‌ایم که نظاره گر پرپر شدن جگر گوشه‌هایمان هستیم، بیننده ازدواج‌های خیابانی که بعلت نداشتن آگاهی کامل از همدیگر و چشم و هم چشمی منجر به طلاق‌های بیابانی

بوکس محمد علی کلی و جوفریـزر و تارزان مرد جنگل و مایا که وسیله‌ای برای دور هم جمع شدن و صله ارحام بود، بخیر...

یک تلویزیون می‌توانست ۴۰ تا ۵۰ نفر را در یک خانه جذب خود کند. یاد قدیما بخیر اگر همسایه‌ای خانه‌ای می‌ساخت همه همسایه‌ها کارگر و بنای او می‌شدند، یاد بوی نان تازه تاوی یا ساجی بخیر، یاد مطبخ‌ها یا ایوان‌های خبازی بخیر که مال هر نفر متعلق به همه همسایه‌ها بود و در آن آشپزی می‌کردند و نان می‌پختند. یاد ماه‌های مبارک رمضان آن موقع با صدای شلیک توپ از اذان مغرب و سحری بخیر. یاد حلیم‌های ناب بخیر.

یاد قدیما بخیر که در هر حیاط شریک ملکی ۴۰ تا ۵۰ نفر با صمیمیت و مهربانی، با هم همدل و هم‌زبان در کنار هم و در خانه‌های کاهگلی و کوچه‌های خاکی وبدون تیر چراغ برق زندگی بدون حسادت و چشم و هم چشمی داشتند. رفاقت بود، مردی بود، همسایگی بود، صله‌رحم بود، دین و اعتقادات بدون ریا بود، صلح و صفا بود، حلال و حرام داشتیم، بزرگ و کوچکی داشتیم، شادی و نشاطی و صف ناپذیر داشتیم، احترام به پدر و مادر و بزرگترها و همسایه‌ها به صورت فرهنگی غنی و متمدن داشتیم، یاد تلویزیون‌های لامپی شارپ لورنس، فیلیپس، ویلر مبلی دو در و چهار در با سریالهای تلخ و شیرین و مراد برقی و مرد اول و مسابقات

همسایه را به «رسم کاسمسا» در خانه اش مهمان کنید....

دیوار یاد گرفته‌اند.آواز خواندن را در شبهای زمستان که بانگ ناله‌هایشان از سرما به آسمان می‌رسید، آموخته‌اند، زندگی را اینگونه می‌دانند که شبها به وقت حسابرسی، هر دو دست را بالا گرفته در یک دست کودکی و دست دیگری حقارت روزانه... چه ترکه ی ناعادلانه‌ای انداخته است دنیا. کودکان کار، حتی کودک هم نیستند.کودک، کودکی می‌کند، در چمنزارها می‌دود، فریاد خوشحالی سر می‌دهد، آزاد و رها گام بر می‌دارد و او را هراسی نیست از هیچکس و لیک، اما کدام کودک کار در چمنزارها فریاد آزادی سر داده است؟ یا که هراسی در دل نداشته است؟

چگونه می‌توان از آنها گل خرید و به دیگری هدیه داد؟ یا که تنش‌های روزانه خود را در هر خیابانی به آنها هدیه کرد؟ اسپند که دود می‌کند و خودشان درمه گم می‌شوند، آری زندگیشان به همان اندازه گنگ و نامعلوم است....

ترازویی که در برابر وزن ناکامی‌هایشان ناتوان مانده است.. جامه‌هایی که ده‌ها وصله خورده و همچنان بر نشان جای خودش کرده است. دست‌هایی که بی اعتنا به سن و سال پیر شده‌اند و قلبی که عاری از محبت مانده است، گیسوانی که جای هیچ دست مهربانی در آن دیده نمی‌شود و گوشهایی که هرگز سخن زیبایی نشنیده‌اند. از پدر تنها نامش را شنیده‌اند و از مادر فقط نبودنش را به ارث برده‌اند.

کودکانی که آموخته‌اند در جنگل دنیا باید زخمی کنند تا مبادا زخمی شوند... زیرا خوب می‌دانند، دست نوازشگری درمانشان نمی‌کند.

کودکان کار از کودکیشان بیزارند و بر سر دو راهی و هیچ راهی مانده اند...

خدانود به آدمها پیش از نیازشان نعمت و افزونی می‌دهد تا که روزی ناتوان‌ها را با دستهای بندگانش به آنها برساند. از سرمای زمستان لرزیدن و از گرمای تابستان به نیمکت‌ها خزیدن را از گفتن تا فهمیدن فرسنگ‌ها فاصله است... بیایید به جای نگاه‌های ترحم آمیز، تحقیرهای بزرگ، خشونت‌های خواسته و ناخواسته... با همکاری یکدیگر مراکزى را برای جمع آوری این کودکان معصوم اختصاص دهیم که سرپناهی برای این مردان کوچک و دختران معصوم باشد. کودک امروز، مرد و بانوی آینده است که پرورش دهنده ی یک نسل است. برای ریشه کن کردن این کودکی‌های دردناک، بزرگ شدن‌های اجباری و اجتناب از پرورش نسل مشابه، بیایید دست به دست هم، جهان خود را از بی رحمی نجات دهیم.

خسته باشد!

چه فراوان دستهایی که به‌جای گرفتن دست این کودکان، دست در دست خدای آنها می‌گذارند و چه کم توقع پندگانی دارد آن خدا.... درست زمانی که در پستیوبی از سرمای زمستان می‌لرزند، کسی دستشان را می‌گیرد، این همان دستی است که برای همیشه میان جامعه رهایشان می‌کند و مهربردگی کودکان کار را بر آنها می‌زند. کودکانی که از کودکیشان بیزارند، نه همچون من و تو.. که با یادآوری بازی‌هایمان لبخندی بر لبمان می‌نشیند. همانند همנוع‌های خودشان که فلق تا شفق را دربه در نعمت را گدایی می‌کنند یا که به قیمت توهین و فریاد می‌خرند.

در پس و پیش هر دیاری، کسی برخاسته است، نه این‌که حق کسی را به جای آورد، تنها کودکان بی سرپناه را پناهی به قیمت گزاف داده است...

این فرشتگان بی گناه روزهایشان در پرسه زدن در آزاد راه‌هایی که به زندان زندگی ختم می‌شود می‌گذرد... و شهباشان در انتهای روشنی ستاره‌هایی که سقف خانه شان است، پایان می‌پذیرد.

خانواده برایشان بی معناترین واژه ممکن است... چرا که راه رفتن را پس از زخم شدن زانوها و تکیه بر



کوتاه از دورود...

فرماندار: ۳ میلیارد تومان برای پروژه کمربندی دورود در نظر گرفته شد



ماشالله نعمتی فرماندار دورود در جلسه بررسی پروژه های زیرساختی راه های استان لرستان که در سالن جلسات استانداری لرستان برگزار شد، اجراشدن پروژه کمربندی دورود را یکی از مطالبات جدی مردم دانست و اظهارداشت: با توجه به وضع نقاط مرکزی ششهر دورود، ورودوسایل نقلیه سنگین تلفات مالی و جانی بر جای گذاشته است. وی افزود: از محل اعتبارات توازن سه میلیارد تومان برای پروژه کمربندی دورود در نظر گرفته شده است، اما اکنون بحث تعیین تکلیف عملیات اجرایی تقاطع غیر هم سطح پروژه مطرح است و اگر برنامه ای هم برای آن انجام گرفته از آن بی اطلاع هستیم. فرماندار دورود ادامه داد: چهار کیلومتر باقی مانده این پروژه از سمت رودخانه تیره تا انتهای پروژه بالاتکلیف مانده است، بنابراین اگر کار در هشت کیلومتر دیگر با جدیت پیش برود و این چهار کیلومتر انجام نشود مانند این است که هیچ کاری انجام نشده است. وی بیان کرد: برای رفع مشکل پروژه کمربندی دورود این آمادگی وجود دارد تا با واحدهای ارزیابی مشکلات اجتماعی آن را برطرف کنیم. نعمتی گفت: با توجه به محدودیت های فصل کار درخواست می شود مشکلات کمربندی دورود تعیین تکلیف شود.

معاون استاندار:

مصلحت مردم و شهر بر «قومیت گرایی» ار جحیت دارد



معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری لرستان گفت: مصلحت مردم و شهر هابر قومیت گرایی و خوشنودند گرایی ار جحیت دارد. به گزارش مهر، محمد اصلانی در همایش توجیهی منتخبین دوره پنجم شوراهای اسلامی شهرهای استان لرستان با حضور معاون وزیر کشور و اشاره به اینکه یک شهرداری پویا باید بسترهای فرهنگی و رعایت حقوق شهروندی را در اولویت برنامه ها ووظایف خود قرار دهد، اظهار داشت: مشارکت اجتماعی در همه سطوح نیازمند برنامه ریزی مناسب است. وی با بیان این که بررسی نیازهای بهداشتی، آموزشی و همچنین ایجادشور و نشاط در جامعه از وظایف شوراهای اسلامی شهرهاست، تصریح کرد: انتخاب شهردار باید بر اساس شاخص های مدن و از پیش تعیین شده باشد. معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری لرستان با تأکید بر این که فقط با برنامه ریزی دقیق و مناسب می توان از همه ظرفیت ها و پتانسیل های شهرها بهره مند شد، افزود: ایجاد وحدت و همدلی از شاخص های موفقیت در همه کارها به ویژه برنامه های عمرانی و آبادانی شهرهاست. اصلانی با ائشاره به این که مصلحت مردم و شهرها بر قومیت گرایی و خوشنودند گرایی ار جحیت دارد، یادآور شد: از معضلات مدیریت شهری قوم گرایی است. وی ادامه داد: خوشبختانه تمایل به تشکیل سازمان های مردم نهاد در شهرهای استان وجود دارد که مستلزم توجه بیشتر است.

۲۰مورد ساخت وساز غیر مجاز در حریم راه های دورود متوقف شد



مسئول راهداری و حمل و نقل جاده ای شهرستان دورود از برخورد جدی با متخلفان و توقف ۲۰مورد ساخت و سساز غیر مجاز در حریم راه های این شهرستان خبر داد. به گزارش مهر، نوری منصوری گفت: در سه ماهه نخست سال جاری بیش از ۳۰مورد ساخت و ساز غیر مجاز در حریم راه های شهرستان دورود شناسایی شده که با پیگیری و جدیت همکاران، ۲۰مورد از این ساخت و سازها متوقف شده است. وی ادامه داد: از ابتدای سال تا پایان خردادماه، ۵۰۰هزار عدد علائم ایمنی در محورهای مواصلاتی شهرستان دورود شست وشو شده است.

مسئول راهداری و حمل و نقل جاده ای شهرستان دورود همچنین از تهیه و نصب ۵۰۰عدد علائم ایمنی اختطاری، انتظامی و مسیرنما، تهیه نصب و بهسازی تابلوهای اطلاعاتی با اولویت نقاط تر تصادف راههای شریانی در سطح ۱۰۰متر مربع، ایمن سازی ۱۰ عدد گاردریل با اولویت بالی شکل و مهار در خاک و تعمیر و بازسازی گاردریل در طول ۶۰۰متر از راه های دورود خبر داد. منصوری افزود: در سه ماهه نخست سال جاری، بیش از ۵مورد از قوس های تند سراسشیی با فاصله دید کم، ایمن سازی شده است. وی با بیان اینکه در سه ماهه نخست امسال روششناسی در طول هفت هزار و ۵۰۰متر از نواحی طولی و گردنه های هم گیر شهرستان دورود طراحی و اجرا شده است، اظهار کرد: همچنین ۴ هزار متر از شیب حاشیه راه های شهرستان دورود ایمن سازی و در طول ۲۰کیلومتر نیز سیستم روشنایی به روزرسانی شده است.

آغاز فعالیت ستاد پروژه مهر در شهرستان دورود



مدیر آموزش و پرورش شهرستان دورود از آغاز فعالیت ستاد پروژه مهر این شهرستان با ۵کارگروه خبر داد. اسفندیار هاشمی در نخستین جلسه ستاد پروژه مهر شهرستان دورود با اشاره به اینکه تدبیر، تفکر، هماهنگی، برنامه ریزی و دوراندیشی برای سال تحصیلی جدید از طریق پروژه مهر انجام می شود، گفت: تلاش همکاران فرهنگی ما این است که بتواند بدون هیچ مشکلی بر نامه مهم پروژه مهر را اجرا کنند. وی شاداب سازی و آماده سازی مدارس را در ایجاد انگیزه و نشاط بین دانش آموزان، از برنامه های ستاد پروژه مهر اعلام کرد و افزود: آغاز سال تحصیلی نیازمند آماده سازی نیروی انسانی، فضا و شرایط مطلوب فیزیکی است که باید با برنامه ریزی مناسب و پیگیری جدی معیارهای دستورالعمل اجرایی پروژه مهر در این ستاد به شرایط مطلوب نزدیک شویم. مدیر آموزش و پرورش شهرستان دورود با بیان اینکه پروژه مهر آموزش و پرورش شهرستان دورود با پنج کارگروه، از ۱۲ تیر فعالیت خود را آغاز کرده است، تصریح کرد: این کارگروه هادر قالب موضوعاتی مانند سازماندهی، تعمیر و تجهیز مدارس، توجیه، تبلیغ و اطلاع رسانی، تأیید صلاحیت، نظارت و ارزیابی بازگشایی مدارس فعالیت می کنند. در ادامه این جلسه باجولوند معاون آموزش نظری و مهارتی آموزش و پرورش شهرستان دورود با تأکید بر این که پروژه مهر باید منتج به کیفیت بخشی در امر آموزش شود، افزود: پروژه مهر با هدف ساماندهی و برنامه ریزی مناسب برای بازگشایی مطلوب و بدون نقص مدارس و هر چه باشکوه تر بر گزار کردن برنامه های سال تحصیلی جدید از حیث نیروی انسانی، تجهیزات، ثبت نام دانش آموزان و... بر گزار می شود.

«اُردوز» اثر جدید شهاب امرایی کارگردان تئاتر شهرستان دورود

نمایش «اُردوز» به کارگردانی شهاب امرایی از ۱۵ تا ۳۱ تیرماه در مجموعه تئاتر محراب روی صحنه می رود. به گزارش روابط عمومی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان دورود، نمایش «اُردوز» هر شب ساعت ۱۹:۳۰ روی صحنه می رود. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: جشن سال نو در خانواده ای مهاجر و مقیم آمریکایا مرگ یکی از حاضران در مهمانی به پایان می رسد. فرشیذ صمدی پور، امین اسکندریان، معصومه رضایی، فاطمه سردی، ملیکا مشعل، محمد نریمانی و حسن اسدی در «اُردوز» به ایفای نقش می پردازند. سایر عوامل این نمایش عبارتند از: نویسنده: سعید کاظمی، مجری طرح: عدنان مصلاهی، مدیر تولید: محمد قادر رحمت، دستیار کارگردان و برنامه ریز: داوود سلیمانی، طراح صحنه و ساخت دکور: حمیددکردان، مدیر تبلیغات و مشاور رسانه ای: معصومه رضایی، مدیر اجرایی: لیلا نیکو، انتخاب موسیقی: شهاب امرایی، و وکال: نسترن قاضیانی، طراح گریم: پیمان حسینی، مجری گریم بانوان: مهسا سبزواری، مجری گریم آقایان: محمود ملکی، مدیر صحنه: رضا بهمنی، منشی صحنه: لینا فلاح، طراح نور: عدنان کاظمی

رونمایی از آثار نویسنده و مترجم شهرستان دورود به مناسبت روز «قلم»

با حضور جمعی از هنرمندان و نویسندگان شهرستان دورود از آثار محمود گودرزی یکی از فعالترین نویسندگان و مترجمین بازار نشر ایران رونمایی شد. به گزارش روابط عمومی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان دورود، در این مراسم ابتدا احمد قادر رحمتی رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان دورود ضمن تشکر و قدردانی از زحمات آقای محمود گودرزی در حوزه ترجمه کتب بزرگان و نویسندگان جهان افزود: کارهای آقای گودرزی همواره الهام بخش مسائل اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و هنری بوده و ترجمه هایش بسیار روان و دقیق است و نگاه وی به مسائل ارتقاء دانش علاقمندان به حوزه های مختلف بین المللی از جمله شناسایی آثار بزرگان ادبیات و هنرمندان سایر کشورهاست. وی تصریح کرد: ترویج مقوله کتاب و کتابخوانی از مهمترین رسالتهای حوزه فرهنگ و ارشاد اسلامی است که توجه و تقدیر از فعالین این حوزه انگیزه و تلاش علاقمندان – نویسندگان و مترجمین را در پی خواهد داشت. پس از سخنرانی رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان دورود از آثار و کتب محمود گودرزی رونمایی شد و به رسم زحمات چندین ساله این هنرمند به وسیله لوح تقدیر و هدیه نقدی از ایشان تجلیل به عمل آمد. در پایان مراسم محمود گودرزی پاسخگوی سئوالات حاضرین بود که عمدتاً در زمینه نحوی تشخیص ترجمه خوب و چگونگی تاریخچه ترجمه سئوالاتی مطرح کردند. محمود گودرزی یکی از فعالترین مترجمین این روزهای بازار نشر محسوب می شود که تاکنون کتابهایی از آثار بزرگان و نویسندگان جهان را ترجمه کرده است. آثاری از جمله: خورخه لوئیس بورخس –شکار و تاریکی –ناکاژاکی –ملاقات های ناگوار اتاق قرمز – عقاب ها –ودی آلن –اورسن ولز –استنلی کوبریک –بیبلی وایلدور و...

تلفات جانی بالادر جاده از نا–سازند



فرماندار از ناگفت: ماششین سنگین های خوزستان برای سفر به مرکز از مسیر جاده از نا–شازند استفاده می کنند و این مسیر به دلیل داشتن مشکلات زیاد سالانه تلفات بالایی دارد. به گزارش ایسنا، محمدی نژاد افزود: تقاطع دورود –از نا مشکلاتی را به وجود آورده که رفع آنها نیازمند تزریق اعتبار است.

کمبود پزشک متخصص مهم ترین مشکل تامین اجتماعی لرستان



مدیر درمان تأمین اجتماعی لرستان گفت: مهم ترین مشکل تأمین اجتماعی استان کمبود پزشک متخصص است. به گزارش ایسنا، دکتر امین بهاروند در جمع خبرنگاران، افزود: متأسفانه با وجود تلاش های صورت گرفته در استان کمبود پزشک متخصص داریم. وی افزود: پزشکان متخصص در لرستان ماندگاری ندارند یا اینکه اصلاً برای فعالیت به استان نمی آیند. اگر حتی پزشکان لر زبان در استان فعالیت داشته باشند، کمبود پزشک متخصص نخواهیم داشت و این در حالی است که این پزشکان به استان های دیگر برای فعالیت می روند. مدیر درمان تأمین اجتماعی لرستان تصریح کرد: علوم پزشکی هم پزشکان با رشته های مختص خود را دارد و برای تأمین اجتماعی از بین فارغ التحصیلان پزشکی سهمیه ای ندارد. پزشکان علوم پزشکی وقت اصلی خود را برای دانشگاه و وقت اضافه خود را برای تأمین اجتماعی اختصاص می دهند. علوم پزشکی لرستان با تأمین اجتماعی تعامل دارد، اما باید کمبود پزشک متخصص در مراکز تأمین اجتماعی لرستان به صورت جدی رفع شود. مدیر درمان تأمین اجتماعی لرستان خاطر نشان کرد: در برنامه ششم توسعه در یک بند آمده است که وزارت بهداشت موظف شده پزشکان طرحی خود را به تأمین اجتماعی بدهد که امید می رود که سال اول اجرای برنامه ششم توسعه وزارت بهداشت در این رابطه نیم نگاهی به تأمین اجتماعی داشته باشد. بهاروند افزود: اخیراً یک متخصص چشم برای بیمارستان تأمین اجتماعی خرم آباد جذب شده است که هفته آینده در استان شروع به کار خواهد کرد. وی با بیان اینکه دو متخصص مغز و اعصاب هم برای استان جذب شده اند که فعالیت خود را آغاز می کنند، اظهار داشت: محدودیتی برای به کارگیری پزشکان متخصص در استان وجود ندارد ضمن این که پرداختی به پزشکان متخصص در لرستان ۳۰ درصد نسبت به استان های برخوردار بیشتر است. بهاروند با اشاره به مراجعات کاذب و غیر ضروری به مراکز تأمین اجتماعی و سایر مراکز درمانی در استان، تصریح کرد: این مراجعات به مراکز درمانی فراوان نیازمند فرهنگ سازی و اطلاع رسانی از سوی رسانه هاست. وی اضافه کرد: ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر در مراکز تأمین اجتماعی لرستان در سال گذشته ویزیت شده اند که ۲۷ هزار نفر از آنها در مراکز تأمین اجتماعی استان بستری شده اند. از مجموع افراد بیمار بستری شده در مراکز تأمین اجتماعی لرستان ۱۷ هزار نفر هم مورد عمل جراحی قرار گرفتند. بهاروند افزود: ویزیت بیماران در مراکز تأمین اجتماعی لرستان در سال گذشته ۱۰ درصد نسبت به سال ۹۴ رشد داشته است. وی تصریح کرد: دو مرکز تأمین اجتماعی در شهرستانهای های نورآباد و پلدختر افتتاح شده است و لرستان در رتبه دهم کشور در زمینه تعداد مراکز ملکی تأمین اجتماعی قرار دارد. مدیر درمان تأمین اجتماعی لرستان اضافه کرد: در سال گذشته در زمینه خرید تجهیزات پزشکی در استان رشد مطلوبی داشتیم به طوری که در مدت زمان یاد شده بیش از ۱۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان تجهیزات برای مراکز استان خریداری شد. بهاروند با اشاره به نوسازی تجهیزات پزشکی مراکز تأمین اجتماعی لرستان، بیان کرد: دستگاه «سی تی اسکن» تأمین اجتماعی خرم آباد که ۲۵ سال از عمر آن می گذشت با اقدامات صورت گرفته به روزرسانی شد. همچنین هتلینگ و اورژانس مراکز و بیمارستان های تأمین اجتماعی لرستان توسعه داده شده است که با برنامه ریزی های صورت گرفته ارتقای هتلینگ و توسعه اورژانس بیمارستان شهرستان های بروجرد و دورود طی اسفندماه داشت. مدیر درمان تأمین اجتماعی لرستان با ائشاره به درمانگاه تأمین اجتماعی شهرستان انا، تصریح کرد: اکنون این درمانگاه ۷۵ تا ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است امسال به بهره برداری می رسد. بهاروند از شبانه روزی شدن درمانگاه تأمین اجتماعی الیگودرز خبر داد و افزود: آزمون استخدامی نیروهای مورد نیاز برای این درمانگاه برگزار شده و اکنون این درمانگاه آماده بهره برداری است.

کلاهربداری ۴میلیارد و ۵۰۰میلیون ریالی در دورود

فرمانده انتظامی لرستان از دستگیری یک متهم و کشف یک مورد کلاهربداری به مبلغ ۴ میلیارد و ۵۰۰میلیون ریال در دورود خبر داد. سردار محمد قنبری تصریح کرد: با بررسی های صورت گرفته متخص شد، فرد کلاهربدار یک دستگاه آپارتمان ۴ طبقه را به شاکي فروخته است که بعد از انجام معامله، خریدار با مراجعه به سازمان های مرتبط متوجه می شود ساختمان مذکور هیچ سند قانونی ندارد و همه مدارک آن جعلی است و متهم از این طریق مبلغ ۴میلیارد و ۵۰۰میلیون ریال از مالباخته کلاهربداری کرده است.

معرفی منتخبان مرحله مقدماتی مسابقات قرآن و اوقاف دورود

مرحله شهرستانی چهارمین دوره مسابقات قرآن کریم در روزهای ۱۵ و ۱۶ تیرماه در خانه تلاوت شهرستان دورود با همکاری کانون تبلیغی المهدی برگزار شد. در این دوره از مسابقات ۹۰۰نفر از علاقمندان در رشته های حفظ، قرائت، دعاخوانی، اذان، همخوانی و تواشیح در بخش های شفاهی و کتبی در رشته های مفاهیم، تفسیر، معارف و حکمت های نهج البلاغه با یکدیگر به رقابت پرداختند. در رشته قرائت ترتیل بخش بانوان به ترتیب خانم هافاطمه دبیری، سارارازانی و معصومه شهبازی به مقام های اول تا سوم دست یافتند. در رشته حفظ ۵جزه بانوان نسرین پاپی، بانو خادم و زهرا محمودی اول تا سوم شدند و در رشته حفظ ۱۵ جزء خانم معصومه بیاتیان به مقام اول دست یافت. همچنین در رشته حفظ ۲۰ جزء قریا پاپی به مقام اول دست یافت و در رشته دعاخوانی مریم فلاخی، فیروزه حسن پور و آمنه آریایی به مقام های اول تا سوم دست یافتند. بنا بر این گزارش، در رشته ترتیل بخش آقایان، محمد رحمتی، علی فرامرزی و احمد ورمزپاری به مقام های اول تا سوم دست یافتند و در رشته قرائت تحقیق، حسین پیر صفیان، علی پیر هادی و جواد حیم زاده اول تا سوم شدند. همچنین در رشته اذان بخش آقایان محسن رحمتی، علی فرامرزی و حسین پیر صفیان به مقام های اول تا سوم دست یافتند. در رشته دعاخوانی آقایان سید هامود حسینی، محمد رحمتی و محسن رحمتی اول تا سوم شدند و در رشته حفظ کل قرآن کریم آقایان سید حمزه موسوی و سید علی موسوی اول و دوم شدند.

چهارشنبه ۲۸ تیر ۱۳۹۶ ضمیمه شماره ۲۶۷۷۱

ضرورت تعطیلی هر چه سریعتر کشتارگاه ستنی دورود



رئیس اداره حفاظت محیط زیست گفت: کشتارگاه دورود ستنی است. امیر زلفی در گفتگو با خبرنگار ایسنا افزود: کشتارگاه ستنی یکی از معضلات زیست محیطی شهرستان دورود است که باید هر چه سریع تر تعطیل شود. این کشتارگاه توسط شهرداری اداره می شود و بالای ۴۰ سال است که فعالیت می کند. زلفی ادامه داد: با توجه به عواقب خطرناکی که کشتارگاه های ستنی دارند و باعث بروز مشکلات بهداشتی زیادی می شوند، باید هر چه سریع تر از فعالیت این کشتارگاه ها جلوگیری شود. رئیس اداره حفاظت محیط زیست دورود خاطر نشان کرد: بخش خصوصی در حال ساخت یک کشتارگاه نیمه صنعتی است که امیدواریم هر چه سریع تر به سرانجام برسد. وی افزود: برای کشتارگاه ستنی شهرداری چندین بار اخطاریه صادر شده اما برای رفع آلایندگی کار خاصی انجام نداده است. زلفی با اشاره به نظارت و پایش از دیگر صنایع شهرستان گفت: اکثر واحدها تعطیل هستند و فعالیتی ندارند و از بقیه به صورت مستمر، بازرسی به عمل می آید.

بهره برداری از ۸ طرح خدماتی، تولیدی و مسکن مددجویی در دورود



بهره برداری از پایگاه خدمات اجتماعی بهزیستی است. جعفر درویشی اضافه کرد: به پنج خانواده زیر پوشش بهزیستی دورود که دارای ۲ معلول یا بیشتر هستند ۳۰۰ میلیون ریال تسهیلات از اعتبارات اختصاصی سازمان بهزیستی اعطا شده است. وی خاطر نشان کرد: پنج معلول زیر پوشش بهزیستی هم با اشتغال در کارگاه تولیدی بلوک زنی و همچنین ۶ زن سرپرست خانوار با اشتغال در هتل شهرداری دورود با اعتبار ۸۸۰میلیون ریال از محل اعتبارات کارفرمایی بیمه استان تحت حمایت قرار گرفته و بیمه شده اند. به گفته وی یکی از برنامه های سازمان بهزیستی در کاهش آسیب های اجتماعی، راه اندازی اورژانس های اجتماعی است که شاهد افتتاح این پایگاه در شهرستان دورود بوده ایم. درویشی اضافه کرد: این مرکز در محله انگشته دورود با زیربنای ۳۰۰ مترمربع و با اعتبار ۳۰۰میلیون ریال از اعتبارات اختصاصی سازمان بهزیستی و جذب سه نفر نیروی بومی تخصصی روانشناس و مددکار اجتماعی در شهرستان شروع به کار کرده است.

در این آیین فرماندار دورود و جمعی از مسئولان شهرستانی حضور داشتند.

معاون وزیر راه: بخش عمده کمربندی دورود تا پایان امسال آسفالت می شود

خبرالله خامدی معاون وزیر راه در نشست بررسی وضعیت کمربندی دورود در محل کارگاه این طرح گفت: قطعه دورودداران سخت ترین قطعه محور داران –الیگودرز بوده که قرارداد این محور در سال ۸۷ بسته شد، ولی متأسفانه به دلیل مشکلات تملک اراضی در این مسیر، کنار گذاشته شد.

وی بیان داشت: شروع طرح کمربندی دورود با اما و اگرهایی همراه بود که با عنایت استاندار لرستان و پیگیری های نماینده مردم عملیات اجرایی آن در انتهای سال ۹۴ آغاز شد.

خادمی اضافه کرد: در ابتدای طرح از محل توازن منطقه ای ۵۰ میلیارد ریال به این طرح اختصاص یافت و مقرر شد با افزودن مبلغی از سوی وزارت راه و شهرسازی تمام طول این محور تملک شود که متأسفانه بخشی از این اعتبار تأمین نشد. وی خاطر نشان کرد: پارسال هم استاندار از محل توازن منطقه ای، ۵۰ میلیارد ریال به این طرح اختصاص داد که متأسفانه به علت مشکلات نقدینگی اعتبارات توازن منطقه ای در کل کشور اختصاص داده نشد. وی با بیان اینکه در سال ۹۵هز دولت برای طرح های عمرانی استفاده از اسناد خزانه اسلامی بود افزود: در سال گذشته فقط ۳۴۰ میلیارد ریال برای تملک اراضی در کل کشور به وزارت راه و شهرسازی اختصاص داده شد. معاون وزیر راه و شهرسازی گفت: امسال با توجه به اختصاص ۱۳۰ میلیارد ریال از محل توازن از سوی استاندار لرستان تا پایان سال با برنامه ریزی می توانیم ۲۰۰ میلیارد ریال در این طرح هزینه کنیم. وی با بیان اینکه یگانه خدغه ماده مادر سال جاری عدم تخصیص ها و نقدینگی است، افزود: با این مشکلات پیمانکار طرح می باید کار ارزیابی چهار کیلومتر از این مسیر که همچنان تملک نشده است را آغاز کند. خادمی تصریح کرد: پیمانکار باید طرح با مدیریت و برنامه زمان بندی قسمتی از مسیر که تملک و تحویل شده است را تکمیل کند و آسفالت شده تحویل دهد. وی با تأکید بر به اتمام رساندن عملیات ساخت پل رودخانه تیره در مسیر کمربندی دورود گفت: تیرها و عرشه های این پل هر چه سریع تر نصب شوند تا عبور و مرور از طریق این پل برقرار شود زیرا با فرارسیدن فصل زمستان با مشکلاتی روبرو خواهیم شد. طرح کمربندی دورود در انتهای سال ۹۳ آغاز شده و تاکنون حدود ۳۴ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. هم اکنون خودروهای سنگین که از مرکز به طرف جنوب کشور تردد می کنند از داخل شهر دورود عبور می کنند که مشکلاتی برای شهروندان این شهر به وجود آورده است.

مدیر کل ورزش جوانان:

برای رسیدن به نقطه مطلوب در ورزش جمعی تلاش خواهیم کرد

علی‌یاور عزیزپور مدیرکل ورزش و جوانان لرستان در مراسم معارفه سرپرست جدید معاونت ورزشی گفت: رسیدن به افق ورزش در نقطه مطلوب نیازمند تلاش جمعی است. به گزارش روابط عمومی اداره‌کل ورزش و جوانان لرستان، وی با تشکر از زحمات صادقانه فرهاد دیناروند در



«شبکه‌های اجتماعی و جایگاه ادبیات»

شبکه‌های اجتماعی حداکثر می‌توانند محل ارتباط نویسنده و مخاطب باشند ؛ نه محل بروز خلاقیت‌های ادبی. عرصه شبکه‌های اجتماعی عرصه سرعت است و در ادبیات، جایی برای شتاب نیست. اگر نویسنده در شبکه‌های اجتماعی مخاطبی دارد، مخاطب دیالوگی اوست. هر فرد علاقمند در شبکه اجتماعی مخاطب موافق و مخالفش را پیدا می‌کند. دیالوگ برقرار و راجع به داستان یا شعر صحبت می‌کند. فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و پیام رسان از نوع روزنامه‌نگاری است و بر حسب ویژگی ذاتی، دارای سرعت زیاد است و ادبیات به سختی می‌تواند به ریتم این شبکه‌ها نزدیک شود.یکی از آسیب‌های بزرگ برای یک نویسنده حرفه‌ای، فعالیت روزنامه نگاری است، زیرا کسی که روزنامه‌نگار است و می‌خواهد داستان بنویسد، هر موضوع تازه‌ای را به سرعت در یادداشتش می‌نویسد یا در گزارشش آن را پیگیری می‌کند و با این کار تخلیه می‌شود، اما باید دانست که تفکر در وجود او رسوب نکرده و قوام پیدا نمی‌کند. از مزیت‌های شبکه‌های پیام رسان و اجتماعی این است که هر روز تکامل یافته‌تر می‌شوند و فرصت‌های خوبی فراهم می‌کنند که اعضای آنها صدای همدیگر را بشنوند و از طرفی تحول عظیمی در تبادل اخبار و اطلاعات فراهم آورده‌اند، به نحوی که اکنون، بهترین خبرها، آنهایی نیستند که توسط خبرنگاران شبکه‌های خبری یا خبرگزاری‌ها تهیه شده، بلکه آنهایی است که همین مردم موبایل به دست گزارش داده‌اند. خبرنگارانی که بدون گرفتن مزد و موجب از زوایه‌های دیده نشده خبر می‌فرستند و بالاخره شبکه‌های اجتماعی یا پیام رسان موقعیت‌هایی را فراهم کرده‌اند که افراد صدایشان به معنی اعتراض یا موافقت به راحتی به گوش دیگران و جامعه برسد. اگر قرار باشد از حرف‌های یک نویسنده یا شاعر در هر کجای عالم مطلع شویم، امروزه دیگر نیازی به روزنامه و خبرگزاری نیست، چرا که این افراد در سایت‌ها و شبکه‌های مجازی مستقیماً با مخاطب در ارتباط هستند، ولی باید این مهم را بدانیم که این امکان ارتباطی کارآمد به هیچ وجه نمی‌تواند محل تولید و عرضه یک اثر ادبی فاخر باشد.

دکتر محمد جعفر محمدزاده

اهمیت و نقش مناطق حفاظت شده

اهمیت و نقش پناهگاه‌های حیات وحش و مناطق حفاظت شده در ابعاد گوناگون آموزشی، پژوهشی، علمی، تفرج و توریسم، تربیت نیروی انسانی و از همه مهم‌تر حفظ تنوع زیستی در سطح ملی و جهانی در همه کشورها و در تمام قاره‌ها از نظر اقتصادی –اجتماعی و فرهنگی به رسمیت شناخته شده است. مناطق موجود در شبکه مناطق حفاظت شده کشورهای مختلف از نظر ابعاد، شکل، مفهوم، ساختار و کارکرد از یکدیگر متفاوتند. این مناطق با هر عنوانی تحت حفاظت قرار گرفته باشند باید معرف گوشه‌ای از ویژگی‌های بارز و غنای

طبیعی هر سرزمین باشند. به همین

دلیل شبکه مناطق حفاظت شده در هر کشور آینه تمام عیاری از تنوع بوم شناختی آن کشور محسوب می‌شود. این شبکه باید یک یا چند نمونه از بوم سازگانه‌ای معرف هر کشور را در سیما و منظری متفاوت با زیستگاهها و حیات وحش متنوع همراه با انواع پدیده‌های زنده و غیر زنده در شبکه‌ای یگانه تحت پوشش قرار دهد. با همه ارزشهایی که مناطق حفاظت شده و پناهگاه‌های حیات وحش دارند، اما متأسفانه همیشه از یک پارادوکس درونی رنج می‌برند. به این ترتیب که حفاظت آنها همیشه به سادگی مقدور نیست. در واقع وجود منابع بی‌همتا در این مناطق خود خطری جدی برای موجودیت آنها محسوب می‌شود، زیرا طبیعت اگرچه پیکره‌ای حیاتی و زنده است و کسی حق ندارد فقط به عنوان وسیله‌ای تولیدی به آن نگاه کند، اما به هر حال به عنوان منبع طبیعی عاملی است در ترکیب عوامل تولید که از دید اقتصادپون صرف پنهان نمی‌ماند. به‌علاوه حفاظت یعنی تلاش جامعه در درک سرشت

چهارشنبه ۲۸ تیر ۱۳۹۶ضمیمه شماره ۲۶۷۷۱

تحلیلی بر فیلم شکافته (split)

ساخته جدید کارگردان هندی – آمریکایی،ام‌نایت شیامالان

ام نایت شیامان در سال ۱۹۹۹ با فیلم «حس ششم» به‌طور جدی وارد عرصه سینما شد، فیلمی با داستان عالی و با بازی به یادمندی بروس ویلیس و با پایانی اعجاب آور که همچنان یکی از بهترین آثار دلرهه آور تاریخ سینما محسوب می‌شود و ام نایت شیامالان را به عنوان یک کارگردان صاحب سبک به دنیای سینما معرفی کرد. پس از حس ششم، ام نایت شیامالان فیلم «ناشکستی» را ساخت و توانست نظر منتقدان را جلب کند، اما در سالهای اخیر اوضاع برای او به شکلی که سینما دوستان و طرفدارانش دوست داشتند، پیش نرفت و با ساخت آثار متفاوتی چون، «آخرین هواشکن» و «پس از زمین»، با صرف هزینه‌های هنگفت با شکست مواجه شدند. شیامالان پس از این شکست‌ها، «ملاقات» را در سال ۲۰۱۵ با صرف هزینه‌ای کم ساخت و با وجود اینکه در حد و اندازه فیلمهای موفق او نبود، دوباره نظر منتقدان را جلب کرد و نشان داد نسبت به آثار ناموفق سالهای اخیرش گامی رو به جلو برداشته است. حال ام نایت شیامالان فیلم دلرهه‌آور «شکاف» را بر روی پرده آورده است که داستان مردی را روایت می‌کند که دچار اختلال شخصیتی است.

داستان فیلم درباره مردی – جیمز مک آووی – است که سه دختر را می‌رباید و در یک زیرزمین زندانی می‌کند. سه دختر نوجوان که به شدت ترسیده‌اند، به دنبال یافتن دلیل دزدیده شدنشان هستند اما به‌زودی معلوم می‌شود مردی که آنان را دزدیده، دچار اختلال هویت است. شخصیت اصلی فیلم بیماری است که دارای ۲۳ شخصیت مختلف است و هر بار در قامت یک شـخصیت متفاوت با آنها گفتگو می‌کند. بیمار روانی فیلم «شکاف» به‌خوبی توانسته قالب‌های گوناگونی از انسانها را به تصویر بکشد و هربار بخشی از فیلم را به بررسی این شخصیت‌ها اختصاص دهد.

هر چه داستان پیش می‌رود، شخصیت‌های خوفناک مک‌آووی بیشتر نمایان می‌شوند و دختران محبوس در زیر زمین، به دنبال راهی برای فرار از زیرزمین هستند و هر بار با حضور شخصیت غیرقابل پیش‌بینی مک‌آووی، نقشه آنان با شکست مواجه می‌شود. تنها یکی از دخترها به نام کیسی است که توانسته بر ترس خود غلبه کند و این به‌خاطر گذشته‌ای است که داشته و شیامالان با استفاده از فلش بک‌هایی در طول فیلم این موضوع را بیان کرده است. شکاف فیلمی است که بیننده را وادار به تحلیل روانشناسانه شخصیت‌ها می‌کند و از اختلال روانی شخصیت اصلی‌اش به عنوان بهانه‌ای برای توجیه روانی‌بودنش و آدم‌ربایی‌اش استفاده نمی‌کند، بلکه سعی دارد بیان کند که گذشته او را تبدیل به این هیولا کرده است. این فیلم بیان می‌کند که سوء استفاده‌های فیزیکی از آدم‌ها منجر به مبارزه آنان با عواقبش هستند. از نگاه شکاف سختی‌ها بازدارنده نیستند بلکه می‌توانند فرد را به قدرت و تکامل برسانند که این نگاه جذابش به موضوع بر خلاف ناپایداری این ژانر، آن را منسجم ساخته بود. خصوصیات فیلمنامه در «شکاف» بیننده را به سمت تحلیل روانشناسی شخصیت‌ها سوق می‌دهد، در حالی که شیامالان از آن برای به ثمر‌ساندن اهداف خود بهره برده است. در نهایت، این فیلم متعلق به مک‌آووی است که با آن بازی چشم‌نوازش بیننده را مبهوت خود می‌کند و گویی دوربین را با آن دندان‌های بیرگانه‌اش می‌بلعد. ماهیت این شخصیت با وجود سر تراشیده‌اش، اگر چه به تغییرات لباس‌هایش وابسته است (از طراح لباس نامزد اسکار «پاکو دلگادو» کمک گرفته شده که در فیلم بینوایان همکاری داشت) ولی تفاوت‌های شخصیت‌های دیگرش را می‌توان هنگام نمایش تغییرات چهره، لهجه و از طریق زبان بدن مشااهده کرد. اگر چه هنگام ملاقات با دکتر فلچر، فقط یکی از این شخصیت‌های مختلف نمود پیدا می‌کند. شیامالان قواعد اختلال تجزیه هویت را به خوبی در فیلم خود تشریح کرده و با این شخصیت، بهترین نقش دوران هنری مک‌آووی را ساخته است.



سایه افکنده و بیشتر مواقع آنها را به حاشیه می‌رانند. در سالهای اخیر با توجه به فعالیت‌های آموزشی و ترویجی زیادی که در زمینه حفظ محیط زیست و همراه کردن مردم در زمینه حفظ ارزشهای طبیعت و تنوع زیستی انجام گرفته است، اما هنوز هم نحوه نگرش و تلقی جوامع و تردید و ناباوری مسئولان نسبت به مفهوم و اهمیت این مناطق تفاوت‌های بسیار زیادی را نشان می‌دهد. این تفاوت‌ها بیانگر این موضوع هستند که جوامع انسانی تا دستیابی به درک صحیح و روشنی از ارزشهای غیرقابل جانشین این مناطق که سزاوار آن هستند، هنوز در نیمه راه قرار دارند. به همین منظور از نظر آموزش و تنویر افکار عمومی در کنار سایر تمهیداتی که کیفیت زندگی بشر را ارتقاء می‌دهد، باید کارهای جدی و مستمری صورت گیرد. تجربه نشان داده است که ترویج و تثبیت ارزشهای مختلف مناطق حفاظت شده و پناهگاههای حیات وحش از طریق معرفی آنها به عموم جامعه می‌تواند پشتوانه حمایتی مطمئنی برای آنها به وجود بیاورد. هر چقدر این مناطق ناشناخته‌تر بمانند، بیشتر در معرض تهدید استفاده بی رویه و نامناسب قرار دارند، زیرا عدم شناخت می‌تواند تردیدهای مسئولان را نسبت به آنها رشد داده و آنها را در تلقی خود از این میراثهای با ارزش ملی و جهانی ((به عنوان سرمایه‌های راکد و بدون استفاده)) راسخ‌تر کند. از طرفی دیگر در صورتی‌که آگاهی مردم رشد نکند (کمبرندهای حفاظت و دیدن کمترین اختلال در سیستم حمایت از آنها)، مردم در تخریب و بهره‌برداری بی‌رویه از آنها کوچک‌ترین تردیدی به خود راه نخواهند داد. به ویژه در شرایط بحرانی و دوره فشارهای اقتصادی که سستی احساس نسبت به طبیعت و منابع زنده در سطح عام و خاص بیشتر رخ نشان می‌دهد و این مناطق بیشتر در معرض خطر قرار می‌گیرند. ترویج و اشاعه ارزشهای مناطق حفاظ شده امروزه یکی از رایج‌ترین و موثرترین راههای جلب حمایت برای حفاظت مستمر آنهاست. تهیه شناسنامه مناطق در قطع، شکل و مضمون متفاوت در کنار سایر شیوه‌های تنویر افکار عمومی یکی از راههای مؤثر است.

جواد سالاروند – کارشناس محیط زیست





روز تولد تورو ز نگاه باران

بر شور هزار تشنه بر این دل بیابان

روز تولد تو گویی پر از خیال است

یاس و کبوتر و باد در حیرت تو خواب است

تولدت مبارک عزیز بابا و مامان



صد آفرین

نگار یار احمدی

شاگرد ممتاز و سختکوش

حافظ ۸ جزء قرآن کریم

پذیرفته شده در آزمون دبیرستان نمونه دولتی

کلاس نهم از مدرسه فرشتگان

با تشکر فراوان از معلم مهربان و پرتلاش

خانم جمشیدی

از طرف پدر، مادر و برادرت



صد آفرین

آیا جودکی

شاگرد ممتاز و سختکوش

کلاس دوم

از مدرسه خیر تبریزی

با تشکر فراوان از معلم مهربان

و پرتلاش، خانم جمشیدی



صد آفرین

نگین احمدی

شاگرد ممتاز و سختکوش

کلاس سوم از مدرسه رسالت

با تشکر فراوان از معلم مهربان

و پرتلاش خانم آسترکی



آموزش هنر رزمی تکواندو

زیر نظر استاد بهروز دهخواری،

با سابقه درخشان مربیگری بیش از ۳۰ سال

دارای کمربند مشکی دان ۶

مربی و داور رسمی از فدراسیون تکواندو جمهوری اسلامی ایران

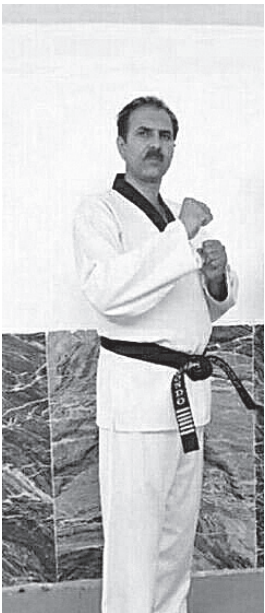
روزهای فرد: ساعت ۱۷ تا ۲۱ - خیابان ۳۰ متری استاد دیوم

تختی، سالن تکواندو

روزهای زوج: ساعت ۱۷ تا ۱۹ - جنب بیمارستان ۷ تیر، میثاق

۶ - باشگاه شهید آسأل

همراه ۰۹۱۶۶۹۹۲۱۷۷



ریاست محترم در مانگاه شهدای کارگر دورود

مسئول محترم واحد تزریقات برادران

مسئول محترم واحد آزمایشگاه

بدینوسیله از تلاش مضاعف شما در تکریم ارباب رجوع، برخورد مناسب، نظم و انضباط حاکم بر این مجموعه درمانی و روانی انجام امور مراجعه کنندگان تشکر و قدردانی ویژه به عمل آورده و از خداوند متعال سلامتی و بهروزی شما را در طول زندگی خواستاریم.

جمعی از مراجعه کنندگان در مانگاه شهدای کارگر

ریاست محترم بانک سپه شعبه سیمان دورود

و پرسنل خدمت و زحمتکش

بدینوسیله از تلاشهای ارزنده شما در تکریم و تسهیل امور مشتریان این بانک کمال تشکر و قدردانی را به عمل آورده و از ایزد یکتا موفقیت و سربلندی شما را در تمامی شئون زندگی آرزومندیم.

جمعی از مشتریان

به یک پرستار (خانم یا آقا)

بامدارک تحصیلی (کاردانی و کارشناسی) در رشته های پرستاری، مامایی، بهیاری، تکنیسین اتاق عمل، تکنیسین بیهوشی، تکنیسین فوریتهای پزشکی یا پرستار ارتش برای کار در کلینیک ترک اعتیاد نیازمندیم.

شماره تماس: ۰۹۳۵۴۱۰۴۳۰۰

فروشی اکازیون

یک واحد آپارتمان در طبقه سوم به مساحت ۱۳۵ متر مربع، ۳ خوابه، نوساز، دارای کلیه امکانات و امتیازات شهری، سند مالکیت تک برگ واقع در هشتصد دستگاه (دانشجو) به فروش می رسد

تلفن تماس: ۰۹۱۲۵۸۷۹۰۲۱ - ۰۹۳۰۷۳۳۰۷۴۸

فروشی منزل مسکونی

دو طبقه، متراژ ۱۰۰ متر مربع دو کله، دولتی،

نوساز، تمام اسکلت، شهرک سینا قانون ۹

شماره تماس: ۰۹۱۲۹۳۲۷۰۴۲

آکواریوم خلیج فارس

از پاساژ مادر

به پاساژ پردیس طبقه همکف

انتقال یافت



آگهی دعوت مجمع عمومی عادی نوبت اول

جلسه مجمع عمومی عادی نوبت اول شرکت تعاونی مسکن نصر شماره دو فرهنگیان دورود به شماره ثبت ۹۰۷ راس ساعت ۱۸ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۶/۰۵/۲۲ در محل مسجد امیرالمومنین (ع) واقع در بلوار معلم شهرستان دورود تشکیل میگردد.

لذا از کلیه اعضاء دعوت میشود با در دست داشتن کارت و یا دفترچه عضویت راس ساعت مقرر در محل مذکور حضور به هم رسانند و یا وکیل / نماینده خود را کتباً معرفی نمایند.

* ضمیمه اطلاع می‌رساند که به موجب ماده ۱۸ آئین نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی؛ تعداد آراء و کالتی هر عضو حداکثر ۳ رأی و هر شخص غیر عضو تنها یک رأی خواهد بود و اعضای متقاضی اعطای نمایندگی، می‌بایست به همراه نماینده خود حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۶/۰۵/۲۰ در محل قانونی شرکت حاضر تا پس از احراز هویت و تأیید وکالت، برگه ورود به مجمع را دریافت نماید.

* دستور جلسه:

- گزارش هیأت مدیره و مدیرعامل و بازرسان
- ارائه گزارش مالی توسط حسابدار یا مدیر مالی
- تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی منتهی به ۱۳۹۵/۱۲/۲۹
- بررسی وضعیت پاداش اعضای هیأت مدیره
- بررسی وضعیت دستمزد مدیرعامل
- بررسی چگونگی واگذاری زمینهای کوی گلستان
- بررسی وضعیت واگذاری واحدهای مسکونی مجتمع گهر
- تعیین و تکلیف اعضای باقی مانده از مجتمع مسکونی گهر که تاکنون مشارکتی نداشته و بلا تکلیف هستند.

هیأت مدیره

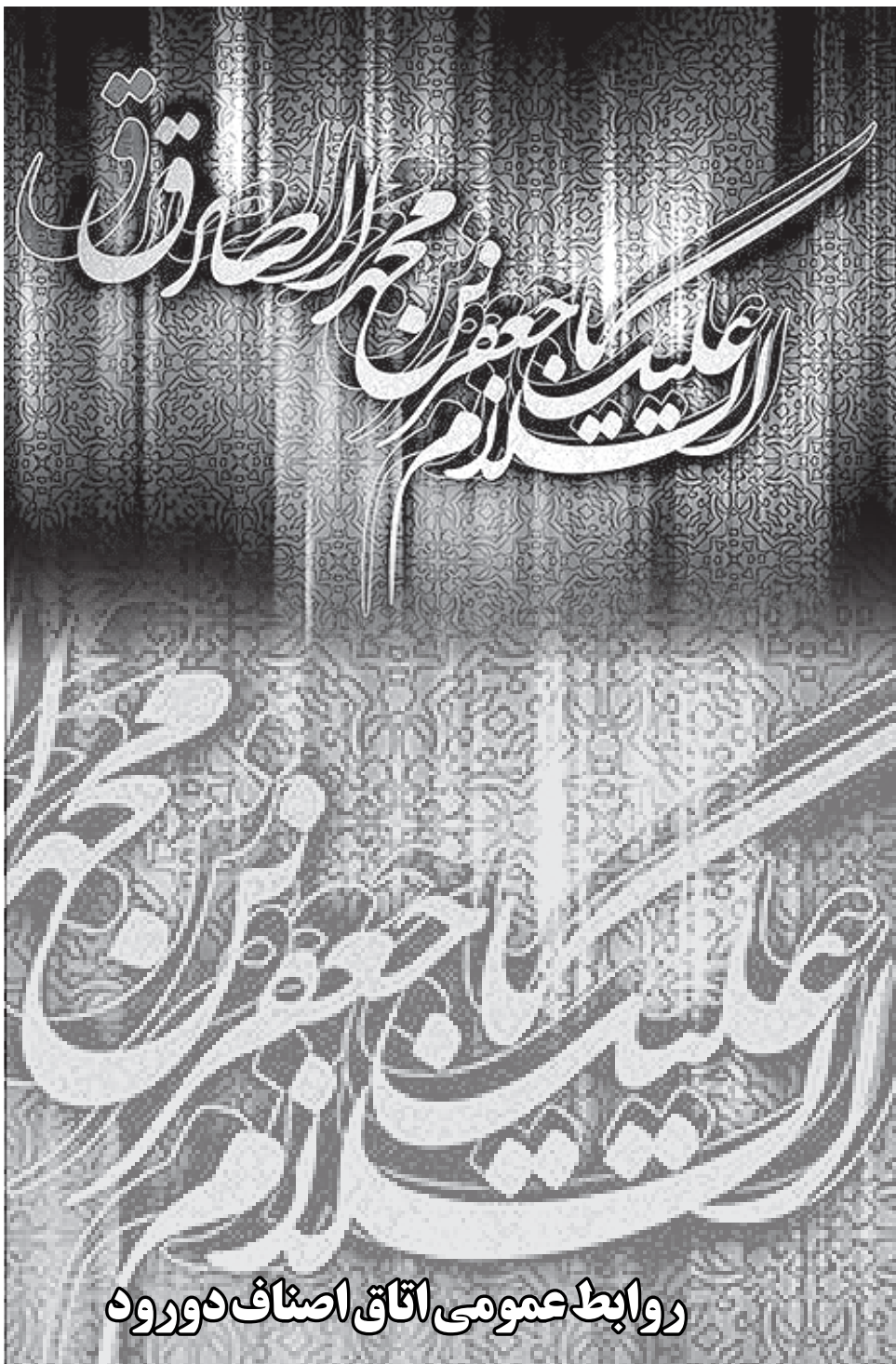
شرکت تعاونی مسکن نصر شماره دو فرهنگیان دورود



تا حد امکان از آب شرب برای فضای سبز استفاده نشود

و باغچه را در شب یا صبح زود آبیاری نموده تا تبخیر آب به حد اقل برسد

روابط عمومی آتشی دورود



روابط عمومی اتاق اصناف دورود



روابط عمومی شهر داری
و شورای اسلامی شهر دورود



مدیریت و روابط عمومی شرکت سپتامی دورود



روابط عمومی شرکت فراخ و ماشین سازی دورود



مدیریت شعب استان لرستان

روش‌های پرداخت اقساط و واریز وجه به صورت غیر حضوری از طریق تمامی کارت‌های سایر بانک‌های عضو شبکه شتاب

۱- مراجعه به سایت www.MEBANK.IR و انجام مراحل زیر:

- ورود به قسمت «پرداخت قسط شتابی» یا واریز وجه
- وارد کردن اطلاعات مربوط به تسهیلات دریافتی و مشخصات پرداخت کننده قسط و همچنین وارد کردن اطلاعات بانکی حساب مبدا و مقصد برای واریز وجه
- تأیید مشخصات نمایش داده شده.

- وارد کردن مشخصات کارت بانکی عضو شتاب (شماره سریال کارت، رمز دوم کارت، تاریخ

انقضاء و شماره CVV۲) مندرج بر روی کارت

۲- خودپردازهای بانک مهر اقتصاد

۳- اینترنت بانک مهر اقتصاد

برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌های ۱۴-۳۳۲۳۸۲۱۳
(مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات) تماس بگیرید.
آدرس شعبه دورود: میدان هفت تیر، جنب بانک مسکن



چرا؟؟؟؟ عمو سبزی فروش

دارای استاندارد معتبر سازمان غذا دارو

کار آفرین نمونه سال ۹۳ در سطح استان لرستان.

برند برتر سال ۹۴ در استان لرستان.

برگزیده ملی سال ۹۵ در سطح کشور.

واحد دانش بنیان نمونه در میان مراکز رشد دانشگاه

آزاد.

فاقد هر گونه افزودنی و نگهدارنده.

تهیه شده از مزارع تحت نظارت بهداشت و آب چاه

نشانی جدید: خیابان ۴۵ متری. پایین تر از مخابرات
ابتدای معلم اول ۴۳۲۴۷۱۰۰
(احسان پار. سا. قاسمی)

فروشگاه مواد غذایی و بهداشتی

خورشید



مدیریت: خورشیدوند

با عرضه بهترین و متنوع ترین اقلام غذایی و محصولات بهداشتی در خدمت شما همشهریان عزیز است. در فروشگاه مواد غذایی و بهداشتی خورشید خریدی ارزان، متنوع و با کیفیت خواهید داشت.

هدف ما جلب رضایت شماست

نشانی: بلوار ۳۲ متری الغدير، پایین تر از دادگستری بین بنفشه پنجم و هفتم - فروشگاه مواد غذایی خورشید

فروشگاه اسباب بازی همشهری

انواع اسباب بازی، دخترانه و پسرانه (ایرانی و خارجی)
انواع بازیهای فکری، اسکوتر و موتور شارژی، دوچرخه و سه چرخه
اسکیت و اسکیت برد، تاب و سرسره



آدرس: ابتدای بلوار معلم،

مجتمع تجاری فرهنگیان (خوشدل)

تلفن: ۰۹۱۶۶۹۹۳۹۶۵

شرکت فنی مهندسی

ایر سا رایانه

- خرید، فروش کامپیوتر، لپ تاپ و تبلت (نقد و اقساط)
- آموزش علوم مختلف کامپیوتر (مقدماتی - پیشرفته - حرفه ای)
- طراحی و پیاده سازی برنامه های کاربردی، حسابداری و... (C#.NET, ASP.NET)
- طراحی سایت (Static, Dynamic)
- طراحی، پیاده سازی و پشتیبانی شبکه (Network)
- کافی نت (Internet)
- عیب یابی و تعمیر کامپیوتر
- خدمات کامپیوتر و شارژ کارتريج
- نصب و راه اندازی دوربین مدار بسته

مدیر عامل: مهندس خويشاوند ۰۹۱۲۹۳۲۷۰۴۲

مدیر فروش: مهندس بهرامی ۰۹۱۳۰۳۹۱۰۸۳

آدرس: دورود الغدير چهار راه خيام نبش خيام غربی طبقه اول واحد دوم
تلفکس: ۰۶۶-۴۳۲۴۴۲۹۹

پیمان شوم

شماره ثبت ۱۷۰۱

نرم افزار - سخت افزار - اینترنت

* آماده عقد قرارداد پشتیبانی شبکه و کامپیوتر های ارگانهای دولتی و خصوصی

* آماده عقد قرارداد جهت فروش کامپیوتر و لپ تاپ به کارمندان ارگان های دولتی و

خصوصی به صورت اقساط

* فروش کامپیوتر و لپ تاپ همراه با یک دوره

آموزش رایگان به ارزش ۱۰۰ هزار تومان

با اندرشم نو بهلوتر از دیگران حرکت کنید



کانون فرهنگی آموزش، قلم چی

اسامی قبولی تیزهوشان شهرستان دورود
شرکت کننده در آزمونهای قلم چی

پایه نهم



حسین دالوندی ساکی



فرهاد الوند



مهدی امینی



امیر حسین ساکی



حمیدرضا لک



فاطمه ماکیانی

نشم دبستان



شایان جودکی



محمد جواد جودکی



علی قادر حمّتی



یاس زندی زاده



میترا نیک سیرت



سنا شکیب آرا

مدیریت: سعید میرزایار احمدی

شعبه پسران: خیابان ۴۵ متری (بلوار معلم)، کوچه معلم ۷

تلفن: ۴۳۲۳۱۴۰۰ و ۴۳۲۳۴۹۰۷

شعبه دختران: خیابان شریعتی کوچه فردوس ۱۰

تلفن: ۴۳۲۲۴۴۱۳ و ۴۳۲۲۳۰۵۰

دبیرستان غیر دولتی امام رضا (ع) ۱۷ سال تجربه درخشان

با حضور اساتید مجرب
برای سال تحصیلی ۹۶-۹۷ ثبت نام
می نماید

با نظارت مستقیم سعید میرزایار احمدی
نمایندگی قلم چی شهرستان دورود

نشانی: خیابان شریعتی - کوچه فردوس ۱۰
تلفن: ۴۳۲۲۳۰۵۰ و ۴۳۲۲۴۴۱۳

اجاره ساختمان پزشکان

واحد های ۹۰ و ۱۲۰ متر مربعی

مجهز به کلیه امکانات رفاهی مدرن

جهت دایر نمودن مطب

دارای فضای مناسب در طبقه همکف

برای دایر نمودن

داروخانه، سونوگرافی و فیزیوتراپی

((۲۰ درصد تخفیف ویژه برای پزشکان))

نشانی: بلوار معلم، نبش معلم ۲



تلفن:

۰۹۱۶۳۶۵۰۳۵۱

یار احمدی شیرازی





شرکت تعاونی مصرف فرهنگیان دورود



تعاونی برتر فرهنگیان کشور

مزایای خرید از فروشگاه فرهنگیان

* حفظ شأن و کرامت خانواده ها

* بهره مندی از کالای مرغوب و با کیفیت و اطمینان از

حلال بودن

* خرید کالای غیر قاچاق ایرانی و سهمیم شدن در

شکوفایی اقتصاد کشور

* عرضه کالاهای برند و مشهور

* محیطی برای آرامش خانواده ها

طرف قرارداد با

آموزش و پرورش دورود، سیلاخور و بخش پاپی و زروماهر و شبکه بهداشت، بیمارستان هفتم تیر بهزیستی اداره کل راه آهن لرستان، دانشگاه آزاد، علمی کاربردی، جامعه مهندسين، شهرداری دورود آتش نشانی، شهرداری چالانچولان و ارائه خدمات به کلیه همشهریان فهیم و گرانقدر شهرستان دورود

ارزانترین و مرغوب ترین مواد غذایی و بهداشتی
نقدی و اقساط

انواع لوازم خانگی با برندهای معتبر دنیا
در اقساط بلند مدت

توزیع سود سهام بین همکاران
عضو شرکت تعاونی

تنها فروشگاه مواد غذایی در شهرستان با ۵ هزار قلم کالا

هنگام خرید از بخش مواد غذایی و بهداشتی
فاکتور را از فروشنده دریافت نمایید
و میزان تخفیفات واقعی
را ملاحظه نمایید

فروشی ویژه لوازم خانگی نقد و اقساط

SAMSUNG

LG
Life's Good

قیمت باور نکردی برای خرید نقدی

و
کارمزد ۱/۵ درصدی برای خرید اقساطی

اسنوا

روی ما حساب کنید

DAEWOO
ELECTRONICS

بدون پیش پرداخت
در اقساط ۱۸ ماهه و ۱۰ ماهه



سامانه پیامکی

۵۰۰۰۲۴۸۴۲۰

E-mail: tmf.2roud@gmail.com

web: www.tmf-d-co.ir

بلوار معلم خیابان علوی جنب مسجد امیرالمومنین (ع)

تلفکس مدیریت: ۴۳۲۳۲۵۶۵ همراه: ۰۹۱۶۱۶۵۴۱۰۷

مواد غذایی و بهداشتی: ۴۳۲۳۳۰۴۴

لوازم خانگی: ۴۳۲۳۲۵۶۶

حسابداری: ۴۳۲۴۱۹۰۹

کانال تلگرام تعاونی مصرف فرهنگیان دورود

<https://telegram.me/tmf-doroud>

صادرات ۴۵ درصدی

محصولات باغی مرند

کشت غلات به شیوه آبیاری نواری

در میانه برای نخستین بار

صفحه ۴

آذربایجان شرقی

اطلاعات

چهارشنبه ۲۸ تیر ۱۳۹۶ ☐ ضمیمه شماره ۲۶۷۷۱ ☐ ۴صفحه ☐ سال نودودوم

هشدار استاندار آذربایجان شرقی به تامین اجتماعی؛

وضعیت کارخانه های بدون مدیر استان ظرف ۱۰ روز مشخص شود



و در ماه یکبار به استان سفر می کند و این سفر هم مفید به حال کارخانه نخواهد بود.

وی تاکید کرد: مدیر کارخانه باید دوش به دوش کارگر در خدمت تولید باشد؛ در سال تولید و اشتغال، کارخانه بدون مدیر، قابل قبول ستاد اقتصاد مقاومتی آذربایجان شرقی نیست.

جبارزاده گفت: از مجموعه تامین اجتماعی استان رضایت داریم؛ مسئولیت اداره این کارخانجات با مدیران تهران نشین این سازمان است و متأسفانه این اختیارات واگذار نمی شود. اگر فرصت و حوصله اداره این کارخانجات را ندارید، اداره واحدهای تولیدی آذربایجان شرقی را به مدیران غیرتمند، با

تبریز- خبرنگار اطلاعات: استاندار آذربایجان شرقی هشدار داد اگر ظرف ۱۰ روز آینده وضعیت کارخانجات بدون مدیر یا مدیر پروازی مشخص نشود، ستاد اقتصاد مقاومتی استان وارد عمل شده و مسئولیت اداره آن ها را عهده دار خواهد شد. به گزارش ایرنا، اسماعیل جبارزاده در دیدار مدیران سازمان تامین اجتماعی با وی افزود: گله مندم از کسانی که در تهران نشسته اند و مسئولیت واحدهای تولیدی مربوط به سازمان تامین اجتماعی استان را عهده دار هستند.

وی ادامه داد: بیش از یکسال است که با آنها مکاتبه کرده و حتی به صورت حضوری و تلفنی با آنها صحبت کرده و تذکر داده ایم، ولی هیچ کدام مفید حال نشده است. جبارزاده گفت: چگونه می شود از تامین اجتماعی و حمایت از مستمری بگیران بگوییم، ولی از سوی دیگر کارخانه تحت پوشش این سازمان هشت ماه بدون مدیرعامل باشد. کارخانه ای که مدیرعامل ندارد، یعنی به سمت فروپاشی می رود؛ مگر می شود یک کارخانه هشت ماه مدیرعامل نداشته باشد. استاندار آذربایجان شرقی گفت: برای کارخانه ای دیگر مدیری انتخاب می کنند که مدیر پروازی است

معاون عمرانی استاندار:

هیچ مانعی برای اجرای طرح آزادراه تبریز – بازرگان وجود ندارد

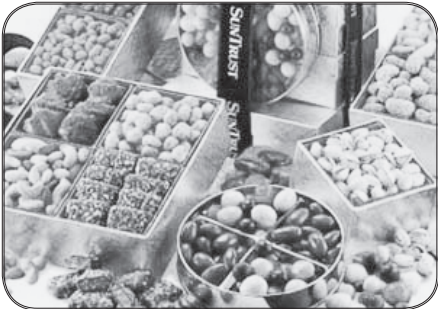


متر بوده و سخت ترین و پر ترافیک ترین قطعه پروژه است. این پروژه مهم و حیاتی که با مشارکت دولت و بخش خصوصی ایرانی در حال احداث است؛ ۳۵ درصد سهم این طرح مربوط به دولت و ۶۵ درصد آورده بخش خصوصی است. روند احداث قطعه نخست این طرح ۳,۵ سال طول می کشد و ۱۵ سال دوره بهره برداری بخش خصوصی بر اساس قرارداد است. هزینه کل قطعه نخست این طرح به طول ۶۳ کیلومتر ۹ هزار و ۳۶۶ میلیارد ریال است.

کرد: یکی از مشکلات پروژه های عمرانی به ویژه در حوزه راه سازی، تحصیل اراضی و وجود معارض در مسیر پروژه است که خوشبختانه آزادراه تبریز- بازرگان از این نظر کمترین مشکل را دارد. وی افزود: شرایط برای اجرای این پروژه مهیاست و انتظار داریم که شرکت پیمانکار با افزایش ماشین آلات و نیروهای فنی خود، به روند اجرایی پروژه سرعت بخشد. پورمهدی اظهار کرد: از نظر منابع مالی نیز دولت سهم ۳۵ درصدی خود را تأمین کرده و امیدواریم این پروژه براساس قرارداد و به صورت فاز به فاز اجرایی شود. وی با اشاره به اینکه در قطعه اول این آزادراه قریب به یک هزار میلیارد تومان سرمایه گذاری می شود، افزود: به شرکت پیمانکار توصیه کرده ایم که از نیروهای فنی منطقه و مهندسان بومی استفاده کنند تا این پروژه در ایجاد فرصت شغلی برای جوانان منطقه نیز سهم داشته باشد. قطعه نخست این آزاد راه از تبریز تا مرند ۶ خطه است که دارای ۴ تونل به طول چهار هزار و ۷۰۰

تبریز- خبرنگار اطلاعات: معاون عمرانی استاندار آذربایجان شرقی با اشاره به اینکه هیچ مانع و معارضی برای اجرای پروژه آزادراه تبریز- بازرگان وجود ندارد، از شرکت پیمانکار خواست با افزایش ماشین آلات و نیروهای فنی خود، به روند اجرایی پروژه سرعت بخشد. به گزارش روابط عمومی استانداری آذربایجان شرقی، محمداصادق پورمهدی در بازدید از عملیات اجرایی قطعه اول آزادراه تبریز- بازرگان گفت: آزادراه تبریز- بازرگان در ادامه کریدور شرق به غرب احداث می شود و با بهره برداری از آن امکان ارتباط ترانزیتی سریع و امن کشورمان با اروپا فراهم می شود. وی با اشاره به اینکه این پروژه با پیگیری های مجدانه مسئولان به ویژه استاندار آذربایجان شرقی به مرحله اجرا رسید، افزود: همه دستگاه های استانی مکلف به همکاری با مجریان این پروژه هستند و هیچ محدودیتی از طرف مدیریت استان در این زمینه وجود ندارد. معاون عمرانی استاندار آذربایجان شرقی خاطرنشان

افزایش ۶ درصدی صادرات محصولات کشاورزی از آذربایجان شرقی



کریم مهری در گفت و گو با خبرنگاران با بیان اینکه صادرات محصولات کشاورزی ۱۳درصد صادرات غیرنفتی استان را به خود اختصاص داده است، افزود: این محصولات به ۵۰ کشور هدف از جمله روسیه، امارات متحده عربی، اسپانیا، ارمنستان، ترکیه و مصر صادر شده است. وی عمده صادرات بخش کشاورزی استان را شامل خشکبار، فراورده های لبنی، محصولات باغی و امحا و احشام دامی عنوان کرد و گفت: بیش از ۵۰درصد درآمد صادراتی این بخش مربوط به محصول کشمش است. مهری با بیان اینکه افزایش تولید و توسعه صادرات فرآورده های لبنی از اولویت های وزارت جهاد کشاورزی است، افزود: محصولات و فرآورده های لبنی استان آذربایجان شرقی علاوه بر کشورهای

همسایه و آسیای میانه به کشورهای اروپایی و روسیه نیز صادر می شود. وی به ظرفیت های قانونی برنامه ششم توسعه در بخش کشاورزی اشاره کرد و افزود: براساس ماده ۳۳ برنامه ششم توسعه دولت مکلف است در اجرای بندهای سوم و ششم سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و به منظور متنوع سازی ابزارهای حمایت از بخش کشاورزی، تأمین و تجهیز منابع، توسعه و امنیت سرمایه گذاری، افزایش صادرات محصولات کشاورزی و ارزش افزایی و تکمیل زنجیره ارزش محصولات کشاورزی اقداماتی را به انجام برساند. استان آذربایجان شرقی دارای یک میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی است که سالانه بیش از ۵ میلیون تن محصول در این اراضی تولید می شود.

پرشورها بدانند برای موفقیت تراکتور

با تمام وجود می جنگیم

برگزاری نمایشگاه مبلمان

و دکوراسیون منزل در تبریز

صفحه ۴

یادداشت

«اهلیت» در خصوصی سازی چیست؟

جواد رنجبر درختی لر

واگذاری ماشین سازی تبریز که یکی از مهم ترین و اولین کارخانه های صنعتی ایران است به مناقشه ای سیاسی و اقتصادی تبدیل شده است. فراز و نشیب واگذاری چنان زیاد است که شاید بتوان کتابی قطور درباره آن نوشت.

ماشین سازی که یکی از کارخانه های مادر صنعتی ایران است، در طول عمر خود تمام مسائل اقتصادی ایران را تجربه کرده است. در این باره هم می توان با نگارش تاریخ این کارخانه تاریخ صنعت و اقتصاد و تولید کشور را نوشت. ماشین سازی تبریز در زمانی تأسیس شد که عزم ایران برای صنعتی شدن جزم شده بود. بنابراین این کارخانه یکی از نمادهای صنعتی شدن در ایران است.

موفقیت مالی و فنی و تربیت صدها متخصص و مهندس درجه یک پیش از انقلاب به تقریب تمام اهداف این کارخانه را محقق کرد. گرفتار مدیریت دولتی شدن آن در اول انقلاب ماشین سازی را به نمونه ای از خیل کارخانه هایی تبدیل کرد که به دیوار سخت مدیریت دولتی خوردند. دست به دست شدن میان مدیران لایق و نالایق در سه دهه گذشته توان اولیه آن را کاست و ارتفاع پرواز این پرنده صنعتی را کاهش داد. حال واگذاری آن به یک بحث مهم عمومی تبدیل شده و می توان گفت کل سیاست خصوصی سازی را به چالش کشیده و معیار و میزان موفقیت یا شکست خصوصی سازی در ایران شده است. این غول مهربان صنعت ایران که در گوشه تبریز خفته و از هیچ یک از آسیب های اقتصادی کشور در چهار دهه اخیر بی نصیب نمانده است آیا خواهد توانست از کاستی ها و ضعف های خصوصی سازی در ایران برهد؟ پرسش های بسیاری درباره خصوصی سازی وجود دارد که هیچ گاه پاسخ مشخصی برای آنها داده نشده است. به عنوان مثال: چرا در ایران خصوصی سازی مقدم بر تقویت بخش خصوصی واقعی شد؟ چرا پیش از فرهنگ خصوصی سازی روش آن پیش گرفته شد؟ چرا خصوصی سازی به شبه دولتی سازی تبدیل شد؟ چه کسانی برای خرید کارخانه ها در اولویت هستند؟ چه کارخانه هایی برای فروش در اولویت هستند؟ کارخانه های زیان ده یا سودده؟ خصوصی سازی در کشوری که متکی به درآمدهای نفت است چه معنایی دارد؟ سرنوشت کارخانه های خصوصی شده چیست؟ و ده ها پرسش دیگر.

در واگذاری ماشین سازی برای نخستین بار واژه اهلیت خریداران که ناظر بر یکی از پرسش های بالاست مطرح شده است. حال باید پرسید: اهلیت درخصوصی سازی به چه معنی است؟ در قانون خصوصی سازی بحثی درباره اهلیت وجود ندارد. به طور اساسی اهلیت معنای روشنی در این باره ندارد. اهلیت به داشتن لیاقت و صلاحیت برای امری، شایستگی و سزاواری، معنی شده است. تطبیق این مفاهیم با اداره یک کارخانه به چه روشی مقدور است؟ خرید و اداره یک کارخانه به توان (اهلیت) مالی و مدیریتی نیاز دارد. به عبارت دیگر اهلیت در اداره یک کارخانه توان دادن پول آن و اداره کردن آن کارخانه است. توان مدیریتی خود زیرمجموعه توان مالی قرار می گیرد. کسی که صاحب ثروت خرید یک کارخانه بزرگ است حتما ساز و کار مدیریتی برای به حداکثر رساندن سود آن را نیز می داند. اگر نداند حتما می داند که باید از مشاوران و مدیران متخصص بهره گیرد. بنابراین اهلیت به معنای داشتن پول است. اما کدام پول؟ پول باید مبدا مشخصی داشته و از پولشویی یا هر اقدام خلاف قانون دیگر به دست نیامده باشد. همچنین باید مبدا دولتی یا شبه دولتی هم نداشته باشد. بنابراین هر پول متعلق به هر شخص حقوقی ایرانی یا خارجی که دولتی و تبهکار نیست اهلیت خرید هر کارخانه ای را دارد. اثبات این اهلیت و ساز و کار حقوقی آن نیاز به قانون گذاری دارد. در ایران نوعی تساهل بیش از حد در برخورد با دارایی ها و سرمایه ها به وجود آمده است و منشأ پول ها به درستی بررسی نمی شود.

پس از رفع شبهه غیر قانونی یا دولتی نبودن پول هر چه درباره اهلیت گفته می شود به کلیت برنامه خصوصی سازی کشور و برنامه دقیق و مشخص سازمان خصوصی سازی برای کارخانه در حال واگذاری (در اینجا ماشین سازی تبریز) برمی گردد. دولت چه برنامه ای برای این کارخانه ریخته است؟ چه هدفی را از خصوصی سازی آن دنبال می کند؟ از خریدار چه توقعی دارد؟ این توقع ها چه ضمانت اجرایی دارند؟ در اینجا نقش سازمان خصوصی سازی پررنگ می شود. سازمان خصوصی سازی یک بنگاه معاملاتی املاک (کارخانه) نیست که پس از پایان کار خریدار و فروشنده را با یک چای و دعای خیر بدرقه کند. این سازمان متصدی اصلی خصوصی سازی واقعی در کشور است و یکی از ابعاد خصوصی سازی واقعی مطالبه برنامه عملی و علمی کارخانه پس از خصوصی شدن است.

نبود این برنامه و تلقی خصوصی سازی به عنوان از سر باز کردن کارخانه زیان ده سبب شده است که اندیشه مرفی خصوصی سازی در ایران، به ویژه در بین کارگران کارخانه ها، به عنوان عامل مشکلات کارخانه ها و زندگی کارگران شناخته شود. به نظر می رسد کارخانه ماشین سازی مثل همیشه منشأ خیر و برکت است و این بار خیر آن نصیب پیشبرد خصوصی سازی در ایران خواهد شد.

اصلاحیه

آگهی تغییرات کانون کارگران بازنشستگان مشمول قانون کار

شهرستان هریس

در اجرای اصل بیست و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به استناد ماده ۱۳۴ قانون کار به منظور اجرای دستورالعمل مورخ ۹۵/۳/۱۶ مصوب وزیر محترم تعاون کار و رفاه اجتماعی و با توجه به صورتجلسه مورخ ۹۴/۱۱/۱۹ مجمع عمومی و مورخ ۹۴/۱۲/۰۲ هیات مدیره و سایر مدارک تسلیمی مدت اعتبار هر یک از اعضای اصلی و علی البدل هیات مدیره و بازرسان کانون کارگران بازنشسته مشمول قانون کار شهرستان هریس تا تاریخ ۹۷/۱۲/۰۲ تغییر می یابد.

بدیهی است تأیید نهایی انتخابات و صدور گواهینامه مستلزم انتشار این آگهی در روزنامه محلی و ارائه آن توسط مسئولان به این اداره کل و انطباق مراحل انتخابات با مقررات قانونی خواهد بود.

میر احد حسینی

از طرف فتحی مدیر کل

آگهی ابلاغ

در خصوص شکایت عباسعلی بلند مقام علیه آقایان تیمور ملک پور و حمزه بهمن نژاد دائر بر کلاهبرداری موضوع پرونده کلاسه ۹۵۰۹۲۹، آقای تیمور ملک پور و آقای حمزه بهمن نژاد شما بر اساس شکایت شاکی و نظریه استعلامی بانک مربوطه و کپی چک صادره منضم پرونده و اظهارات شهود متهم هستید به کلاهبرداری و لحاظ عدم دسترسی به اقامتگاه و آدرس مشخص و دقیق و متواری بودن وفق مقررات نشر آگهی می گردد مقتضی است ظرف یک ماه از زمان نشر آگهی خود را جهت اخذ اظهارات و دفاعیات به شعبه اول دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان هریس معرفی نمائید والا وفق مقررات اقدام خواهد گردید.

دادیار شعبه اول دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب هریس

محمد آریان نژاد

حصر وراثت

شماره پرونده: ۵۱۲/۹۵/۱ ش

خانم باغداگل جعفرزاده فرزند یوسف شناسنامه شماره ۳ باستاند شهادتنامه و گواهی فوت و رونوشت شناسنامه ورثه درخواستی به شماره ۵۱۲/۹۵/۱ ش تقدیم این شورا نموده و چنین اشعار داشته است که شادروان بهرام نصرالهی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۱ متولد سال ۱۳۱۸/۴/۲۷ یک در تاریخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۵ در اقامتگاه دایمی خود فوت نموده و وراث حین الفوت آن مرحوم عبارتند از:

۱- باغداگل جعفرزاده، فرزند یوسف، شماره شناسنامه ۳، تاریخ تولد ۱۳۲۴، نسبت زوجه دایمی، صادره از حوزه ۲ مرکزی شبستر

۲- حسن نصرالهی فرزند بهرام، شماره شناسنامه ۷۳۰۷، تاریخ تولد ۱۳۵۹، نسبت فرزند ذکور، صادره از حوزه ۲ شبستر

۳- ابوالفضل نصرالهی فرزند بهرام، شماره شناسنامه ۵، تاریخ تولد ۱۳۵۵، نسبت فرزند ذکور، صادره از حوزه ۲ شبستر

اینک با انجام تشریفات قانونی درخواست مزبور یک نوبت آگهی می گردد تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا دارای وصیت نامه سری یا رسمی باشد ظرف یکماه از تاریخ انتشار مراتب را اعلام نماید.

رئیس شورای حل اختلاف بخش تسوج- احمد خانی

حصر وراثت

آقای فرامرز اسدپور دارای شناسنامه شماره ۹۴۴ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۶۰۳۲۸ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان حسین اسدپور به شناسنامه ۳۱۱۹ در تاریخ ۱۴/۰۲/۹۶ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

- ۱- فرامرز اسدپور به شماره ۹۴۴ متولد ۱۳۴۰ پسر متوفی
 - ۲- فرزانه اسدپور به شماره ۱۱۰۳۲ متولد ۱۳۴۱ دختر متوفی
 - ۳- فرحناز اسدپور به شماره ۲۰۵۶ متولد ۱۳۵۵ دختر متوفی
 - ۴- پریسا اسدپور به شماره ۷۸ متولد ۱۳۵۹ دختر متوفی
 - ۵- بانو جهان سنگی به شماره ۳ متولد ۱۳۲۳ همسر متوفی
- اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی مینماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه و یک روز به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

م الف ۶۶۱ - ۲۵/۰۴/۹۶

قاضی شورای حل اختلاف شهرستان عجبشیر واحد ۲ - احمد مومنی فر

حصر وراثت

آقای محمد بیننده به شماره شناسنامه ۶۵۳۸۷ به استناد شهادتنامه و گواهی فوت و فتوکپی شناسنامه ورثه درخواستی به شماره ۲۸۸/۹۶ تقدیم این مرجع نموده و چنین اشعار داشته است که شادروان عباس بیننده به شماره شناسنامه ۵۱۵۹ در تاریخ ۱۳۹۵/۰۴/۱۲ در اقامتگاه دائمی خود در گذشته و وراث حین الفوت وی عبارتند از:

- ۱- روزیه باصری فرزند مهدی به شماره شناسنامه ۵۳۹۲ نسبت همسر متوفی.
- ۲- محمد بیننده فرزند عباس به شماره شناسنامه ۶۵۳۸۷ نسبت پسر متوفی.
- ۳- زینب بیننده فرزند عباس به شماره شناسنامه ۱۹۷۱ نسبت دختر متوفی.
- ۴- مریم بیننده فرزند عباس به شماره شناسنامه ۴۳۳۱ نسبت دختر متوفی.

و به غیر از افراد فوق ورثه دیگری ندارد.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه ای از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به این مرجع تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

قاضی شورای حل اختلاف هریس - عیسی شکر زاده

حصر وراثت

خواهان رونوشت حصر وراثت علی بالازاده خانقاه فرزند میرزا علی به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۹۶۰۹۹۸۴۲۷۷۳۰۰۱۷۸ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان میرزا علی بالازاده خانقاه به شماره شناسنامه ۲۳۹ و شماره ملی ۱۶۹۸۷۵۱۸۹۳ صادره از آذرشهر به سال ۹۳/۱/۲۴ فوت نموده و وراث حین الفوت وی عبارتند از:

- ۱- ذکیه بالازاده خانقاه، به شماره شناسنامه ۱۱۰۲ و شماره ملی ۱۶۹۸۷۶۰۵۴۱ صادره از آذرشهر بعنوان دختر متوفی.
- ۲- زینب بالازاده خانقاه، به شماره شناسنامه ۱۴۸۱ و شماره ملی ۱۶۹۸۷۶۴۳۲۴ صادره از آذرشهر بعنوان دختر متوفی.
- ۳- علی بالازاده خانقاه، به شماره شناسنامه ۱۲۹۸ و شماره ملی ۱۶۹۸۷۶۲۴۸۸ صادره از آذرشهر بعنوان پسر متوفی.
- ۴- فاطمه بالازاده خانقاه، به شماره شناسنامه ۱۱۵۶ و شماره ملی ۱۶۹۸۷۶۱۰۸۲ صادره از آذرشهر بعنوان دختر متوفی.
- ۵- کبری بالازاده خانقاه، به شماره شناسنامه ۱۲۵۶ و شماره ملی ۱۶۹۸۷۶۲۰۷۰ صادره از آذرشهر بعنوان دختر متوفی.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور یک نوبت آگهی می گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه ای از متوفی نزد او می باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یکماه به این دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

قاضی شورای حل اختلاف واحد سه آذرشهر - جواد پورعلی اکبر

آگهی مناقصه شهرداری هادیشهر

مرحله دوم (نوبت دوم)

شهرداری هادیشهر در نظر دارد برابر بند ۱ مجوز شماره ۲۵۱ مورخه ۱۳/۰۳/۱۳۹۶ شورای اسلامی شهر، پروژه جمع آوری و حمل زباله سطح شهر را به شرکت های واجد شرایط و دارای گواهی صلاحیت فعالیت از اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی واگذار نماید. لذا داوطلبین می توانند با واریز مبلغ ۲۰۰/۵۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۳۱۰۰۰۰۲۹۲۸۰۰۰ نزد بانک ملی شعبه هادیشهر یا ارائه ضمانت نامه بانکی به میزان مبلغ مذکور و به نام شهرداری هادیشهر، جهت اخذ اسناد مناقصه از تاریخ درج آگهی به واحد امور قراردادهای شهرداری مراجعه و سپس پیشنهادات و مدارک خود را ظرف مهلت ۱۰ روز کاری از تاریخ انتشار به دبیرخانه شهرداری تحویل و رسید دریافت نمایند.

الف- هزینه نشر آگهی به عهده برنده مناقصه است.

ب- شهرداری در رد یا قبول پیشنهادات مختار می باشد.

ج- سپرده یا ضمانت نامه بانکی شرکت در مناقصه حداقل باید دارای سه ماه اعتبار باشد.

د- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به مناقصه در اسناد مناقصه مندرج می باشد.

ه- برآورد اولیه شهرداری مبلغ ۴/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بصورت سالانه می باشد و متقاضیان باید بر مبنای برآورد شهرداری پیشنهاد دهند.

و- پس از ارائه پیشنهادات، شهرداری در ابتدا نسبت به بررسی صلاحیت کاری و تخصصی متقاضیان اقدام و سپس در صورت تائید موارد مذکور، در مناقصه شرکت داده خواهند شد.

انتشار آگهی مرحله دوم (نوبت اول) ۹۶/۴/۲۲

انتشار آگهی مرحله دوم (نوبت دوم) ۹۶/۴/۲۸

صادقیان - شهردار هادیشهر

آگهی مزایده شهرداری هادیشهر

مرحله اول (نوبت دوم)

شهرداری هادیشهر در نظر دارد برابر بند ۳ مجوز شماره ۲۵۰ مورخه ۰۸/۰۳/۱۳۹۶ شورای اسلامی شهر، بهره برداری از جایگاه سی ان جی خود را با کلیه تجهیزات و لوازم موجود به شرکت های واجد شرایط و مورد تائید شرکت پخش فرآورده های نفتی استان با شرایط ذیل واگذار نماید.

لذا داوطلبین می توانند با واریز مبلغ ۶۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۳۱۰۰۰۰۲۹۲۸۰۰۰ نزد بانک ملی شعبه هادیشهر به نام شهرداری هادیشهر، جهت اخذ اسناد مزایده از تاریخ درج آگهی به واحد امور قراردادهای شهرداری مراجعه و سپس پیشنهادات و مدارک خود را ظرف مهلت ۱۰ روز از تاریخ انتشار به دبیرخانه شهرداری تحویل و رسید دریافت نمایند.

الف- سهم پایه شهرداری از محل جایگاه برابر ۵۵ درصد فروش جایگاه پس از کسر گازبها می باشد مشروط به این که از ماهانه ۱۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال کمتر نباشد.

ب- شهرداری در رد یا قبول پیشنهادات مختار بوده و هزینه چاپ آگهی بعهدہ برنده مزایده می باشد.

ج- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به مزایده در اسناد مزایده مندرج می باشد.

انتشار آگهی مرحله اول (نوبت اول) ۹۶/۴/۲۲

انتشار آگهی مرحله اول (نوبت دوم) ۹۶/۴/۲۸

صادقیان - شهردار هادیشهر

◀ ویژه نامه روزنامه اطلاعات در آذربایجان شرقی

◀ نشانی: تبریز- خیابان آیت ا... طالقانی- پلاک ۱۳۹

◀ مسئول ویژه نامه: کاظم نیک رفتار

◀ تلفن: ۳۵۵۵۲۵۹۰ نمابر: ۳۵۵۶۳۱۴۱

◀ پست الکترونیک: tabriz@ostan.org

◀ لیتوگرافی و چاپ: شرکت ایران چاپ (موسسه اطلاعات)

ورزشی

پرشورها بدانند برای موفقیت تراکتور با تمام وجود می‌جنگیم

تبریز- خبرنگار اطلاعات: مربی تیم فوتبال تراکتورسازی تبریز گفت: پرشورها بدانند با تمام وجود برای موفقیت تراکتور خواهیم جنگید.

مجتبی حسینی در گفت‌وگو با آناج در خصوص اردوی تیمش در تهران اظهار داشت: اردوی خوبی بود و کادر فنی و بازیکنان تحت فشار تمرینات و بازی‌ها شناخت بیشتری نسبت به یکدیگر پیدا کردند، تنها نتیجه بد این اردو مصدومیت هادی محمدی بود که او را از دست دادیم.

وی درباره نتایج بازی‌های دستانه تیمش تأکید کرد: ما در بازی‌های تدارکاتی به دنبال نتیجه نبودیم کما اینکه همزمان با بازی‌های دوستانه تمرینات سختی را برگزار می‌کردیم. مسئله دیگری که وجود داشت این بود که ما تعدادی بازیکن در اختیار داریم که تجربه حضور در تیم اصلی را ندارند و با توجه به اینکه فقط در تیم‌های امید و جوانان تراکتورسازی بازی کرده‌اند، لذا این دیدارها فرصت خوبی بود تا کادر فنی آنها را مورد سنجش قرار بدهد.

مربی تیم فوتبال تراکتورسازی تبریز به تلفیق یاران با تجربه و جوان در ترکیب تیمش اشاره و اذعان نمود: ما در برابر توجهی که به یاران جوان و داشته‌هایمان می‌کنیم انتظار داریم آنان روی فوتبال خود تمرکز کرده و بتوانند پیشرفت کنند. فکر می‌کنم جوانان باید تحت فشار بیشتری قرار بگیرند و از فرصتی که کادرفنی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد به نحو احسن استفاده کنند.

وی درخصوص قرعه سخت تیمش در هفته‌های ابتدایی لیگ هفدهم متذکر شد: ما با توجه به تغییراتی که داشتیم نیاز به زمان داریم تا بتوانیم به شرایط مطلوب برسیم ولی باید این وضعیت را قبول کرده و با این شرایط بجنگیم. ما به آینده نگاه مثبتی داریم و سعی می‌کنیم از این تهدیدها فرصت بسازیم. مربی تراکتورسازان در خاتمه از هواداران تیمش تشکر کرد و ابراز داشت: در مدتی که به تراکتور آمدم هواداران پشتیبانی خوبی از تیم‌شان داشتند و امیدوارم این حمایت را ادامه دهند تا بتوانیم از شرایط دشواری که داریم عبور کنیم. پرشورها بدانند که با تمام وجود برای موفقیت تراکتور خواهند جنگید و ما هم دوست داریم هواداران غیرتمند آذربایجانی ما را تنها نگذارند و در عین حال شرایط تیم و بازیکنان خود را درک کنند.

برگزاری نمایشگاه مبلمان و دکوراسیون منزل در تبریز

تبریز- خبرنگار اطلاعات: اولین نمایشگاه مبلمان و دکوراسیون منزل از ۲۷ لغایت ۳۱ تیر ماه در محل نمایشگاه بین المللی تبریز برگزار می‌شود.

به گزارش روابط عمومی نمایشگاه، اولین نمایشگاه مبلمان و دکوراسیون منزل با حضور تولیدکنندگانی از استان های آذربایجان شرقی و غربی- تهران- البرز- خراسان رضوی- فارس- مازندران- گیلان- اردبیل- اصفهان- قزوین- یزد- مرکزی- و همدان در زمینه های مبلمان راحتی، کلاسیک، مبلمان استیل، سرویس خواب، ناهارخوری، بوفه، میز ال سی دی، لوستر و دکوراسیون منزل برپا خواهد شد.

این گزارش می افزاید نمایشگاه مزبور در سالن های امیرکبیر و پروین اعتصامی برپا شده و همه روزه از ساعت ۱۶ الی ۲۲ جهت بازدید عمومی شهروندان دایر خواهد بود.

نامه وارده در خصوص احداث جاده روستایی

بیش از ۳۰ سال هست که جاده روستاهای قشلاق علیا- قشلاق سفلی- چمن زمن- حشمت آباد و برون درق از توابع بخش خواجه شهرستان هریس منتظر عنایت مسئولان است.

مراد نویدی از اهالی روستاهای یادشده می باشد که طی نامه ای خواستار توجه مسئولان راه و شهرسازی در احداث جاده روستاهای نامبرده به طول ۱۵ کیلومتر شده است.

بنابر نوشته ایشان رفت و آمد به روستاهای یادشده در پاییز و زمستان بسیار سخت می باشد و همین مشکل باعث شده تا اکثر اهالی روستاها که ۴۰۰ خانوار را شامل می شود در حال مهاجرت به تبریز می باشند. البته نمایندگانی از روستاها به مسئولین مراجعه کرده اند که متأسفانه با جواب بودجه نداریم مواجه شده اند.

خاطر نشان می شود که اصل نامه در دفتر روزنامه موجود بوده و تقاضای رسیدگی و احداث جاده را از اداره راه دارند.

مدیر عامل منطقه آزاد ارس در گفت و گو با نصر تشریح کرد:

تردد ۷۲۰۰ خودروی ارس پلاک در جاده ها

رئیس گمرکات کشور نامه نگاری های لازم را انجام دادیم تا خودروهای ارس پلاک نیز از این فرصت بهره مند شوند.

عرب باغی با بیان اینکه در حال حاضر هفت هزار و ۲۰۰ دستگاه خودروی ارس پلاک وجود دارد اظهار داشت: مالکان این خودروها با توجه به رقم های بالایی که جهت خرید آنها پرداخت کرده اند انتظار دارند تا همانند سال های گذشته از مرخصی استفاده کنند.

مدیر عامل منطقه آزاد تجاری صنعتی ارس اضافه کرد: از یک و نیم سال گذشته ارایه مرخصی ممنوع شده است که امیدواریم به زودی مجوزهای لازم اخذ و امکان صدور مرخصی یک ماهه برای خودروهای ارس نیز فراهم گردد.

جلفا- خبرنگار اطلاعات: مدیر عامل منطقه آزاد تجاری صنعتی ارس از تلاش برای اخذ مجوز جهت مرخصی یک ماهه خودروهای ارس پلاک خبر داد.

«محسن خادم عرب باغی» در گفت و گو با نصر در واکنش به مجوزی که اخیرا برای خودروهای پلاک چهار منطقه آزاد اروند، قشم، کیش و چابهار صادر شده؛ اظهار داشت: بر اساس این مجوز خودروهای این چهار منطقه آزاد می توانند از فرصت یک ماهه مرخصی و تردد در جاده های سراسر کشور بهره مند شوند.

وی ادامه داد: به محض اطلاع از صدور این مجوز پیرو تلاش هایی که طی ماه ها و سال های گذشته در خصوص اخذ این مجوز انجام داده بودیم بار دیگر با

صادرات ۴۵ درصدی محصولات باغی مرن

جمله سرمازدگی و عدم تلقیح گل درختان زردآلو کاهش ۶۰ تا ۷۰ درصدی تولید این محصول در سال جاری پیش بینی می شود.

رحمانی خاطر نشان کرد: شهرستان مرن از نظر تولید زردآلو در سطح استان مقام اول را به خود اختصاص داده است و حدود ۳۰۰۰ نفر در امر تولید و فرآوری این محصول اشتغال دارند.

وی با اشاره به اینکه ۳۵ واحد صنایع تبدیلی و تکمیلی در این شهرستان فعال است، گفت: زردآلو، سیب، گردو، بادام، پسته، آلو، گوجه سبز، گیلان و آلبالو از جمله محصولات باغی این شهرستان است. رحمانی با بیان اینکه شهرستان مرن به عنوان بزرگترین قطب تولید خشکبار قیسی محسوب می شود، گفت: کشاورزان شهرستان به تولید قیسی

مرند- خبرنگار اطلاعات: مدیر جهادکشاورزی شهرستان مرن گفت: ۱۶ رقم محصول سردرختی با میانگین ۱۶۹ هزار و ۷۰۰ تن در سال در این شهرستان تولید و از این مقدار ۴۵درصد به کشورهای آسیای میانه و ترکیه و حوزه خلیج فارس صادر می شود. به گزارش روابط عمومی سازمان جهادکشاورزی استان، منوچهر رحمانی افزود: بقیه تولیدات باغی به صورت تازه خوری و یا پس از فراوری در خود شهرستان و یا سایر نقاط کشور مصرف می شود. وی با اشاره به اینکه سالانه در حدود ۴۴ هزار تن زردآلو در این شهرستان تولید می شود، گفت: از این میزان تولید ۲۵درصد به صورت تازه خوری مصرف و ۷۵درصد فرآوری می شود.

وی گفت: به علت حوادث طبیعی اوایل بهار از

کشت غلات به شیوه آبیاری نواری در میانه برای نخستین بار



در شهرستان میانه، گفت: پیش بینی می شود در هر هکتار ۳ تن و ۳۵۰ کیلوگرم محصول برداشت شود.

رحیم زاده گفت: علاوه بر افزایش عملکرد،

میانه- خبرنگار اطلاعات: مدیر جهاد کشاورزی شهرستان میانه گفت: برای نخستین بار در استان کشت لوبیا در سطح ۱۸ هکتار و گندم در سطح ۱۰ هکتار از اراضی این شهرستان به شیوه آبیاری نواری قطره ای انجام شد.

به گزارش ایرنا، جلال رحیم زاده خاطرنشان کرد: با اجرای طرح آبیاری نوین تحت فشار در مزارع لوبیا میزان مصرف آب کشاورزی در هر هکتار از ۱۰ هزار و ۵۴۰ مترمکعب به ۶ هزار و ۲۰۰ هزار مترمکعب و در گندم در هر هکتار از ۶ هزار و ۴۵۰ هزار مترمکعب به ۴ هزار و ۳۰۰ هزار متر مکعب کاهش می یابد.

وی با اشاره به کشت ارقام جدیدی به نام کوشا

راه اندازی پایگاه سلامت اجتماعی در شهرستان هریس

هریس- خبرنگار اطلاعات: همزمان با هفته بهزیستی پایگاه سلامت اجتماعی در شهرستان هریس با هدف ارتقای سلامت اجتماعی و کاهش آسیب های اجتماعی راه اندازی شد.

به گزارش خبرنگار ایرنا، با افتتاح این پایگاه سلامت اجتماعی که توسط بخش خصوصی اداره می شود، خدمات مشاوره ای و مددکاری، حقوقی، قضائی و انتظامی، مشارکت و همکاری برای رفع نیازهای



وضعیت کارخانه های بدون مدیر استان ظرف ۱۰ روز مشخص شود

دیدارها تلف شود.

وی با تأکید بر اینکه باید مدیر کارخانه سیمان لباس کار پوشد و دوش به دوش کارگر کار کند، گفت: مدیریت ارشد استان جوابگوی مسایل و مشکلات کارگران این کارخانه شده و مدیر آن در تهران مدیریت می کند. وی همچنین در این دیدار از اقدامات مدیران تامین

ادامه از صفحه ۱

استاندار آذربایجان شرقی اضافه کرد: سیمان صوفیان واحدی است که در به در به دنبال مدیر و فردی هستیم که با آن در مورد مسایل و مشکلات کارگری کارخانه صحبت کنیم، مگر می شود مدیر در ماه یکبار به تبریز بیاید و این آمدن هم در هتل و